



ویژه تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایران

اداره کل روابط عمومی - اسفند ۱۳۹۱



افتخار هشتاد سالگی بانک مرهون زحمات شماست



سرمقاله

نگاه به درون

دوک نخریسی و بافت کرباس حدود ۷۰ سال پیش به نمادی از عزم هندیان برای استقلال طلبی تبدیل شد و تولید داخلی پارچه به‌عنوان وسیله مهم کسب هویت و حاکمیت هندی و مقدمه‌ای بر کوتاه شدن دست انگلستان از این سرزمین پهناور مورد استفاده قرار گرفت؛ توانایی ملی برای خلق کالاها و مایحتاج جامعه و خودداری از روند وابستگی آور مصرف کالای خارجی، راهی قدیمی برای افزایش مقاومت در مقابل فشارهای خارجی است.

از آن روزگار سالیان چندی نگذشته، اما دوران به‌شدت عوض شده است، هر چند در ماهیت این حقیقت که ملت‌ها برای نیل به مسیر توسعه پویا و ماندگار و افزایش توان در مقابل امواج رقابت‌های بین‌المللی به تکیه بر تولید ملی و کار و سرمایه خود نیازمندند، تغییری حاصل نشده است. این یک الزام است که گاهی ملت‌هایی از آن غفلت می‌کنند و در این حالت نیازمند یادآوری و ارائه تذکرند. به نظر می‌رسد ملت ما در سال‌های گذشته تا حدودی به این غفلت بوده است که مقام معظم رهبری توجه به تولید و کار و سرمایه ایرانی را در آغاز سال مدنظر قرار داده‌اند.

احترام واقعی به این تذکر زمانی شکل خواهد گرفت که هر آنچه در حوزه قانون و مقررات و روش‌های اجرایی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم اولویت انتخاب را به کالای تولید خارجی می‌دهد تغییر ماهوی بدهیم، هرگونه همکاری را با صاحبان ایرانی کار و تخصص برای ارائه ابداع و هنر به عمل آوریم و هر تضمینی را که از آن محکم‌تر نیست به صاحبان ایرانی سرمایه بدهیم تا ترکیبی از کار و سرمایه ملی، حجم تولید ملی را افزایش دهد. بهترین راه استقبال از این شعار، معرفی راهکارها و موانع استفاده از کار و سرمایه ایرانی است. ویژه‌نامه حاضر به این مهم پرداخته است.

الله‌اکبر



پیام صبر

نشریه داخلی بانک کشاورزی

ویژه‌نامه همایش

تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

صاحب امتیاز:

بانک کشاورزی

مدیر مسئول: خسرو صادقزاده

سردبیر: مرتضی مهدویان

مدیر داخلی: مرضیه امیری

ناظر کیفی: الهام خرمی

اداره کل روابط عمومی

- اقتصادی از جنس مقاومت/۳
- ورود به فاز عملیاتی/۴
- همه سال‌های حمایت/۱۰
- یک پشتیبانی تمام‌قد/۱۲
- به دنبال راهکارهای عملیاتی شدن موارد مطرح شده در همایش تولید ملی هستیم/۱۴
- مفاهیم‌گری/۱۶
- حرکت از مباحث تئوریک به سوی راهکارهای اجرایی/۱۸
- یک موتور تقویت شده/۱۹
- یک طرح به وسعت ایران/۲۱
- یک نسخه کارآمد/۲۳
- ظرفیت نامحدود/۲۶
- به سوی بهره‌وری/۲۸
- یک روغن رقیق برای یک موتور سنگین/۳۰
- نمونه‌های کارآمد/۳۲
- بیمه‌های کشاورزی افزاینده موقعیت اعتباری کشاورزان/۳۴
- افزایش خرید بیمه‌نامه‌های کشاورزی در سال ۱۳۹۲/۳۵



مدیرعامل بانک کشاورزی بر مدل‌های کارآمد کسب‌وکار در شرایط ویژه تاکید کرد:

اقتصادی از جنس مقاومت



در بخش ماشین‌آلات کشاورزی به شدت وابسته‌ایم. او گفت: ما نه تنها به واردات ماشین‌آلات کشاورزی وابسته‌ایم، بلکه در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه عقب هستیم و این وابستگی‌ها موجب آسیب‌پذیری ما در اقتصاد می‌شود.

مدیرعامل بانک کشاورزی ادامه داد: البته وابسته بودن به این معنی نیست که ما تمام کالاهای مورد نیاز را خودمان تهیه کنیم، اما به این معنی هم نیست که کالاهایی را که خودمان می‌توانیم تولید کنیم، وارد شود. ما در زمینه تکنولوژی و بهره‌گیری از مدیریت دانش نیز همچنان به روش سنتی پیش می‌رویم و این مسئله سبب می‌شود تا فاصله زیادی با دیگر کشورهای در حال توسعه داشته باشیم. او با مثال زدن کشور چین خاطر نشان کرد: این کشور نیز مانند ما چند سالی طرح توسعه کشاورزی را در برنامه‌های خود گنجانده بود، اما در چین ۳/۵ میلیارد دلار به این امر اختصاص داده شد که محور توسعه آن اصلاح نژاد، یعنی بالا بردن بهره‌وری از طریق اصلاح نژاد است.

رئیس هیئت‌مدیره بانک کشاورزی همچنین با اشاره به پیشرفته بودن کشور برزیل در بخش کشاورزی افزود: این کشور حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع اراضی کشاورزی و کشور ما ۳۶۰ هزار کیلومتر مربع اراضی برای کشاورزی در اختیار خود که ما از ۵۰ درصد آن استفاده می‌کنیم و برزیل تنها از ۱۷ درصد از اراضی خود برای کشاورزی استفاده می‌کند و توانسته با کشاورزی، خود را به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل کند.

او با اشاره به سنتی بودن کشاورزی در ایران افزود: متأسفانه آموزش‌های اولیه برای کشاورز در کشور ما وجود ندارد که این خود یک نقطه آسیب به شمار می‌آید. بسیاری از کشاورزان در کشور ما از امنیت شغلی، درآمدی و امکانات بازنشستگی برخوردار نیستند. آیا می‌توان از آنها تقاضا داشت با این شرایط بخش مهمی از اقتصاد کشور را اداره کنند؟

مدیرعامل بانک کشاورزی همچنین با اشاره به مدیریت ضعیف در بخش آب و آبیاری تاکید کرد که این ضعف، اقتصاد مقاومتی کشاورزی را زیر سوال می‌برد و ما می‌دانیم که اگر بسیاری از اراضی خشک آبیاری می‌شد اکنون قابلیت کشاورزی داشت.

او در پایان مدیریت الگوی کشت، تبدیل شدن اراضی مساعد کشاورزی به کاربری‌های غیر کشاورزی، نظام مالکیت اراضی، نظام مدیریت، هزینه مکانیزاسیون، تغییرات اقلیمی و آب و هوایی، بهره‌گیری از مدیریت اصلاح نژاد و آسیب‌های موجود در بخش بازرگانی را از اصلی‌ترین مشکلات بخش کشاورزی خواند و افزود: ما امیدواریم بتوانیم با یاری یکدیگر در این بخش، کمک بسزایی برای شکوفایی اقتصاد کشور داشته باشیم.

همچنین با اشاره به رکن کاهش آسیب‌پذیری نسبت به دسیسه‌های دشمن خاطر نشان کرد: اقتصادی می‌تواند مقاومتی باشد که حداقل از آسیب‌هایی که دشمن می‌تواند وارد کند در امان باشد.

مدیرعامل بانک کشاورزی همچنین در رابطه با سخنان مقام معظم رهبری در رابطه با اقتصاد مقاومتی افزود: البته ایشان می‌فرمایند منظور از اقتصاد مقاومتی تنها جنبه نفی نیست و معنی این اقتصاد حصار کشیدن به دور خود و کارهای تدافعی نیست. اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد تا در شرایط فشار نیز به رشد و شکوفایی خود ادامه دهد را اقتصاد مقاومتی می‌نامند و اگر ما بخواهیم در این زمینه به فعالیت بپردازیم، با شفاف‌سازی‌های انجام شده از سوی ایشان، دیگر نیازی به نظریه‌پردازی نیست. کاملاً مشهود است که بخش کشاورزی حائز اهمیت خاصی در اقتصاد است و ابعاد بسیاری وجود دارد که این اهمیت را اثبات می‌کند، اشتغال‌زایی در این بخش بسیار است و عده زیادی از مردم کشور از این طریق امرار معاش می‌کنند.

او همچنین وجود پتانسیل‌های زیادی از جمله آب، خاک و شرایط اقلیمی را در کشور حائز اهمیت برشمرد و استفاده از آن‌ها را مقتضای یک کشاورزی قدرتمند دانست. طالبی با تاکید بر اینکه موضوع دیگر بحث امنیت و اهمیت غذایی است که با کشاورزی تحقق پیدا می‌کند و کشاورزی پایه صنایع است، افزود: این مسئله نیز در کنار دیگر مسائل موجب مهم شدن بخش کشاورزی است. به نظر می‌رسد بخش کشاورزی باید بتواند خود متخلق شود به خصوصیات اقتصاد مقاومتی و هم موثر شود در کلان اقتصادی. او ادامه داد: یکی از مشکلات اصلی در بخش کشاورزی وابستگی است چرا که هر مقدار که ما وابسته باشیم، آسیب‌پذیری نیز بیشتر می‌شود و متأسفانه ما

شرایط جدید اقتصاد ایران طلب می‌کند تا شیوه‌های کسب و کاری به کار گرفته شود که در شرایط سخت هم به رشد خود ادامه دهد. اقتصاد مقاومتی همان مدل اقتصادی است که به یک ملت امکان می‌دهد تا در شرایط فشار هم در مسیر شکوفایی حرکت کنند.

محمد طالبی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بانک کشاورزی با تاکید بر لزوم حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی گفت: رهبر معظم انقلاب با دعوت از تمام فعالان و سیاست‌گذاران اقتصادی درخواست کردند تا تمام شرایط اقتصاد مقاومتی را در نظر گرفته و در این راستا قدم بردارند. مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ اعلام کردند که هدف دشمن فشار اقتصادی بر کشور است و در سال ۱۳۹۱ نیز با اشاره به همان سخنرانی افزودند که دشمنان انقلاب با این روش‌ها قصد دارند به اقتصاد ایران فشار وارد کرده و به همین دلیل توجه تمام اقشار جامعه را به مسئله اقتصاد مقاومتی معطوف کردند. بسیاری از صاحب‌نظران درمورد این موضوع صحبت کردند؛ برخی اقتصاد مقاومتی و اقتصاد ریاضتی را در کنار یکدیگر می‌دانند و برخی مقایسه می‌کنند و بعضی‌ها هم آنها را مشابه هم می‌دانند، اما می‌توان با درک بیانات ایشان به اقتصاد مقاومتی مورد نظر پی برد.

او افزود: رهبر معظم انقلاب بارها در سخنان خود اشاره کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی متشکل از چند رکن است که تکیه بر مردم، کاهش آسیب‌پذیری از دسیسه‌های دشمن، حمایت از تولید ملی، مدیریت مصرف و اقتصاد دانش‌بنیان از ارکان اصلی آن به‌شمار می‌روند. رئیس هیئت مدیره بانک کشاورزی درباره رکن تکیه بر مردم گفت: هر مقدار که اقتصاد ما به سمت مردم حرکت کند اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد و آسیب‌پذیری در جامعه کاهش می‌یابد. طالبی



همایش تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی در بخش کشاورزی و با حمایت بانک کشاورزی برگزار شد؛

ورود به فاز عملیاتی

قرار گیرد، سرداران جبهه تولید و تامین امنیت غذایی کشور، یعنی کشاورزان می‌توانند بیش از این نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در عرصه تولید داشته و در راستای تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری حرکت کنند. شرط رسیدن به چنین موهبتی هم آگاهی از چالش‌های زیربخش‌های مختلف کشاورزی و عمل به راهکارهای توصیه شده توسط فعالان عرصه تولید است که اگر چنین شود می‌توان ادعا کرد مزیت‌های بخش کشاورزی برگ برنده کشور در مقابله با تحریم‌ها و قدرتمندترین سلاح برای تحقق اهداف سال یادشده خواهد بود. اما در فضای بانک‌محور اقتصاد امروز ایران، تزریق منابع مالی شاه‌کلید توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی به‌شمار می‌رود.

ماهیکار با اشاره به این مهم گفت: سرمایه و سرمایه‌گذاری کلیدی‌ترین عامل رشد و توسعه کشاورزی است. در این راستا نیز امروزه بانک کشاورزی مفتخر است که به تنهایی ۶۰ درصد نیاز مالی بخش کشاورزی را در راستای افزایش تولید ملی، حفظ اشتغال موجود و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید پوشش داده است. از سوی دیگر در سال تولید ملی به‌منظور تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری، هر آنچه نیک می‌دانستیم در شعب بانک کشاورزی در عرصه عمل به‌کار بستیم و روش‌های مان را در پرداخت تسهیلات سهل‌تر کردیم و حمایت بیش از پیش از تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید را در بخش کشاورزی در غالب تسهیلات اعطایی مورد

و سرمایه ایرانی شد. به‌همین منظور همایشی از سوی بانک کشاورزی برگزار شد که خلاصه گزارش آن از نظرتان می‌گذرد.

به خدمت گرفتن تجربه ۸۰ ساله

برای حمایت از فارغ‌التحصیلان جویای کار، کارآفرینان و تولیدکنندگان برتر امتیازات خاصی در نظر گرفته و اولویت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف کشور را در بخش کشاورزی مشخص کردیم؛ یافته‌های خود را به‌صورت رایگان در اختیار سرمایه‌گذاران در بخش کشاورزی قرار داده و در یک کلام تجربیات ۸۰ سال بانک را در امر طرح‌ها و پروژه‌های کشاورزی به‌صورت نظام‌مند در اختیار شعب گذاشتیم تا در تسهیل کار و تسریع امور کشاورزان به‌کار گیرند.

داور ماهیکار، عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی که دبیری همایش تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی را نیز بر عهده داشت با بیان مطلب فوق، به اهمیت نامگذاری سال حمایت از تولید ملی اشاره کرده و آن را ادامه جهاد اقتصادی خواند. او با تاکید بر جایگاه ویژه کشاورزی در تولید ملی، گفت: چنانچه بخش کشاورزی به لحاظ قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که دارد بیش از گذشته مورد توجه

هرچند که سنت نامگذاری سال‌ها از سوی مقام معظم رهبری به سال ۱۳۷۸ باز می‌گردد اما در چند سال اخیر این نامگذاری‌ها رنگ و بوی دیگری به خود گرفته و تمرکز بیشتری بر مسائل اقتصادی در نامگذاری سال‌ها دیده می‌شود. سال ۱۳۹۱ نیز از سوی ایشان با عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نامگذاری شد؛ اما نامگذاری سال جاری تفاوت قابل توجهی با نام‌های اقتصادی سال‌های قبل دارد به این معنا که نامگذاری سال‌های گذشته کلان بوده و چندان قابل ارزیابی کمی در پایان سال نبود. رهبر انقلاب بعد از آنکه اهداف سال گذشته را در فضای فرهنگ اقتصاد تعیین کردند، یعنی ترویج نگاه جهادگونه به فعالیت‌های اقتصادی؛ در نامگذاری سال ۹۱ با تعیین اهداف جزیی‌تر، به شکلی وارد فاز اهداف عملیاتی شدند. سال حمایت از تولید ملی، نیروی کار و سرمایه‌گذار، با تعیین سه وظیفه برای سران قوا، دست اندرکاران تولید و مردم. تولید ملی در حقیقت در ادامه جهاد اقتصادی است با این تفاوت که این بار نه اقتصاد در بعد کلان، که تولید و آن هم تولید داخلی در کانون توجه است. بانک کشاورزی نیز به موازات دیگر ارکان اجرایی کشور وارد فاز عملیاتی پیام تولید ملی، حمایت از کار



دارد، در تولید محصولات باغی در رده هفتم جهانی و در محصولات زراعی نیز در جایگاه پانزدهم دنیا ایستاده است. با این حال هنوز حجم قابل توجهی از واردات محصولات باغی، زراعی و دامی را به کشور داریم.

رئیس هیئت مدیره اتحادیه ملی محصولات کشاورزی همچنین گفت: طبق آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰ حدود یک میلیون و ۸۷۰ هزار تن صادرات میوه، سبزی و گل داشته‌ایم که یک میلیارد و ۱۳۱ میلیون دلار برای کشور ارزآوری شده است.

کشاورزی ایران در گیرودار دو چالش اصلی

اینکه از ۵۱ میلیون هکتار زمین قابل کشت در کشور، تنها در ۱۸ میلیون هکتار تولید انجام می‌شود، حاصل چالش‌های درون‌بخشی و برون‌بخشی مبتلابه کشاورزی است که سعید کچوئیان جواد، تولیدکننده برتر محصولات سالم کشاورزی کشور در همایش تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی به تشریح آنها پرداخت. او گفت: کشاورزی در کشور ما معمولاً همیشه با دو چالش مواجه است که در به سرانجام رسیدن اهداف پیش‌بینی شده مشکل ایجاد می‌کند.

این فعال بخش کشاورزی که چالش‌های درون‌بخشی را شامل هوا و اقلیم، حوادث طبیعی و آب می‌داند، یادآور شد که چالش‌های برون‌بخشی کشاورزی هم تاثیر کمتری از چالش‌های درون‌بخشی ندارند. کچوئیان گفت: عملکرد ناقص و نامطلوب اقتصاد کشور، عدم تامین اعتبارات مورد نیاز بخش کشاورزی، عدم کارایی مطلوب خرید تضمینی محصولات کشاورزی، محقق نشدن یارانه‌ها طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده، اجرایی نشدن بیمه محصولات کشاورزی به‌صورت کامل، فقدان شبکه توزیع مناسب محصولات کشاورزی، فقدان صنایع تبدیلی برای جذب نیروهای بیکار روستایی، نبود توانمندی برای رسیدن به بازارهای بین‌المللی، انعطاف‌ناپذیر بودن بنگاه‌های مالی بدون در نظر گرفتن معضلات فعلی، واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی و عدم تمایل جوانان تحصیل کرده و دانش‌آموختگان بخش کشاورزی به این عرصه از مشکلات اصلی برون‌بخشی کشاورزی کشور است.

بررسی تطبیقی وضعیت تشکیل سرمایه ثابت

دکتر صمد رحیمی‌سوره، معاون پژوهشی مرکز پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی به بررسی تطبیقی وضعیت تشکیل سرمایه ثابت در بخش‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی پرداخت.

او گفت: به عقیده اقتصاددانان بخش کشاورزی نباید بیش از ۲ تا ۳ درصد در توسعه یک کشور

تاکید قرار دادیم. همچنین شعب بانک را به منابع مالی جدید تجهیز کرده و این منابع را در راستای توجه بیشتر به تولید در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار داده و دفعات نظارت‌ها به‌منظور استفاده صحیح منابع تخصیصی پروژه‌ها را بیشتر کردیم.

او در پایان افزود: البته در کنار این اقدام‌ها، نشست‌های متعددی را با حضور همکاران مان در سازمان‌ها و ارگان‌های وابسته به بخش کشاورزی و همچنین تلاش‌گران عرصه تولید و اصحاب علم و دانش و رسانه، شکل داده و نظرات صاحب‌نظران را اخذ کردیم. بخش اعظمی از نظرات هم در اهتمام به رشد و توسعه کشاورزی در سال جاری عملیاتی و آثار این حرکت سبب تسریع امور مربوط به طرح‌های معرفی شده از سوی کارگروه توسعه کشاورزی شد و همین اقدام رضایت رئیس‌جمهور از عملکرد بانک را فراهم کرد.

واقعه‌ای غیر قابل هضم

با وجود داشتن اقلیم‌های آب و هوایی خوب، منابع آب و خاک مناسب و چهار فصل بودن آب و هوا باز هم ۷ میلیارد دلار واردات گندم، جو و علوفه داریم که با توجه به پتانسیل‌های موجود در کشور چنین واقعه‌ای قابل هضم نیست. نورانی، رئیس هیئت مدیره اتحادیه ملی محصولات کشاورزی کشور با بیان این موضوع در همایش تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی گفت: ایران در سکوی دهم تولید سرانه میوه در جهان قرار

نقش داشته باشد، البته این در صورتی ممکن می‌شود که دیگر بخش‌های اقتصادی کشور نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند.

رحیمی افزود: در بحث کشاورزی سهم بخش خصوصی بیش از ۹۰ درصد است. البته در قانون افزایش بهره‌وری و برنامه پنجم، برنامه‌های خوبی گنجانده شده که تولی‌گری دولت و وظایف حاکمیتی بر عهده دولت باشد و دولت بتواند تمام موارد در حوزه کشاورزی را واگذار کند و اقدام‌هایی نیز در این رابطه شروع شده است. البته اقدام‌های انجام شده تا امروز مکفی نیست و با سرعت کمی این کار در حال اجراست.

او ادامه داد: هرچه کشاورزی پیشرفته می‌شود سهم سرمایه نیز افزایش پیدا می‌کند و در یک کشاورزی مدرن تجاری قطعاً سهم سرمایه و تراکم آن خیلی مهم‌تر می‌شود.

معاون پژوهشی مرکز پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی گفت: موجودی سرمایه خالص کشاورزی ۵/۲ درصد است که در ۶ دهه اخیر متوسط آن ۴ درصد بوده است.

ارزآوری صدور آبریان، معادل یک سوم صادرات فرش

کل ارزش صادرات آبریان ایران حدود ۲۱۱ میلیون دلار است که درمقایسه با ارزش ۶۰۰ میلیون دلاری صادرات فرش، رقم قابل توجهی محسوب می‌شود، ضمن اینکه قدمت صادرات آبریان بسیار کمتر از صادرات فرش است. هادی سنگانیان، رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان آبریان کشور معتقد است با افزایش تولید آبریان، اقتصاد مقاومتی محقق می‌شود.

سنگانیان ادامه داد: در سال ۱۳۶۸ بیش از ۲۵۱ تن خاویار از دریای خزر استحصال کردیم که اکنون بعد از گذشت ۲۳ سال به ۶۰۰ کیلو کاهش یافته است. البته اکنون صید ماهی‌های خاویاری در دریای مازندران ممنوع اعلام شده که نشانگر این است که ما و کشورهای حوزه دریای خزر به طرز بی‌رحمانه‌ای با این دریا برخورد کرده‌ایم و تمام ذخایر پر ارزش این دریا را از بین برده‌ایم.

رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان آبریان گفت: امروز واحدهای پرورش ماهیان خاویاری با حمایت‌های بانک کشاورزی، سازمان شیلات و دامپزشکی راه‌اندازی شده‌است و در سواحل دریای مازندران و سلفچگان قم نیز انجام می‌شود و امیدواریم که در سال جاری ۵۰۰ کیلو خاویار پرورشی برای صدور به خارج از کشور تولید کنیم. حمایت از حیوانات برای جلوگیری از انقراض آنها امری ضروری است و می‌توان با پرورش آنها از انقراض شان جلوگیری و برای صادرات و سودآوری گام برداشت.

او با اعلام نرخ هزار و ۵۰۰ دلاری برای هر کیلو خاویار در بازارهای جهانی افزود: اگر مانند



تشکیل تشکل، یک گذر ناگزیر

از سال ۱۳۸۱ و پس از تصویب قانون تشکیل نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، وزارت جهاد کشاورزی ملزم شد که نظام صنفی کالای کشاورزی را با کمک دستگاه‌های دیگر مهیا کند که تاکنون در ۳۷۵ شهرستان کشور این نظام تشکیل شده است.

عبدالرضا مسلمی، مدیرکل دفتر امور تشکل‌های کشاورزی که در رابطه با نقش تشکل‌ها و سازمان‌های غیردولتی در توسعه بخش کشاورزی سخن می‌گفت، افزود: لازم است به چند سوال تخصصی در این بخش فکر کنیم و پاسخ مناسبی برای آنها بیابیم. مسلمی با طرح این سوال که چرا مشارکت و مشارکت‌مداری در بخش کشاورزی حائز اهمیت بسیار است، تصریح کرد: زمانی که دولت‌ها مقتدر شوند و بخواهند تمام مشکلات جامعه را حل کنند نیاز به تشکل‌های بخش خصوصی دارند تا بتوانند چنین امری را محقق کنند.

امروزه بیش از ۹۵ درصد مالکیت بخش کشاورزی متعلق به مردم است ولی سهم مدیریت و تصمیم‌گیری بخش خصوصی عکس این قضیه است و سهم مردم در تصمیم‌گیری‌ها کمتر از دولت است. او یکی از راهکارهای حل این مشکل را چانه‌زنی خواند و افزود: در بسیاری از مواقع به انحراف رفته و به سمت سهم‌خواهی و گرفتن تسهیلات حرکت کرده‌ایم که چنین اقدامی هیچ‌گاه مشکلات را حل نکرده است.

مدیر کل دفتر امور تشکل‌های کشاورزی در راستای الزام تشکل‌گرایی گفت: به لحاظ ساختاری در بخش دولت و در بدنه بخش کشاورزی دچار چالش‌های اساسی هستیم که از جمله آنها می‌توان به کوچک بودن اراضی، کم‌سواد بودن بخش عمده‌ای از شاغلان در این بخش و سن بالا اشاره

کرد. از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۱۰ سال متوسط سن کشاورزان افزایش پیدا کرده و اگر این روند ادامه پیدا کند شاهد خواهیم بود که در سال ۱۴۰۰ یک بدنه پیر ساکن بخش کشاورزی را به دست می‌گیرد که به صلاح این بخش نیست. یکی دیگر از مسائلی که مشارکت در بخش کشاورزی را حائز اهمیت می‌کند الزامات اسناد فرادستی برای توسعه بخش کشاورزی است که محقق شدن این فرامین و اسناد که در برنامه چهارم و پنجم به آن اشاره شده، بدون رویکرد مشارکتی امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر رویکردهای توسعه کشاورزی در جهان هم مزید بر علت شده، چراکه با یک نگاه کلی متوجه می‌شویم رویکرد دولتی در جهان به سمت مشارکت‌های مردمی گرایش پیدا کرده است.

او همچنین در مورد کارکرد تشکل‌ها گفت: اکنون بیش از ۳۰ هزار تشکل در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت است که حدود ۱۳ هزار تشکل توسط دستگاه‌های مرتبط با وزارت جهاد کشاورزی ثبت شده است که این تعداد از طریق تشکل‌های ملی ارتباط تنگاتنگی با بخش کشاورزی دارند. تعاونی‌ها و تشکل‌ها مهم‌ترین ابزار برای انباشت سرمایه اجتماعی در بخش کشاورزی و مهم‌ترین فاکتور برای توسعه ملی به شمار می‌روند.

معادله معکوس

۹۵ درصد تولید در کشور توسط بخش خصوصی و مابقی آن توسط دولت انجام می‌شود، در صورتی که سهم بخش خصوصی در تصمیمات اقتصاد کشاورزی ۵ درصد است و ۹۵ درصد باقیمانده را دولت تصمیم‌گیری می‌کند.

علیرضا الوندی عضو هیئت‌مدیره و مسئول کمیته دام و طیور مجمع ملی خیرگان کشاورزی در رابطه با چالش‌های تولید و سرمایه‌گذاری در بخش دام و راهکارهای آن گفت: دامپروری در کشور ما به صورت سنتی و صنعتی انجام می‌شود، در کشور حدود یک میلیون راس دام صنعتی داریم که ۳۰ درصد تولید فرآورده‌های پروتئینی در زمینه دامپروری بر عهده آنهاست. همچنین ۶ میلیون راس دام سنتی داریم که حدود ۷۰ درصد تولید بخش پروتئینی شیر و گوشت را در دام بزرگ انجام می‌دهند. همین یک میلیون دام صنعتی توانایی تولید ۳ برابر گوشت و ۵ برابر شیر را نسبت به دام‌های سنتی دارند، اما باز هم حدود ۷۰ درصد از تولید کشور به وسیله دام سنتی تامین می‌شود و لازم است که برای این بخش برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای انجام شود.

او گفت: این ممکن نیست که ما دامپروری صنعتی و سنتی را در یک رده قرار داده و به یک شکل از آنها حمایت کنیم. یکی از معضلات ما این است که برای دام صنعتی و سنتی همان تسهیلات ۱۵ درصدی را در نظر گرفته‌ایم که این باید حل شود. معمولاً کشورهای پیشرفته دو نوع معاونت

۲۳ سال پیش ۲۵۱ تن صادرات خاویار داشتیم اکنون حدود ۴۰۰ میلیون دلار از این طریق ارز به کشور وارد می‌شود. حال علاوه بر محدودیت ذخایر، شاهد قاچاق آبیان نیز هستیم که با کاهش کشتی‌های صید ماهی می‌توان این مشکلات را برطرف کرد.

سنگانیان گفت: اکنون با تولید هر ۶ تن ماهی یک شغل در کشور ایجاد می‌شود و می‌توان با تولید یک میلیون تن ماهی حدود ۱۶۰ هزار موقعیت شغلی ایجاد کرد که در مقایسه با دیگر واحدهای تولیدی رقم چشم‌گیری به‌شمار می‌آید. در زمینه میگو نیز به ازای هر ۳ تن میگو یک شغل مستقیم ایجاد شده و در کنار آن نیز به صورت غیرمستقیم اشتغال‌زایی ایجاد خواهد شد.

رئیس هیئت‌مدیره اتحادیه صادرکنندگان آبیان با اشاره به صادرات آبیان گفت: ۷۰ درصد از میگوهای تولید ایران به خارج از کشور صادر می‌شود که به ازای هر کیلو میگو حدود ۵ دلار ارز به کشور وارد خواهد شد. یعنی اگر سالانه ۹ هزار تن صادرات میگو داشته باشیم، می‌توانیم ۴۵ میلیون دلار درآمد ارزی از این راه به دست آوریم. سنگانیان همچنین با اشاره به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده که عمده آنها از سوی بانک کشاورزی است، افزود: بیش از ۲۱ هزار هکتار زمین برای پرورش میگو آماده بهره‌برداری شده که تنها از ۵ هزار هکتار به این منظور استفاده می‌کنیم. از این رو می‌توانیم با راه‌اندازی واحدهای تولید آبیان در شهرستان‌هایی مانند چابهار، علاوه بر اشتغال‌زایی، امنیت را در آنجا برقرار کنیم. از سوی دیگر، با این روش می‌توان فشار را از گوشت قرمز و مرغ کاهش داد و مردم را به سمت استفاده از محصولات دریایی هدایت کرد و از این طریق بازار را به تعادل رساند.



او افزود: از آنجا که روند توسعه علوم و تجارب مربوط به اصلاح ساختار مدیریت مزرعه در حال سرعت گرفتن است، شایسته است متولیان تولید محصولات کشاورزی در بخش دولتی نیز نتایج کاربردی کشاورزی نوین را در اختیار مدیران مزارع قرار دهند.

مدیر مسئول نشریه کشاورز با اشاره به تمهیدات اندیشیده شده برای بهبود وضعیت ترویج کشاورزی گفت: با مروری بر پیشینه این بخش، به نظر می‌رسد که انگیزه، بودجه و حتی پیگیری‌های بخش دولتی نیز نتواند گره‌ای را از این مشکل باز کند، بنابراین باید برای ترویج خصوصی سازی تمهیداتی اندیشیده شود. او گفت: سازگاری ماشین‌آلات کشاورزی با اقلیم‌ها و زیر اقلیم‌ها با مدیریت اصولی هدایت شده و نوع محصول کاشت از جمله عوامل موثر است که نه تنها از استهلاک زودهنگام ماشین‌آلات جلوگیری می‌کند، بلکه با کمترین هزینه بیشترین بهره‌وری را ایجاد خواهد کرد.

او در پایان خاطرنشان کرد: برای سرعت بخشیدن به بهره‌وری و جلوگیری از هدر رفتن

گران شدن قیمت کمباین‌ها پیش‌بینی می‌شود. کمباین‌های تعمیر شده باز هم تا ده سال به مزارع مان تحمیل شود. در شرایط فعلی واردات کمباین‌های معمولی با ارز آزاد، ۴۰۰ میلیون تومان تمام می‌شود که به هیچ‌وجه توجیه اقتصادی ندارد و فقط یک کارخانه تولید کمباین صد در صد داخلی وجود دارد که تنها روزی یک کمباین از خط تولید خود خارج می‌کند که البته کاملاً بومی است و با کمترین ریزش کار می‌کند. ولی متأسفانه اندک اندک همین تولید محدود نیز جای خود را به کمباین‌های چینی داده است.

مدیر مسئول نشریه کشاورز افزود: بر اساس گزارش سازمان فائو، میزان تلفات و ضایعات برنج در ایران حدود ۲۱ درصد است که بیشترین میزان آن بین ۶ تا ۸ درصد به مرحله برداشت و درو و خرم‌ن کوبی تعلق دارد. کمباین‌هایی که از کشورهای جنوب‌شرقی آسیا همچون ژاپن، کره جنوبی وارد می‌شوند مناسب شرایط مزارع همان کشورها هستند و نه ایران. از جمله تفاوت‌ها می‌توان به بافت خاک آن کشورها اشاره کرد که بیشتر از نوع آتشفشانی و سبک هستند، در حالی که خاک ایران

امور دام دارند که یکی برای دامداری‌های سنتی و دیگری مربوط به دامداری‌های صنعتی است.

الوندی ادامه داد: کشاورز بانک کشاورزی را برای خود می‌داند. کشورهای هم‌رده ما مانند هند و ترکیه بهای زیادی را برای کشاورزان خود قائل هستند و تسهیلات بسیاری از سوی بانک‌ها در اختیار این قشر قرار می‌گیرد. اما مشکلی که اکنون در بانک کشاورزی داریم این است که متأسفانه در بانک کشاورزی خرید دین انجام نمی‌شود، در صورتی که کشاورز و دامدار ما محصولات خود را در قبال دریافت چک می‌فروشد که بانک‌های دیگر خرید دین را اعمال می‌کنند.

او گفت: ما باید مسئولان را آگاه کنیم که نمی‌شود به کشاورزی مانند صنایع دیگر نگاه کرد. کشاورزی نیاز هر جامعه است و اگر کشوری نتواند منابع غذایی خود را تامین کند هیچ‌گاه نمی‌تواند شعار خودکفایی سر دهد.

توسعه اقتصادی با کشاورزی مکانیزه ممکن می‌شود

بستر اکثر فعالیت‌های کشاورزی، تولید اقتصادی مواد اولیه در مزارع است و برای اقتصادی کردن کشاورزی لازم است که علل پایین بودن بهره‌وری را مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین اگر قبول داشته باشیم که کشاورزی محور توسعه اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود، پس مکانیزاسیون باید هسته این محور باشد.

دکتر فریدون گل‌افرا، مدیر مسئول نشریه کشاورز، با اشاره به اینکه با روش‌های مرسوم نمی‌توان میانگین بهره‌وری را افزایش داد، گفت: سرمایه، زمانی در بخش کشاورزی بیشترین بازدهی را دارد و موجب ارزش‌افزوده می‌شود که زیرساخت‌ها و عوامل موثر در آن فراهم باشد. این روند با مغایرت‌هایی مواجه است که از جمله این مغایرت‌ها می‌توان به مقدار اسب بخار در هکتار و سازگاری تراکتور و ادوات دنباله‌بند، ویژگی‌های آب و خاک و زیر اقلیم‌ها در مزرعه اشاره کرد.

او همچنین گفت: راه‌حل‌های فنی، اصلاح زیرساخت‌های کشاورزی، اصلاح ساختار خاک با بهره‌گیری از بقایای گیاهی، با تغییرات اقلیم خشکی‌ها اجتناب‌ناپذیر است، ولی می‌توان با توسعه روش‌های کشاورزی حفاظتی، موجودات زنده را در بستر بذر افزایش داد و پوشش‌های گیاهی را به کمک گرفت تا رطوبت خاک حفظ شده و در نتیجه هوموس به وجود آمده در سطح مزرعه، سبب افزایش بهره‌وری شود.

دلیل دیگر پایین بودن بهره‌وری ادامه فعالیت تراکتورها و کمباین‌های فرسوده است. گل‌افرا در این باره تصریح کرد: کمباین‌داران بدون در نظر گرفتن مسائل فنی با اندک تعمیری کمباین‌ها را مجدداً مورد استفاده قرار می‌دهند که نتیجه آن افزایش ۳۰ درصدی ضایعات و کاهش میزان برداشت به سبب ضایعات کمباین‌های فرسوده است و با



عوامل تولید که حتی گاهی ارزش‌افزوده‌ای را هم ایجاد نمی‌کند، توصیه می‌شود دولت خدمات مکانیزاسیون مناسب به‌ویژه به مزارعی که کمتر از میانگین آن تولید می‌کنند را توسط تشکلهای واجد شرایط روستاها به‌صورت بلاعوض بدهد.

فرصت‌ها را ببینیم

کشاورزی ایران اکنون روی لبه یک پرتگاه ایستاده است که کمبود مواد اولیه، تورم، نوسانات، کمبود ارز، تحریم‌ها، واردات بی‌رویه و... برای بعضی مشکل‌ساز شده و آنها را به دره می‌اندازد. محمدرضا طیبی، استادیار دانشگاه و مدیر مرکز

از نوع خاک سنگین است و اغلب باتلاقی می‌شود و امکان تردد کمباین و اغلب ماشین‌ها غیرممکن می‌شود. از این‌رو ضرورت بومی‌سازی کمباین‌های کشت برنج بر اساس شرایط موجود نکته مهم دیگری است. به‌دلیل شرایط خاص گیاه برنج در میان سایر غلات همچون آب‌دوست بودن، مقاومت به ریزش دانه‌ها، ضعیف بودن مقاومت دانه‌ها در مقابل صدمات و ضربات مکانیکی، متفاوت بودن شرایط شالیزارها از سایر مزارع و ضرورت وجود لایه سخت خاک در عمق ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متری ماشین‌های مورد استفاده در مزارع برنج تا حدود زیادی با سایر ماشین‌ها متفاوت است.



آموزش بازرگانی مازندران معتقد است که فضا و محیط کسب و کارهای کشاورزی ایران امروزی مانند گذر از لبه پرتگاه است و ما باید از این لبه عبور کنیم که گذر از این پرتگاه هم نیازمند امید است. این استادیار دانشگاه افزود: برای حرکت به سمت جلو و برای حرکت در جاده کسب و کار نمی توان با خودروی قدیمی حرکت کرد. باید با خودرویی در این جاده حرکت کنیم که مطمئن باشیم تا پایان مسیر به مشکلی بر نمی خوریم. او در ارتباط با شرایط فعلی کشور افزود: باید در همین شرایط فرصت‌ها را ببینیم. به عنوان مثال می توان به معضلی به نام کمبود ارز به عنوان یک موقعیت نگاه کرد، چراکه کمبود ارز به معنی توقف واردات است که می توان با این توقف، تلاشی برای افزایش تولید در کشور انجام داد. طبیعی با اشاره به فرار مغزها از کشور افزود: ما از این موقعیت نیز می توانیم استفاده کنیم، به نحوی که با خروجشان از آنها حمایت کنیم تا بتوانند کالای ایرانی را در خارج از کشور عرضه و نام ایران را بر سر زبان‌ها بیندازند. آنها می توانند مانند چینی‌ها که از مهاجرت به کشورهای دیگر به عنوان یک موقعیت استفاده می کنند تا بازار آن کشور را به دست آورند، نگاهمان را تغییر دهیم و به آنها به دید یک سرمایه نگاه کنیم. او در پایان گفت: مدیران ما زمان زیادی را صرف مدیریت حال می کنند و رقابای ما همین را می خواهند، در صورتی که ما در زمان حال باید به فکر ایجاد فرصت برای آینده باشیم.

مرغداری دولتی، یک اشتباه استراتژیک

عبدالرضا اخوان رسولزاده، عضو هیئت مدیره تعاونی مرغداران مرکز معتقد است که کارکرد صنعت طیور کشور با ۴۰ سال پیش تفاوتی نکرده و این ناشی از اشتباه‌ها و کوتاهی‌های مسئولان سیاست گذار است. به گفته او صنعت مرغداری در ایران قدمتی در حدود ۶۰ سال دارد و در نیمه دوم عمر خود در بخش تولید، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است، چنان که امروز کشور ایران با تولید ۹۰۰ هزار تن تخم مرغ در سال، دهمین کشور تولیدکننده در دنیاست. همچنین ایران با تولید ۲ میلیون تن گوشت مرغ در سال، رتبه هشتم را در دنیا از آن خود کرده است. اما به عقیده او این تمام ماجرا نیست، زیرا تولید و فعالیت گسترده مانند سایر فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی، به دلیل خصوصیات خاص خود، دچار چالش‌ها و معضلات خاص است که تمام هم و غم مسئولان مصروف به حل مشکلاتی بوده که شاید می شد با اتخاذ سیاست‌های صحیح از بروز آن جلوگیری کرد.

اخوان رسولزاده گفت: بزرگترین چالش در این صنعت علاوه بر دیدگاه‌های اشتباه دلسوزان صنعت و مسئولان ذی ربط، متمرکز بودن صنعت طیور کشور در بخش دولتی، به دلیل ساختار خاص سیاسی

و اقتصادی کشور است. البته به گفته او هم و غم تمام مسئولان مربوط خدمت بوده، اما می توان به لحاظ فنی مدعی بود نوع دیدگاه‌هایی که سبب شده تمام امکانات موجود کشور برای تحقق همان دیدگاه خاص متمرکز شود و اگر هم چنانچه برنامه‌ریزی‌های انجام شده با ضریب بالایی محقق می شد در راستای همان دیدگاه غلط است و این یعنی فاصله گرفتن از آنچه باید به حق اجرا شود.

این عضو هیئت مدیره تعاونی مرغداران مرکز همچنین گفت: اگر صنعت مرغداری را به مثابه یک سیستم فرض کنیم، به مانند هر سیستمی سه بخش خواهد داشت: بخش ورودی، بخش فرآیند و بخش خروجی. دیدگاه غلطی که مورد نظر دست اندرکاران تولید است این است که تمام امکانات کشور مصروف آن شده که بخش تولید را فعال کنیم و رشد صنعت را در افزایش تولید بدانیم. اگر امروز ما به این آمارها دست یافته ایم حاصل آن دیدگاه‌هاست، اما به مثابه هر سیستمی اگر توازن میان ورودی‌ها و خروجی‌های یک سیستم با تولید آن نباشد، قدر مسلم به عنوان یک اصل پذیرفته شده در دنیا، آن سیستم دچار معضل شده و حتی در مواردی موجب از بین رفتن سیستم می شود. افزایش تولیدی که به وجود آمد در واقع حاصل پرداختن به تنها یک بخش از این سیستم بوده که آن کمک به فرآیند تولید است، اما در دو بخش دیگر دچار مشکل هستیم.

او در این باره خاطر نشان کرد: وقتی در ورودی

و نهادهای مورد نیاز طیور در بخش واردات، به ترتیبی عمل شد که ۶۰ درصد واردات مورد نیاز کشور، توسط یک فرد تامین شد، این خود علامتی از نابسامانی‌های فراوان موجود در این بخش است، اما بیشترین و مهم‌ترین موضوع درباره بخش خروجی است.

عضو هیئت مدیره تعاونی مرغداران مرکز بیان کرد: در کشور ما تولید سنتی تبدیل به صنعتی شده و حاصل آن، دستیابی به موفقیت‌های چشمگیر چه در کمیت و چه در کیفیت است. امروز محصولات تولیدی ما در زمینه مرغ و تخم مرغ جزو باکیفیت‌ترین محصولات دنیاست، اما ناگفته پیداست که ورود یک الگوی صنعتی به یک بازار سنتی چه مشکلاتی را پیش خواهد آورد.

او با اشاره به سیاست‌های ارزی کشور افزود: در گذشته، توان رقابتی و استفاده از تقاضای خارجی، برای فرآورده‌های بخش مرغداری میسر نبود. مشکل دیگر نیز در این زمینه، مربوط به نحوه حمایت از مصرف‌کننده است. همواره دیدگاه این بوده است که با استفاده از قوانین اقتصاد دستوری و به کار بردن ابزار قدرت، قیمت را پایین نگه دارند و تعادل قیمت را از بازار صحیح عرضه و تقاضا و بازار رقابتی خارج کنند و این همیشه به ضرر عرضه‌کننده بوده است، در حالی که یک قانون لایتغیر و شناخته شده در اقتصاد می گوید که عدم توازن بین رشد عرضه و تقاضا همیشه قیمت نامناسب را رقم می زند. این مسئله دو پیامد





قوشچی افزود: از سال ۱۹۶۵ در کل دنیا منهای اروپا، سطح زیر کشت محصولات کشاورزی تقریباً ۵ برابر شده که سهم تولیدات نیز به همین نسبت افزایش داشته است؛ به طور مثال در آسیا ۶۰ میلیون هکتار در عرض ۵ سال منابع کاشتی افزایش داشته است. در ایران نیز تقریباً کشاورزی سنتی از وقتی به کشاورزی امروزی متمایل شد که با اصلاحات ارزی در سال ۱۳۴۲ مصادف شد. از آن زمان نظام مالکیت ارزی عوض شد و از همان موقع با تاسیس شرکت‌های سهامی زراعی بهره‌برداری از منابع جدید شروع شد.

قوشچی با اشاره به قنات که متعلق به ایران و مربوط به ۳ هزار سال پیش است افزود: متأسفانه قنات‌های ایران در این ۳۰ سال از بین رفت که چنین چیزی به نفع کشاورزی نیست. این استادیار دانشگاه اعلام کرد: آخرین آماري که فائو در سال ۲۰۰۸ میلادی ارائه کرد، حاکی از آن بود که میزان کل منابع آبی قابل تجدید برای هر هکتار زمین زراعی ۸ هزار و ۵۷۸ متر مکعب است - کل آب مصرفی کشاورزی برای هر هکتار ۵ هزار و ۱۴۷ مترمکعب است - و به این معنی است که ۶۰ درصد منابع آبی تجدیدپذیر در ایران به مصرف کشاورزی رسیده که در مقایسه با سایر کشورها رقم خوبی است.

او گفت: اما در سال ۲۰۰۷ میلادی اراضی آماده شده برای آبیاری سطحی در ایران ۷/۵ میلیون هکتار است که تقریباً معادل ۴۵ درصد از زمین‌های قابل کشت در ایران است. در سال ۲۰۰۷ وسعت اراضی آماده برای آبیاری حدود ۵۴ درصد بوده که این نیز رقم خوبی محسوب می‌شود، اما بیشترین تشدید شرایط بحران منابع آبی مربوط به مناطق ماست.

او با اشاره به آخرین آمار جهانی افزود: آمار بانک جهانی حاکی از آن است که کاهش سالانه آب شیرین در کشور بیش از ۶ برابر شاخص‌های جهانی است که بخش کشاورزی به تنهایی مسئول ۹۱ درصد از آن است. متوسط سرانه آب قابل تجدید از حدود ۵ هزار و ۵۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۴۰ به ۷۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۸۵ رسیده است که مطابق با آمارهای جهانی به معنی شروع بحران آبی در کشور به‌شمار می‌آید.

مدیر مسئول نشریه کشاورزی و توسعه پایدار در راستای راهکاری برای حل این معضل گفت: مطابق مطالعات انجام شده استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار حدود ۳۰ تا ۶۰ درصد در صرفه‌جویی کمک می‌کند و حدود ۲۰ تا ۷۰ درصد می‌تواند موجب افزایش تولیدات محصولات زراعی شود.

همچنین با اشاره به این موضوع که بهره‌وری بسیار پایین در مزرعه و کشاورزی مشکل عمده ماست، افزود: دلیل این اتفاق هدر رفتن حدود ۷۰ درصد از آب از زمان خروج تا رسیدن آن به محصول است و آبیاری تحت فشار تنها راهکار جلوگیری از این هدررفت، نیست و نباید کل منابع را به آبیاری بارانی و قطره‌ای هدایت کنیم.

اما برخی از مزایای آبیاری تحت فشار، آبیاری در شرایط کمبود آب و اراضی شیب‌دار است که بسیاری از اراضی ایران شیب بالای ۶ درصد دارند.

نوع از تولید وجود دارد و البته مختص کشور ما هم نیست، بیمه‌های تکمیلی برای این صنعت وضع شود تا بتواند در زمان به‌وجود آمدن مشکلات یاری‌دهنده زیان‌دیدگان باشد.

کشاورزی ایران در تهدید کم‌آبی

فرشاد قوشچی، مدیر مسئول نشریه کشاورزی و توسعه پایدار که در همایش تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی محور سخنرانی‌اش اهمیت منابع آبی در توسعه کشاورزی و نقش سیاست‌های بانک کشاورزی در افزایش بهره‌وری مصرف آب بود، گفت: بیش از ۸۰ درصد از منابع آبی دنیا به بخش کشاورزی تخصیص داده شده که در ایران ۹۰ درصد از منابع آبی به این بخش تخصیص داده شده است. به گفته او، در شرایط فعلی مسئله مهمی که شرایط بحران آبی را تشدید می‌کند حوزه‌های آبی مشترک است، چراکه کاهش سالانه منابع آب شیرین دنیا از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۲ در فاصله ۱۵ سال برابر ۳ هزار و ۸۰۷ میلیارد مترمکعب بوده که این میزان ۲۸ برابر کل منابع آب قابل تجدید ایران است و نشان می‌دهد که در آینده بحران آب در شمال آفریقا در خاورمیانه حتمی است.

مدیر مسئول نشریه کشاورزی و توسعه پایدار عنوان کرد: ایران با ۲۲۸ میلی‌متر بارندگی در سال جزو کشورهای با کمترین میانگین بارندگی در دنیا است، به همین دلیل حفظ منابع آبی در کشور اهمیت زیادی دارد.

دارد، اول اینکه تولیدکننده همواره دچار زیان شده و به‌جای اینکه خود بازوی کمکی اقتصاد باشد، از هزینه‌های عمرانی‌اش مرتب کم کند تا از پس هزینه‌های جاری‌اش برآید و این یک روی سکه است. چون نتوانسته است امکانات تولید را به‌روزرسانی کند و طبیعتاً ضریب بهره‌وری‌اش پایین آمده است و نتیجه آن زیان اقتصادی برای کل کشور است. مشکل دوم به‌وجود آمده، به هم ریختن توازن عرضه و تقاضا برای منابع مالی و اعتباری کشور است و عرضه‌کننده به‌جای کمک به بهره‌وری اقتصادی، خود به یک متقاضی دریافت منابع مالی تبدیل شده است که این به‌دلیل محدودیت منابع مالی کشور است، در حالی که گاهی تولیدکننده به جرم ناکرده، به سوءمدیریت متهم شده است، در صورتی که او فرصت مالی لازم برای به‌روز کردن ابزارهای تولید خود را نداشته و خود در این امر مقصر نبوده است.

او تصریح کرد: در این زمینه ما آمارهای قابل توجهی داریم. جالب است بدانید که در ۶ماهه اول سال ۱۳۹۱، صنعت طیور در بخش تخم‌مرغ، بر اساس گزارش نهاد رسمی جهاد کشاورزی کشور، زینانی بالغ بر ۳۴۰ میلیارد تومان را متقبل شده است و این ۳۴۰ میلیارد تومان که حدود ۱۰ درصد میزان سرمایه‌گذاری این بخش است، رقم کمی نیست و این زیان جز اتخاذ دیدگاه‌های غلط دلیل دیگری ندارد.

رسول‌زاده در پایان پیشنهاد داد: به‌دلیل چالش و گرفتاری‌ها و آسیب‌پذیری‌هایی که در ماهیت این



عدم حمایت از بخش تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی، دغدغه اصلی بخش خصوصی بوده که با چالش‌های فراوانی مواجه است. فرار سرمایه‌ها، تعطیلی برخی از واحدها علاوه بر گسترش بیکاری، موجب گسترش مشکلات اقتصادی جامعه نیز خواهد شد. به همین دلیل، تدابیر مقام معظم رهبری با نامگذاری سال جاری به نام سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ضمن تداوم جهاد اقتصادی در سال گذشته، حمایت‌های جدی از تولید ملی را سرلوحه کشور قرار داد که این موضوع، نه تنها تحقق تولید و سرمایه‌گذاری پایدار را به دنبال داشته بلکه با حمایت از تولید ملی و توسعه آن، تحریم‌های اقتصادی توسط بیگانگان، خللی در نظام شکوفای اقتصادی کشور به وجود نخواهد آورد.



تحقق شعار تولید ملی در بخش کشاورزی در گفت‌وگو با حشمت‌الله نظری، عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی ایران؛

همه سال‌های حمایت

اگر قرار باشد بین موسسات اقتصادی کشور، موسسه‌ای را انتخاب کنیم که بیش از دیگران از مجموعه سه‌گانه تولید، کار و سرمایه ایرانی حمایت می‌کند، کدام سازمان را بر خواهیم گزید؟ سازمانی که از نیروی کار حمایت می‌کند؟ سازمانی که ساماندهی و حامی تولید و سرمایه است؟ آنکه در سامان‌دهی تولید از کوچکترین‌ها تا بزرگترین‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد؟ آنکه...؟ کدام یک؟

اصولاً معیار این گزینش چیست؟ حامی کار، سازمانی باید باشد که در توسعه اشتغال بکوشد؛ بین سه شرط ایجاد کار، شرایط کار و تامین آینده نیروی کار، شرط ایجاد کار یعنی خلق فرصت‌های شغلی در کشور ما اهمیت بیشتری دارد. پس آن کس که شغل ایجاد می‌کند، کار مهم‌تری در حمایت از نیروی کار انجام می‌دهد. تعداد زیادی از سازمان‌ها و موسسات ملی ما حائز این شرایط و تعاریف نیستند. در میان آنها که مشخصه‌های فعالیت‌شان با این شرایط همخوان است، بانک کشاورزی ایران جایگاه برجسته‌ای دارد؛ چراکه اگر ادعا شود کل عملیات این نهاد مالی پیش از شروع سال ۱۳۹۱ و از آغاز سال‌های فعالیت در راستای شعار حمایت از نیروی کار ایرانی (در مقابل نیروی کار بیگانه)، پشتیبانی از سرمایه ایرانی (در مقابل سرمایه رقبای غیر ایرانی) و پشتیبانی از تولید ملی (در بازارهای خارجی) بوده است، بی‌راه نرفته‌ایم. حشمت‌الله نظری، عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی ایران با مروری کوتاه بر مقوله تولید ملی و الزامات تحقق آن، به بررسی نقش حیاتی موسسات مالی در تحقق آن پرداخته است.

■ حال که بیش از نیمی از راه در سال تولید ملی سپری شده، چگونه باید بستر اقتصادی را برای حمایت بیشتر از تولید ملی فراهم کرد؟

حمایت از تولید ملی، نیازمند رفع موانع پیش‌روی تولیدکنندگان کشور و توجه به بهبود مستمر فضای کسب‌وکار و ایجاد فضای رقابتی است. رسیدن به اهداف رشد اقتصادی هم مستلزم حمایت از تولید داخلی و مشارکت بخش خصوصی در اجرای برنامه‌های اقتصادی است. در این راستا تسهیل در فرآیندها و تجدیدنظر در قوانین مرتبط با تولید و سرمایه‌گذاری و تلاش برای کاهش بروکراسی در روند سرمایه‌گذاری لازم است تا قوانینی که به‌نوعی مانع بخش تولید و سرمایه‌گذاری هستند، شناسایی و با ارائه راهکارهای جدید حذف شوند. در مجموع می‌توان گفت که برای حمایت از تولید ملی باید «قدرت تولیدی»، یک شاخص برای همه سیاست‌های اقتصادی باشد. تنها در این شرایط و با این ویژگی است که می‌توان با استفاده از تولید ملی بر تحریم‌ها غلبه کرد.

■ به غلبه بر تحریم‌ها با استفاده از تولید ملی اشاره کردید، در صورت امکان بفرمائید

درآمدهای کشور، از محل فروش نفت و گاز است و از این ناحیه، آسیب‌های زیادی، اقتصاد کشور را تهدید می‌کند. بر این اساس، اقتصادهای نفتی مانند اقتصاد ایران باید بسیار جدی به‌سوی تولید مستقل از منابع نفتی حرکت کنند و از وابستگی خود به درآمدهای نفتی بکاهند. در صورت کاهش سهم نفت، انتظار می‌رود اهتمام مدیران برای بالفعل کردن دیگر ظرفیت‌های تولیدی و استفاده بهینه از منابع موجود افزایش یابد.

این درحالی است که با توجه به شرایط ویژه اقتصادی کشور و تحریم‌های بین‌المللی، اهمیت به تولید و ارتقای بهره‌وری داخلی، باید سرلوحه تولیدکنندگان باشد.

■ برای شروع مقدمه‌ای را درمورد اهمیت مقوله تولید ملی بیان کرده و ضرورت حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی را در شرایط کنونی تبیین کنید؟
امر تولید در شرایط کنونی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا اولاً تولیدکنندگان در صف نخست جهاد اقتصادی در برابر تحریم‌های بین‌المللی، دشواری مبادلات بین‌المللی و نوسانات ارزی قرار دارند. ثانیاً اصلاحات اقتصادی داخلی و به‌ویژه اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها نیز اهمیت توجه به گسترش و توسعه تولید ملی را دوچندان کرده است، بنابراین، توجه به تولید داخلی یک ضرورت عمده است. همان‌طور که می‌دانیم، بخش اعظم



چگونه می‌توان با مقاومت اقتصادی بر تحریم‌ها غلبه کرد و به منویات مقام معظم رهبری نزدیک‌تر شد؟

به نظر من باید فرهنگ اقتصاد مقاوم را جایگزین مقاومت اقتصادی کرد. اقتصاد مقاوم نیز نیازمند تقویت روح خودباوری و خودکفایی و استقلال ملی است. یعنی باور داشته باشیم، ایرانی می‌تواند کالای برتر را با حفظ کیفیت قابل رقابت با استانداردهای جهانی تولید کند. رشد توان تولیدات اقتصادی، نقش منحصر به فرد دیگری نیز بازی می‌کند و آن تولید اقتدار سیاسی در سطح بین‌الملل است. یعنی تولید داخلی به مفهوم تولید اقتدار برای کشور است. چند دهه است که سیادت ظاهری نظم جهانی در دست کشورهایی است که پیش‌تر در عرصه تولید اقتصادی به قدرت تبدیل شده‌اند.

رشد توان تولید ملی یک کشور در سرآمدی اقتصادی و در نفوذش در مجامع بین‌المللی و مصونیت آن در امنیت؛ تأثیری بسزا دارد. اقتصادی که بنیه تولیدی ضعیف و وابستگی‌های راهبردی داشته باشد، توان پایداری بر موضع عزت و استقلال خود را ندارد و در برابر فشارهای خارجی تسلیم خواهد شد.

■ حال کمی از کلیات بحث فاصله گرفته و به صورت ویژه به مقوله حمایت از تولید ملی در بخش کشاورزی بپردازیم. ضرورت حمایت از تولید در این بخش چیست و ظرفیت‌های کشاورزی تا چه اندازه می‌تواند به ارزآوری و اقتصاد کشور کمک کند؟

به فعلیت رساندن ظرفیت‌های بسیار بالای کشاورزی در ایران از اولویت‌های اصلی شعار حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی است؛ چراکه بر اساس گزارش فائو، ایران در تولید ۲۲ محصول مهم کشاورزی در میان هفت کشور نخست دنیا قرار گرفته است. آخرین آمارهای ارائه شده از سوی سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی سازمان ملل هم نشان می‌دهد ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان مهم

محصولات کشاورزی در جهان است. ایران در صدر تولیدکنندگان پسته در جهان معرفی شده و رتبه نخست تولید این محصول را به خود اختصاص داده است؛ اما در زمینه تولید ۲۱ محصول دیگر هم، جزو هفت کشور نخست دنیا قرار دارد. جایگاه دومین تولیدکننده خرما و دومین تولیدکننده زردآلوی جهان به ایران اختصاص دارد. رتبه سوم تولید بادام، گیلان، خیار و هندوانه نیز در جهان به ایران اختصاص داده شده است و این کشور در زمینه تولید چهار محصول سیب، به، گردو و صمغ طبیعی نیز در رتبه چهارم جهان قرار گرفته است. آمارهای فائو نشان می‌دهد ایران از نظر تولید پیله کرم ابریشم و انجیر نیز رتبه پنجم جهان، از نظر تولید هلو، لیموترش، و پیاز رتبه ششم و از نظر تولید گوجه‌فرنگی، فندق، پرتقال، آلو، کیوی و نعنای رتبه هفتم جهان را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که محصول مهم زعفران که ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده آن در جهان است، در آمارهای فائو لحاظ نشده است. در نتیجه حمایت بیشتر از این بخش کارکرد دوگانه ارزآوری از خارج و اشتغال پایدار را در داخل به ارمغان می‌آورد.

■ با وجود توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ذکر شده از سوی شما، بخش کشاورزی آنچنان که باید در بازارهای جهانی حضور نداشته و به بهره‌وری ایده‌آل و مطلوب نرسیده است. دلیل این کم‌توانی در بهره‌برداری حداکثری در بخش کشاورزی چیست؟

امروزه بخش کشاورزی با مشکلات زیرساختی متعددی از جمله پایین بودن ضریب کشت، سنتی بودن کشت و بالابودن هزینه‌های تولید به سبب خرد بودن اراضی دست به گریبان است که ضروری می‌نماید دولت و مجلس در سایه راهبردهای تحقق تولید ملی، با تعامل و همکاری بیشتری در مسیر رفع آنها تلاش کنند. بانک کشاورزی در این راستا در قالب طرح توسعه کشاورزی با تزریق منابع بیشتر در

بخش کشاورزی قصد دارد علاوه بر پایداری تولید در این بخش، اشتغال‌زایی، موقعیت فعلی کیفیت و کمیت محصولات تولیدی را ارتقا دهد. با توجه به موقعیت مناسب ایران برای تولید و خودکفایی همه نوع محصولات کشاورزی و دامی، ادامه طرح توسعه کشاورزی، بخش کشاورزی را اقتصادی‌تر کرده و ایران می‌تواند به یکی از صادرکننده‌های محصولات کشاورزی در دنیا تبدیل شود.

■ به طرح توسعه کشاورزی به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق تحقق حمایت از تولید ملی اشاره کردید. به‌عنوان سوال پایانی، گزارشی از شروع و روند اجرای طرح توسعه کشاورزی ارائه دهید؟

از ابتدای برنامه سوم یافتن راهکاری برای بخش کشاورزی و گرفتن سهم بانک از حساب ذخیره ارزی یکی از دغدغه‌های مالی بانک بوده است. در این ۱۲ سال بیش از ۱۵۰ مرتبه نامه‌نگاری و مکاتبات اداری با مجلس و دولت انجام شد.

با اینکه اکثر بخش‌های دولتی سهم خود را از حساب ذخیره ارزی دریافت کرده‌اند اما بخش کشاورزی تنها در ۸ سال گذشته موفق به اخذ مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار شد و این اتفاق برای بانک کشاورزی که تنها تامین‌کننده تخصصی مالی بخش کشاورزی به‌شمار می‌رود، بسیار سنگین بود. اما خدا را شاکریم که با همت همکاران و پیگیری مدیرعامل محترم بانک، در بودجه سال ۹۰ و ۹۱ سهم قابل توجهی برای حمایت از بخش کشاورزی به بانک اختصاص داده شده است.

این حمایت‌ها که در قالب طرح توسعه کشاورزی ایجاد شده نقدینگی بسیار ارزشمندی برای بخش کشاورزی و بانک به ارمغان آورده است. بانک کشاورزی نیز به واسطه ۸ دهه تجربه فعالیت در بخش کشاورزی و همچنین بهره‌گیری از دانش نوین، هدایت و راهبری طرح توسعه کشاورزی را عهده‌دار شده و برای هدایت هر چه بهتر طرح، نگاهی کل‌نگر با توجه به همه جزئیات به کار گرفته است.

از ابتدای برنامه سوم یافتن راهکاری برای بخش کشاورزی و گرفتن سهم بانک از حساب ذخیره ارزی یکی از دغدغه‌های مالی بانک بوده است. در این ۱۲ سال بیش از ۱۵۰ مرتبه نامه‌نگاری و مکاتبات اداری با مجلس و دولت انجام شد

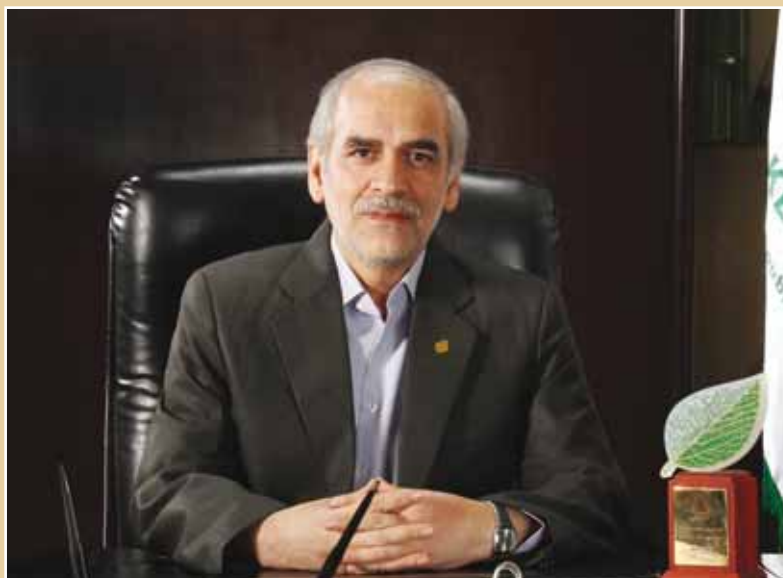
و شهری، مکانیزه کردن عملیات بانکی در شعب، بانکداری الکترونیک به مفهوم واقعی کلمه، تنوع بخشی به خدمات بانکی، توسعه عملیات ارزی و بین‌المللی، اصلاح ساختار سرمایه و ... در دستور کار داشته و اهتمام جدی داشته است که به واسطه این تلاش‌ها توانسته بخش عمده‌ای از نیازهای اعتباری حوزه کشاورزی را پوشش دهد، به طوری که تا پایان بهمن ماه سال جاری کل مانده مطالبات بانک به ۲۵۲ هزار میلیارد ریال رسید.

■ نقش کشاورزی در رشد و توسعه اقتصاد غیرنفتی و اشتغال‌زایی فراوانی که دارد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توسعه کشاورزی، تولیدات بخش یادشده فزونی یافته و افزایش تولید ضمن ایجاد اشتغال به رشد اقتصادی نیز کمک می‌کند. بخش کشاورزی در شرایط فعلی یکی از پراشتغال‌ترین بخش‌های تولیدی کشور است و حدود ۲۵ درصد از اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است و در قیاس با سایر بخش‌ها با سرمایه‌گذاری کمتری می‌توان یک فرصت شغلی در بخش کشاورزی فراهم کرد. در این راستا افزایش تولید در بخش کشاورزی از جمله آثاری که دارد افزایش توسعه صادرات غیرنفتی در کشور است که برای توفیق بیش از پیش باید به نکات عیدیه‌ای و از آن جمله توسعه صنایع تبدیلی تکمیلی و فرآوری محصول توجه شود.

■ چرا بخش کشاورزی در طول تاریخ همواره از فقر سرمایه‌گذاری رنج برده است و به‌رغم تمام مزیت‌هایی که دارد به حق خود نرسیده است؟

این موضوع دلایل عیدیه‌ای دارد، از جمله اینکه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌ها از بازده کمتری برخوردار است. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی معمولاً در کوتاه‌مدت پاسخ نمی‌دهد، فعالیت در این بخش با ریسک همراه است و اتکای زیادی بر ویژگی‌های طبیعی دارد و تولیدات کشاورزی یکی از پرمخاطره‌ترین فعالیت‌های اقتصادی است و بلاایای طبیعی، آفات نباتی، بیماری‌های گیاهی و دامی، تغییر ناگهانی دما و بارش بی‌موقع سبب خسارت می‌شود. شاید به همین دلایل باشد که بانک‌های خصوصی و تجاری علاقه‌ای آنچنان به حضور در این بخش ندارند.



گذری بر برنامه‌های حمایتی بانک کشاورزی در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی در گفت‌وگو با مهندس داور ماهیکار، عضو هیئت مدیره بانک؛

یک پشتیبانی تمام‌قد

بانک کشاورزی با درک جایگاه ویژه بخش کشاورزی در اقتصاد و تولید ملی در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی تدارک بسیاری را دیده و برنامه‌های عیدیه‌ای را عملیاتی کرده است. برای جویا شدن از آخرین برنامه‌های بانک کشاورزی پای صحبت‌های آقای مهندس داور ماهیکار، عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی نشسته‌ایم که ماحصل آن را با هم می‌خوانیم.

زمان ممکن محقق شود چراکه دسترسی آسان و سریع به منابع مالی ارزان‌قیمت از جمله پیش‌نیازهای توسعه فعالیت‌های بخش کشاورزی است.

■ بانک کشاورزی به‌عنوان یگانه منبع تأمین مالی بخش کشاورزی برای رسیدن این بخش به جایگاه واقعی‌اش چه برنامه‌هایی دارد؟

منابع تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از طرق مختلف انجام می‌شود که از آن جمله می‌توان به تسهیلات پرداختی از سوی شبکه بانکی، اعتبارات عمرانی دولتی، منابع داخلی شرکت‌های فعال در بخش کشاورزی، سرمایه‌گذاری مستقیم بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری از محل دیگر منابع اشاره کرد. بیشترین اعتبارات بانکی بخش کشاورزی (بیش از ۵۰ درصد) توسط بانک کشاورزی تأمین مالی می‌شود. در پاسخگویی به نیاز بخش کشاورزی این بانک در سال‌های گذشته و ادامه آن در دوره اخیر برنامه‌های عیدیه‌ای چون، توسعه شعب روستایی

■ آیا بخش کشاورزی با توجه به ویژگی‌هایی که دارد در سال تولید ملی آنگونه که باید، مورد حمایت قرار گرفته است؟

در توسعه کشاورزی اصولاً سه هدف عمده تأمین امنیت غذایی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و کاهش فقر، حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی دنبال می‌شود که بدون دستیابی به آنها توسعه اقتصادی و توسعه ملی مقدور نخواهد بود؛ در سال جاری به‌منظور توسعه توان تولید و ایجاد ظرفیت‌های بیشتر در بخش کشاورزی و رهایی از اقتصاد تک‌محصولی منابعی از سوی صندوق توسعه ملی در اختیار بانک قرار گرفته است که با تلفیق آن با منابع داخلی بانک به نسبت ۵۵ درصد و ۴۵ درصد تسهیلاتی به‌صورت ارزان قیمت در اختیار مجریان طرح‌ها و فعالیت‌های اولویت‌دار در بخش کشاورزی گذاشته می‌شود و این اهتمام کار را به جایی خواهند رساند که اهداف توسعه بخش کشاورزی در کوتاه‌ترین

■ به نظر جنابعالی بخش کشاورزی با حدود یک‌چهارم تولید ناخالص ملی و بیش از ۴ میلیون بهره‌بردار چه جایگاهی در تولید ملی می‌تواند ایفا کند و آیا در جایگاه خود قرار دارد؟

بخش کشاورزی در جریان رشد و توسعه اقتصادی کشور چند وظیفه مهم و اساسی را عهده‌دار است که از آن جمله می‌توان به تأمین مواد غذایی و امنیت غذایی جمعیت رو به افزایش، تأمین ارز خارجی برای وارد کردن کالاهای سرمایه‌ای از طریق افزایش صادرات محصولات کشاورزی، عرضه مواد خام مورد نیاز صنعت و کمک به توسعه فعالیت‌های تولیدی وابسته اشاره کرد. در حال حاضر میزان تولید در تمام زیربخش‌های کشاورزی، دام و طیور و آبزیان حدود ۱۱۰ میلیون تن است و یک بررسی کارشناسی نشان می‌دهد، چنان‌چه از تمام عوامل تولید بهره‌گیری لازم را داشته باشیم تولید تا ۳۰۰ میلیون تن امکان‌پذیر است.



■ برای ترغیب بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و در نهایت ارتقای جایگاه این بخش در تولید ملی چه پیشنهادی دارید؟

برای تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی لزوم اتخاذ سیاست‌های مناسب ضروری است، چراکه بخش کشاورزی به دلیل بهره‌وری پایین و داشتن ریسک‌های خارج از کنترل، همواره به چند ابزار حمایتی نیاز دارد اولین موضوع اساسی در این باره افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی در امور زیربنایی است که زمینه‌های استفاده بهینه از عوامل تولید را فراهم خواهد کرد. موضوع بعدی اصلاح قوانین و مقررات است که به واسطه اهتمام به آن زمینه لازم برای جذب سرمایه‌گذاران اعم از داخلی و خارجی فراهم خواهد شد. مطلب دیگر افزایش امنیت سرمایه‌گذاری است؛ در این مورد سیاست‌های ما در بحث صادرات و واردات باید ضمن داشتن ثبات پشتیبانی‌کننده تولید باشد؛ اگر این چنین عمل کنیم سرمایه‌گذار خواهد توانست در ارتباط با سوددهی برنامه بلندمدتی را داشته باشد و هرچه سودآوری در این بخش افزایش یابد زمینه جذب سرمایه هم افزایش می‌یابد. تقویت بیمه محصولات کشاورزی به مفهوم واقعی کلمه، در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی و عوارض از جمله مواردی است که در تشویق بخش خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری بیش از پیش در بخش کشاورزی می‌تواند اثرگذار باشد.

■ بانک کشاورزی در سال تولید ملی چه برنامه‌ریزی‌هایی را برای حمایت از کار و سرمایه ایرانی انجام داده است؟

سال جاری از سوی مقام عظمای ولایت به نام سال تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام‌گذاری شده است. اهتمام به این موضوع به مفهوم واقعی کلمه کشور عزیزمان ایران را در بخش‌های تولیدی به توسعه پایدار خواهد رساند. برای رسیدن به توسعه پایدار باید به تولید ملی توجه کنیم. یکی از اولویت‌های رسیدن به تولید ملی، حمایت و تامین مالی فعالان تولید در بخش‌های مختلف و از آن جمله کشاورزی است. به همین منظور سال جاری در راستای رشد و اعتلای بخش کشاورزی برنامه‌های عیدیه‌ای در دستور کار شعب بانک قرار گرفته است که به برخی

از محورهای اصلی در این مورد اشاره می‌کنم:

- پرداخت مبلغ ۱۸۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات در زیربخش‌های مختلف کشاورزی
- برنامه‌ریزی بخشی از مصارف تسهیلات برای فارغ‌التحصیلان جویای کار به منظور اجرای طرح‌های کشاورزی
- افزایش حدنصاب ضمانتی شعب تا ۳۰۰ میلیون ریال برای طرح‌های معرفی شده از سوی کارگروه توسعه کشاورزی
- پرداخت تسهیلات ارزان قیمت ۷ درصدی برای طرح‌های اولویت‌دار در بخش کشاورزی معرفی شده توسعه کشاورزی
- تشکیل کارگروه برای بررسی مسائل و مشکلات طرح‌های راکد و نیمه تمام به منظور راه‌اندازی این قبیل طرح‌ها
- افزایش حدنصاب ارزیابی وثایق و سقف بررسی درخواست مشتریان توسط کارشناس و ارزیاب
- ساده‌سازی روش‌ها و تجدیدنظر در دستورالعمل‌ها و متناسب‌سازی ساختار بانک با اعتبارات خرد و کلان
- حذف مقررات غیرضروری و کاهش مکاتبات
- تقویت توان کارشناسی شعب مستقر در مناطق کشاورزی
- حل مشکل اراضی استیجاری ملی و دولتی
- فراهم کردن امکان توثیق اسناد مشاعی مالکان نسق زراعی زارعان
- افزایش ضریب توثیق برخی از وثایق معرفی شده از سوی کشاورزان به منظور اجرای طرح‌های معرفی شده از سوی کارگروه توسعه کشاورزی
- پرداخت تسهیلات ضمانتی برای تعاونی تا ۳۰ درصد مبلغ از سوی کشاورزان به منظور اجرای طرح‌های معرفی شده از سوی کارگروه توسعه کشاورزی
- تجمیع و تقسیم بدهی کشاورزان و فعالان تولید در بخش به استناد بند ۲۹ قانون بودجه
- اقاله واحدهای تملیکی به منظور رونق چرخه تولید
- استفاده از توان بخش خصوصی در تهیه طرح‌ها و نظارت بر مصرف تسهیلات
- تشکیل جلسه هفتگی در تمام مدیریت‌ها با مشتریان بخش کشاورزی به منظور مساعدت به آنان که در اجرای طرح‌های مدنظر مشکلاتی دارند.
- تدوین برنامه مشخص برای شعب شهری به منظور جذب منابع برای مصرف

آن در حوزه کشاورزی

- مشخص کردن فعالیت‌های اولویت‌دار در طرح توسعه کشاورزی از نظر بررسی اقتصادی طرح‌ها و انعکاس آن به شعب تابع
- برنامه‌ریزی برای وصول طلب یا تعیین تکلیف بدهی کشاورزان به منظور مساعدت‌های بعدی
- در نظر گرفتن شعب دوم در مناطقی از کشور که حوزه عمل وسیعی در بخش کشاورزی دارند به منظور دسترسی راحت مشتریان
- مشخص کردن اولویت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف کشور و معرفی آن به سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری دارند.
- نظارت بر طرح‌ها و پروژه‌ها به صورت سیستمی و همچنین کاهش طول دوره بازدید هر ۲ ماه یکبار به منظور جلوگیری از انحراف منابع تخصیصی و همچنین راهنمایی مشتریان
- فرهنگ‌سازی در راستای توجه به تولید ملی با استفاده از امکانات در اختیار رسانه‌های جمعی و گروهی
- تنظیم قرارداد همکاری با سازمان صدا و سیما به منظور معرفی طرح‌ها و پروژه‌های داخلی که با منابع بانک کشاورزی به مرحله بهره‌برداری رسیده و تولید دارند.
- تاکید بر خرید کالاهای داخلی در مناقصه‌های برگزار شده
- قرار دادن تولیدات داخلی در جواز سپرده قرض الحسنه
- استفاده از خدمات فنی و مهندسی داخلی در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به بانک
- تاکید بر مدیریت‌ها برای استفاده از مصالح داخلی در ساخت‌وساز شعب
- گسترش امور بیمه‌ای در بخش کشاورزی با هدف تضمین امنیت غذایی
- استفاده از فارغ‌التحصیلان کشاورزی در قالب کارگزاران بیمه
- انجام مشاوره رایگان به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی
- حمایت از کارآفرینان و تولیدکنندگان نمونه و برتر و در نظر گرفتن مزیت‌های ویژه برای آنان در راستای خدمات بانکی
- حمایت از جشنواره‌های تولید در بخش کشاورزی
- توسعه معاملات کالاهای تولید داخل در بورس
- تهیه سامانه میدین میوه و تره‌بار

■ بانک کشاورزی برای پرداخت تسهیلات در بخش کشاورزی منابع محدود دارد، آیا ابزارهای دیگری نیز برای تامین مالی طرح‌های بخش کشاورزی وجود دارد؟

تاسیس شرکت تامین سرمایه (بانک سرمایه‌گذاری)، تامین مالی از بازارهای مالی بین‌المللی، استفاده از منابع بانک توسعه اسلامی (IDB)، انتشار اوراق گواهی سپرده خاص، تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری از طریق انتشار اوراق صکوک، استفاده از منابع صندوق توسعه ملی از ابزارهایی است که می‌توان از آنها برای تامین مالی طرح‌های کشاورزی استفاده کرد.

■ در پایان مختصری نیز در مورد طرح توسعه کشاورزی که هم‌اکنون در تمام مدیریت‌ها به منظور اجرای آن تلاش ویژه‌ای شده است، مطالبی را مطرح کنید؟

هدف از اجرای طرح توسعه کشاورزی، توسعه توان تولید و ایجاد ظرفیت‌های بیشتر در بخش کشاورزی است. از اهداف اختصاصی آن نیز می‌توان به ایجاد اشتغال مولد برای کارجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، افزایش تولید محصولات کشاورزی، احیای اراضی بایر و افزایش بهره‌وری از منابع آب و خاک، ایجاد ارزش افزوده در بخش کشاورزی، افزایش مشارکت مردمی در قالب شکل‌های تعاونی، اصلاح شیوه‌های تولید، افزایش سهم بازار و ساماندهی بازار محصولات کشاورزی از تولید تا مصرف از طریق ایجاد خوشه‌های کسب‌وکار و ارتقای دانش فنی اعضا اشاره کرد.

■ آیا در گذشته نیز در این ابعاد با این حجم اعتبار طرح‌هایی در بخش کشاورزی به اجرا درآمده است؟

در گذشته طرح‌هایی برای افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی از قبیل طرح‌های محوری گندم، توسعه مکانیزاسیون کشاورزی، افزایش تولید دانه‌های روغنی، آبیاری تحت فشار طرح تعادل دام و مرتع، طرح افزایش تولید گوشت و شیر و... به صورت موردی به اجرا درآمده است، اما طرح توسعه کشاورزی با این حجم اعتبار و در همه ابعاد برای اولین بار بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی است که به اجرا درآمده و می‌توان آن را در زمره طرح‌های ماندگار و ملی در تاریخ کشاورزی ایران به حساب آورد.

موضوعاتی که متناسب با تحقق این اهداف است را مدیریت و شناسایی کند و نسبت به برگزاری جلسات فرعی اقدام کند. در کنار آن نیز یک کمیته اجرایی تشکیل شد که وظیفه آن مدیریت نحوه برگزاری همایش بود. در اینجا لازم است از زحمات تمام همکاران گروه مطالعات اقتصادی که با تلاش شبانه‌روزی برای تحقق اهداف همایش با جدیت و پشتکار و علاقه‌مندی زیاد تلاش کرده‌اند تشکر و قدردانی کنم.

این همایش با چه اهدافی برگزار شد؟

بر اساس رهنمود مدیرعامل محترم بانک، از دو جنبه این موضوع مورد بررسی قرار گرفت. یکی این که بدنه بانک نسبت به این مقوله حساس شود؛ از این رو مکاتباتی با مدیریت شعب بانک کشاورزی در استان‌ها داشتیم، تا بدانیم در راستای تحقق اهداف و برنامه‌های تولید ملی، چه پیشنهادهایی مد نظر آنهاست. همچنین جلساتی با برخی مدیران استانی داشتیم و این جلسات از آن رو برگزار شد که استان‌ها موضوع تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی حساس شده و در این رابطه فکر کنند و ایده‌های خود را برای عملیاتی شدن ارائه کنند. دومین هدف بانک این بود که به نوعی مشکلات مربوط به بخش تولید و اشتغال را از زبان کسانی که درگیر بخش تولید هستند از قبیل تشکل‌ها و صاحب‌نظران اقتصادی بشنویم. مد نظر بانک این بود که با اینگونه افراد و تشکل‌ها جلساتی داشته باشد و فضای مناسب را با توجه به چالش‌های موجود و بررسی نقدهای آنها فراهم کند.

متعاقب برنامه‌ریزی محتوایی کارگروه، نشست با حضور تشکل‌ها و صاحب‌نظران، قبل از همایش اصلی با حضور جناب آقای نظری عضو هیئت مدیره محترم بانک و سایر مدیران ستادی بانک برگزار شد.

متعاقب این نشست مواردی در مورد موضوعات، شناسایی و از تشکل‌ها خواسته شد تا در زمینه مشکلات حوزه فعالیت خود بررسی لازم را به عمل آورده و مشکلات و راهکارها را در قالب مقاله یا سخنرانی آماده و برای بانک ارسال کنند که در این زمینه نقطه نظرات واصل مورد استفاده قرار گرفت. در پی



رئیس اداره کل نظارت بر طرح‌های بانک کشاورزی:

به دنبال راهکارهای عملیاتی شدن موارد مطرح شده در همایش تولید ملی هستیم

چالش‌های بخش کشاورزی به چند دسته طبقه بندی می‌شوند که اهم آنها مربوط به مدیریت تامین مالی است که بانک کشاورزی برای آن برنامه‌ریزی لازم را به عمل آورده است. پر ریسک بودن بخش کشاورزی، درک ضرورت حمایت از بخش و تامین امنیت سرمایه‌گذاری از دیگر چالش‌های این حوزه است که برای بعضی از آنها، از قبل برنامه‌ریزی شده ولی بسیاری از موارد فراتر از حیطه مسئولیت بانک است و بیشتر به سیاست‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. قطعاً بخشی که مربوط به حرکت اخیر بانک کشاورزی است، این است که ایجاد فضای مناسب برای بیان نظرات، برای تشکل‌های مرتبط - که نمایندگان آنان در همایش حضور داشتند و از نزدیک نیز این مشکلات را مطرح و مشاهده کرده‌اند - حرکتی رو به جلو و مفید خواهد بود. مختصری که خواندید بخشی از صحبت‌های مسعود فرقانی، رئیس اداره کل نظارت بر طرح‌های بانک کشاورزی بود که مشروح آن در ادامه می‌آید:



نیز در این رابطه با متخصصان و صاحب‌نظران بخش کشاورزی برگزار شود. چند هدف کلی برای این برنامه‌ها وجود داشت که به طور موردی می‌توان به توجه به چالش‌های موجود در بخش کشاورزی، تمرکز بر تحقق شعار تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی و جهت‌گیری سیاست‌های بانک به نحوی که از تولید ملی حمایت کرده و شرایط و بستر مناسب برای تقویت آن را فراهم کند، اشاره کرد. همچنین کارگروه در دو بخش فعالیت خود را آغاز کرد. یک بخش محتوایی با این وظیفه که

لطفاً مختصری در مورد برگزاری همایش توضیح دهید. زمانی که بحث پیگیری بیانات رهبر معظم انقلاب مطرح شد کارگروهی با این مضمون از سوی جناب آقای دکتر طالبی مدیرعامل بانک کشاورزی تشکیل شد که مسئولیت آن به آقای مهندس ماهیکار عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی واگذار شد. همچنین اداره مطالعات و بررسی اقتصادی به‌عنوان دبیرخانه، مسئول پیگیری تشکیل کمیته با محوریت حمایت از تولید ملی شد و مقرر شد نسبت به برگزاری همایش اقدام و جلسه‌هایی



تأمین به موقع نهاده‌های تولید، ایجاد بازارهای مناسب عرضه محصولات کشاورزی، مکانیزاسیون و به کارگیری تکنولوژی مناسب، کاهش مصرف سموم، مسئله کوچک بودن اراضی و سنتی بودن روش‌ها، بهره‌وری مناسب از آب، الگوی مناسب کشت و سایر مسائلی از این دست نیز به عنوان چالش‌های بخش مطرح هستند

ایجاد فضای مناسب برای بیان نظرات، برای بانک و تشکل‌های مرتبط - که نمایندگان آنان در همایش حضور داشتند و از نزدیک نیز این مشکلات را مطرح و مشاهده کرده‌اند - حرکتی رو به جلو و مفید خواهد بود.

■ آیا اقدامی برای حل چالش‌ها انجام شده است؟

برخی از مشکلات و چالش‌های مطرح شده، به مشکلات خاص حال حاضر، از جمله تحریم‌ها برمی‌گردد. نباید فراموش کرد که در حال حاضر در شرایط تحریم هستیم و تدابیر مدیریتی خاص را می‌طلبید که با شرایط عادی متفاوت است. چرا که یک سری محدودیت‌هایی به بخش تحمیل می‌شود که تمام برنامه‌ها را با کندی و رکود مواجه می‌کند. خیلی از واحدهای ارزی که از ما تسهیلات گرفته‌اند، در زمینه گشایش اعتبار با مشکل مواجه هستند. همچنین تحریم‌ها موجب شده تا واردکنندگان برای ورود ماشین‌آلات با مشکلات متعدد مواجه شوند. البته بسیاری موارد نیز وجود دارد که ماشین‌آلات خارجی را، تولیدکنندگان داخل از طریق مهندسی معکوس، طراحی و تولید کرده‌اند و در رابطه با تأمین مالی بخش کشاورزی نیز از طریق صندوق توسعه ملی اقدام‌های موثری انجام شده است. امیدواریم که در آینده شاهد حل مشکلات بخش کشاورزی و افزایش تولید ملی و ارتقای کیفیت سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی در ایران باشیم و این بخش بتواند به بهبود دانش و توانمندی تخصصی خود، موفق‌تر از قبل عمل کند.

همایش نیز همین صحبت‌ها را منتقل کردیم و همایش نیز کاملاً در محدوده بیان چالش‌ها و ارائه راهکارها برگزار شد. تا حد بسیار زیادی اهداف مورد نظر همایش محقق شد و ما به این نقطه رسیدیم که اهم مشکلات از نظر صاحب‌نظران بخش کشاورزی و فعالان عرصه تولید، چیست و چه راهکارهایی برای آنها می‌توان یافت. در کنار این همایش و برای اینکه به‌نوعی تشکل‌ها درگیر این بحث شوند، بنا به پیشنهاد آقای دکتر گل‌افرا، مدیر مسئول نشریه تخصصی کشاورزی، در محوطه بانک نمایشگاه ماشین‌آلات کشاورزی به مدت ۳ روز برگزار شد و ماشین‌آلات کشاورزی تولیدکنندگان داخلی، در معرض دید عموم گذاشته شد و بنا به نظر آقای دکتر طالبی از دانشجویان کشاورزی دانشگاه پردیس کرج نیز با هزینه بانک کشاورزی برای بازدید از نمایشگاه دعوت به عمل آمد. در راستای اهداف و برنامه‌های همایش قرار است کتابچه‌ای به شرح موضوعات مطرح شده در این همایش چاپ شود که مطمئناً در آینده به‌عنوان مرجعی مفید مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

■ آیا اهداف این همایش محقق شد؟

حسب رهنمود مدیرعامل محترم بانک از اهداف برنامه این بود که به نوعی مسائل و مشکلات بخش از زبان فعالان و صاحب‌نظران شنیده شود که زمینه آن در نشست‌های قبل از همایش و هم‌مکاتباتی که مستقیماً با صاحب‌نظران داشتیم انجام شد و علاوه بر آن در گزارشی دیدگاه‌های بانک کشاورزی و برنامه‌های عملیاتی سال جاری که برای تحقق برنامه سال تولید ملی پیش‌بینی شده بود با هدایت آقای مهندس ماهیکار عضو هیئت‌مدیره محترم بانک برای بانک مرکزی ارسال شد.

■ چالش‌های امروز بخش کشاورزی چیست؟

چالش‌های بخش کشاورزی به چند دسته تقسیم می‌شوند که اهم آنها مربوط به مدیریت تأمین مالی است که بانک کشاورزی برای آن برنامه‌ریزی لازم را به‌عمل آورده است. تأمین به‌موقع نهاده‌های تولید، ایجاد بازارهای مناسب عرضه محصولات کشاورزی، مکانیزاسیون و به‌کارگیری تکنولوژی مناسب، کاهش مصرف سموم، مسئله کوچک بودن اراضی و سنتی بودن روش‌ها، بهره‌وری مناسب از آب، الگوی مناسب کشت و سایر مسائلی از این دست نیز به‌عنوان چالش‌های بخش مطرح هستند، پر ریسک بودن بخش کشاورزی، درک ضرورت حمایت از بخش و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری از دیگر چالش‌های این حوزه است که برای بعضی از آنها، از قبل برنامه‌ریزی شده ولی بسیاری از موارد فراتر از حیطه مسئولیت بانک است و بیشتر به سیاست‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. قطعاً بخشی که مربوط به حرکت اخیر بانک کشاورزی است، اینکه

آن و برای آنکه نظرات تمام همکاران در استان‌ها را به‌نوعی داشته باشیم و همه بر این امر مشارکت داشته باشند، یک فراخوان برای تهیه مقاله منتشر شد که موضوعات آن در سه محور تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بود.

تیم داوری نیز از داوران منتخب بانک و هم از داوران برون‌سازمانی که اساتید دانشگاهی بودند تشکیل شده بود. در نهایت تعدادی از این مقاله‌ها مورد قبول قرار گرفت و برخی از آنها در قالب اسلاید در سالن همایش به نمایش گذاشته و چکیده مقالات برگزیده نیز در کتابی، در راستای اهداف همایش آورده شد.

■ بیشتر چه مباحثی در همایش مطرح شد؟

پیش‌بینی می‌شد که ۳۹۰ نفر در همایش شرکت کنند که بیش از ۷۵ درصد مدعوین حضور یافتند. مباحثی که در همایش مطرح شد بیشتر بر حسب نظر جناب آقای دکتر طالبی، حول محور عملیاتی شدن پیشنهادهای صاحب‌نظران بخش کشاورزی بود و نه فقط بحث تئوریک. بنابراین تمام مدعوین با این پیش‌شرط آمدند که نحوه عملیاتی شدن مباحثی که به این بخش کمک کند را مطرح کنند. به سخنرانان



بررسی نقش روابط عمومی‌ها در حمایت از تولید ملی؛

مفاهمه‌گری

گفت‌وگو با رئیس وقت اداره کل روابط عمومی بانک کشاورزی



در دانش مدیریتی مهم‌ترین دلیل شکست سازمان‌ها، استراتژی‌ها نیستند بلکه عدم درک درست از استراتژی‌هاست که موجب سقوط سازمان می‌شود. نبود زبان مشترک میان مدیران و مجموعه کارکنان موجب بدفهمی یا عدم ادراک برنامه‌ها شده و سازمان را از سیاست‌گذاری‌ها دور می‌کند. حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی هم به سان دیگر استراتژی‌ها از این قاعده مبرا نبوده و چنان‌که زبان و ادراک مشترکی میان برنامه‌ریزان و مجریان؛ حتی در پایین‌ترین سطوح ایجاد نشود، نشانی از تحقق نخواهند یافت. وظیفه‌ای که در نهایت بر عهده نهادی با عنوان روابط عمومی است. عبدالله سلیمانی، رئیس وقت اداره کل روابط عمومی بانک کشاورزی ضمن تعریف نقش و جایگاه روابط عمومی در دنیای صنعتی و اقتصادی امروز، به واکاوی نقش روابط عمومی‌ها در حمایت از تولید ملی پرداخته است. بخوانید.

■ بارها در مباحث تخصصی روابط عمومی عنوان شده که روابط عمومی یک سازمان در انتقال پیام، چه از مدیران به کارکنان و چه از مجموعه به مخاطبان بیرونی به‌عنوان یک کاتالیزور عمل می‌کند تا مخاطب پیام به درک درستی از بیان مجموعه برسد. این کارکرد و نقش روابط عمومی‌ها به چه معناست؟

برای درک کارکرد کاتالیزوری روابط عمومی که شما از آن یاد کردید، باید میان آن چیزی که منبع یا ارسال‌کننده می‌فرستد و آن چیزی که مخاطب درک می‌کند تمیز داد. چنانکه به کرات دیده شده که سازمان‌ها، نهادها و مجموعه‌های تجاری و صنعتی بسته تبلیغاتی را طراحی و برای مخاطب خود عرضه کرده‌اند اما آن بسته تبلیغاتی هدف طراحان را به مخاطب نرسانده بلکه، گاهی تاثیر عکس بر مخاطب گذاشته است. بنابراین آنچه سازمان به‌عنوان پیام برای مخاطب خود ارسال می‌کند با آنچه مخاطب درک می‌کند، تفاوت دارد. در این شرایط وجود یک حلقه واسط ضرورت دارد تا با شناختی حداکثری از فرستنده و گیرنده، پیام را به‌نحوی قابل فهم کند تا آنچه منظور فرستنده بوده، به گیرنده یا مخاطب برسد. این همان کارکرد و نقش روابط عمومی است که

از آن تحت عنوان مفاهمه‌گری می‌توان یاد کرد. راهبردهای سازمانی نیز از قاعده فوق مستثنی نیست و بر این اساس، بسیاری از سازمان‌های بزرگ راهبردهای خود را از کانال روابط عمومی شفاف‌سازی کرده و سپس به جریان می‌اندازند؛ چراکه امروزه مدیران بزرگ به صراحت دریافته‌اند آنچه موجب واکنش مخاطب می‌شود استراتژی نیست بلکه درک درست از استراتژی است.

■ کارکردی که از آن نام بردید، یک مفهوم کیفی است. آیا میزان یا واحد سنجشی برای این نقش مفاهمه‌گری و قابل درک‌سازی پیام وجود دارد تا بتواند به بررسی کارایی روابط عمومی پرداخت؟

برخلاف اینکه در ظاهر کارکرد مفاهمه‌گری روابط عمومی یک کارکرد کیفی است، به صراحت می‌توان بر کمی و قابل لمس بودن آن صحنه گذاشت. چراکه هر زمان سازمان در مسیر استراتژی‌های از پیش تعیین شده حرکت کند و در اجرای برنامه‌ها، چه بدنه سازمان و چه مخاطبان با سازمان همراه باشند، روابط عمومی به بهترین وجه، ایفای نقش کرده است. همچنین عکس این قضیه نیز صادق است؛ چراکه هر زمان بخشی از مخاطبان در مقابل تغییرات

و استراتژی‌های یک سازمان مقاومت نشان داده و با مسیر توسعه همراه نشوند، می‌توان گفت روابط عمومی که در ادراک پیام به مخاطب ضعیف عمل کرده است.

■ هر کجا قرار است که سیاستی از مجرای روابط عمومی به گوش مخاطب برسد، به‌سرعت بنرها و تیزرهای تبلیغاتی رنگارنگ طراحی شده و به فراخور توان مالی سازمان در سطح جامعه و رسانه‌ها نشر می‌یابد. آیا وظایف روابط عمومی در این بخش‌ها خلاصه می‌شود؟

اینکه شأن و جایگاه روابط عمومی را در حد آگهی‌دهنده و تدارکات‌چی برنامه‌ها تنزل داد، بزرگ‌ترین آفت یک سازمان است. بنرها و تیزرهای تبلیغاتی یا به بیان شما آگهی‌های رنگارنگ هم از جمله ابزارهای اطلاع‌رسانی است که خود زیرمجموعه‌ای از مقوله روابط عمومی به‌شمار می‌روند. اما سقف فعالیت روابط عمومی که به‌نحوی می‌توان آن را هنر روابط عمومی تعبیر کرد، مدیریت افکار عمومی و انتقال پیام در بستری خاص و هدایت‌شده است. حال در این مسیر با هدف اعتمادسازی، بسترسازی و فرهنگ‌سازی از ابزارهای گوناگونی هم استفاده می‌کند که یکی از آنها می‌تواند بنر، تیزر و تبلیغات باشد. بنابراین نگاه حاکم بر روابط عمومی‌ها باید اصلاح شود تا از پتانسیل بالای این نهاد در راه به بار نشستن برنامه‌های سازمانی بیشتر و بهتر استفاده شود. چنان‌که سال ۱۳۹۱ هم روابط عمومی‌ها عملکرد درخشانی در تبیین رویکردهای حاکم بر جامعه نشان داده و در تحقق برنامه‌های بزرگ و در سطح ملی چون شعار تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی به خوبی به ایفای نقش پرداختند.

■ روابط عمومی یک فعالیت فرهنگی و اجتماعی است یا به فراخور نقش و اهداف سازمان تغییر نقش می‌دهد؟ به این معنا که در یک نهاد اقتصادی، آیا روابط عمومی هم باید اقتصادی شود و در یک نهاد ورزشی، روابط عمومی ورزشی عمل کند؟ نهاد روابط عمومی چیزی جدای از تشکیلات یک سازمان یا یک دستگاه



تولیدی دارد. همچنین روابط عمومی در یک مجموعه صنعتی به تولیدکننده کمک می‌کند، واقعیت‌های جامعه را دیده و استراتژیک فکر کند. این روابط عمومی است که با شناخت درست جامعه و اخذ بازخوردها به سازمان و مجموعه تولیدی و صنعتی کمک می‌کند تا استراتژی‌های بلندمدت خود را برای نفوذ بیشتر در جامعه ترسیم کند.

■ حال اگر بخواهید نقش روابط عمومی را در تحقق شعار تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی در نهادهای مالی و خدماتی چون بانک کشاورزی که پایه تولید محسوب می‌شود، تبیین کنید، چه مواردی را مدنظر قرار خواهید داد؟

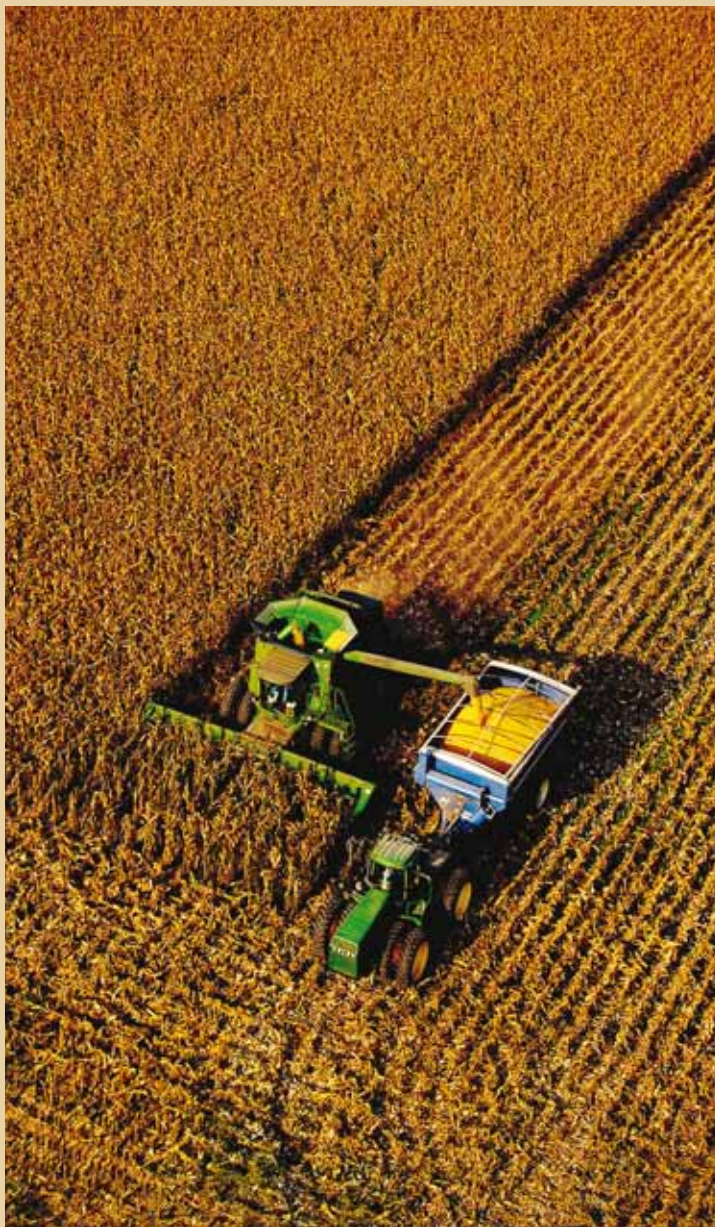
از آنجا که در دنیای امروز دیگر دوران سرگرم کردن مردم به سر آمده، لازم است در بسیاری زمینه‌ها رویکرد آگاه‌سازی و متقاعدسازی و اقناع مردم اتخاذ شود تا با ارزش آفرینی و تغییر نگرش افراد جامعه به موضوع تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، تحول فرهنگی روی می‌دهد و کشور بتواند با نبود وابستگی به منابع و ذخایر ملی با سرعت بیشتری به سوی توسعه گام بردارد. این مهم، مسئله‌ای فرهنگی است که از طریق نهادینه‌سازی آن توسط گروه‌های مختلف و به ویژه روابط عمومی‌ها در سراسر کشور، می‌توان به تحقق کامل آن امیدوار بود.

کار روابط عمومی یک فعالیت نرم‌افزاری است که تمام اطلاعات لازم برای تولید و فروش محصول و خدمت را جمع‌آوری و پردازش کرده و در اختیار سازمان قرار می‌دهد. از این‌رو می‌توان گفت که روابط عمومی در نهادهای اقتصادی چون بانک افزون بر وظیفه فرهنگی‌سازی، واحدی «تصمیم‌ساز» است؛ چراکه روابط عمومی برای همه این پرسش‌ها که چرا یک خدمت بر خدمت دیگر ترجیح داده می‌شود؟ چرا در خرید بعضی تولیدات دولتی و شک وجود دارد؟ چرا بعضی کالاها و خدمات مصارف ملی ندارند؟ و... پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای دارد، ولی نقش حائز اهمیت و غیرقابل انکارش در تولید ملی باید بیش از پیش مورد تاکید و توجه قرار گیرد.

اجرائی نیست، حال چه آن نهاد اقتصادی یا سیاسی باشد چه ورزشی. فرآیند امور هم در روابط عمومی به‌گونه‌ای است که در نهایت به تحقق اهداف یک سازمان و در یک نگاه جامع‌تر به اهداف جامعه کمک می‌کند. به عبارتی دیگر می‌توان روابط عمومی را یک موتور مولد نیرو نامید که در ظاهر سهمی از موفقیت‌های بخش‌های مختلف را ندارد، اما در تمام بخش‌های کاری متفاوت، سازمان را در بهبود اهداف یاری می‌کند؛ حال زمانی بخش بهداشت و درمان یک سازمان قصد به سرانجام رساندن برنامه‌ای را دارد که روابط عمومی با آن بخش هم‌زبان شده، ادبیات آنها را به‌کار می‌برد و به سیاقی عمل می‌کند تا اهداف آن بخش محقق شود. اما زمان دیگر ممکن است سازمان یک مشکل حقوقی را در مجامع بین‌المللی دنبال کند یا اینکه تیمی ورزشی به یک تورنمنت اعزام کند. روابط عمومی این قابلیت را دارد که به خواسته‌های گوناگون پاسخ گفته و بنا به نیاز سازمان، در دوره‌ای ورزشی شود و در دوره‌ای دیگر اقتصادی.

■ به استناد گفته شما مبنی بر اینکه نهاد روابط عمومی چیزی جدای از تشکیلات یک سازمان نیست، حال چه آن نهاد اقتصادی و سیاسی باشد چه ورزشی؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که نقش روابط عمومی‌ها در توسعه صنعتی و حمایت از شعار تولید ملی هم حائز توجه است. در این باره چه نظری دارید؟

بدون شک همین‌طور است؛ عملکرد روابط عمومی‌ها در سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی هم گواهی بر این مدعاست. بود و نبود یک سازمان صنعتی وابستگی مستقیم به روابط عمومی دارد؛ این روابط عمومی است که به فعالیت‌های آن سازمان جهت می‌دهد. چراکه روابط عمومی نقش هستی‌شناختی داشته و می‌تواند متضمن بقا و دوام سازمان باشد. یک مجموعه تولیدی و صنعتی موفق تمام اطلاعات مورد نیاز بازار خود را از روابط عمومی کسب می‌کند و مقبولیت ملی بودن یک تولید، رابطه مستقیمی با فعالیت‌های روابط عمومی آن مجموعه



در گفت و گو با دبیر کارگروه تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی بانک کشاورزی اعلام شد؛

حرکت از مباحث تئوریک به سوی راهکارهای اجرایی

همایش تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی چندی پیش با حمایت و تلاش بانک کشاورزی برگزار شد. هدف از برگزاری همایش این بود که همچون اکثر همایش‌ها جنبه کلیشه‌ای و عمومی نداشته باشد. بحث مورد نظر بانک این بود که مشکلات بخش کشاورزی و پیشنهادهای و انتقادهای دست اندرکاران مطرح شود تا به معنای واقعی مشکلات بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد. پیرامون این همایش گفت‌وگویی با مریم‌السادات مهدوی، معاون اداره کل اعتبارات و هدایت سرمایه‌گذاری بانک کشاورزی انجام دادیم تا از نزدیک با اقدام‌های انجام شده برای برگزاری این همایش آشنا شویم.

■ ساختار اجرایی همایش متشکل از چه بخش‌ها و اعضایی بود؟

جناب آقای مهندس ماهیکار عضو محترم هیئت مدیره بانک و رئیس کارگروه تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، برای برگزاری همایش، دستور تشکیل کمیته محتوایی را صادر و اعضای کمیته را تعیین کردند. اداره کل مطالبات و بررسی‌های اقتصادی نیز به‌عنوان دبیرخانه این همایش تعیین شد.

اعضای این کمیته آقای دکتر رضا حسینی مدیر امور مالی و پشتیبانی، آقای مرتضی مهدویان مشاور مدیرعامل، آقای دکتر خسرو شاهرودی مدیر امور اعتبارات و وصول مطالبات، آقای حمیدرضا نعمتیان رئیس اداره تحقیق و توسعه، آقای مهندس فرقانی رئیس اداره کل مطالعات و بررسی‌های اقتصادی، آقای ریاحی معاون اداره سازمان و بهبود روش‌ها و خانم دکتر ارغوان فرزین‌معمد، معاون مستقل همکاری‌های بین‌الملل بودند و بنده نیز به‌عنوان دبیر کمیته محتوایی تعیین شدم.

در اولین جلسه کمیته در مورد نوع برگزاری این همایش تصمیماتی گرفته شد که بنا به نظر همکاران فراخوان مقالات به‌صورت داخلی منتشر و محورهای همایش با همفکری اعضای کمیته مشخص شد و پس از آن چگونگی برگزاری همایش بررسی و به تائید آقای مهندس ماهیکار و اعضای محترم هیئت‌مدیره بانک رسید.

■ چند مقاله برای همایش ارسال شد؟

۶۳ چکیده مقاله برای ما ارسال شد که در مرحله اول ۳۱ چکیده پذیرفته و سپس در مرحله بعد از این تعداد ۱۳ مقاله برای چاپ انتخاب شد. همچنین بعد از نشست تخصصی برگزار شده با صاحب‌نظران، از علاقه‌مندان در جلسه درخواست شد که مقالاتی مرتبط با محورهای همایش تهیه کنند.

۹ نفر ابراز تمایل کردند که در نهایت سه مقاله مورد تایید قرار گرفت و به چاپ رسید.

■ گروه داوری مقالات بر چه مبنایی انتخاب شدند؟

داوری مقالات از سوی همکاران بانک انجام شد. داوران مقالات متشکل از آقایان دکتر حسینی، دکتر شاهرودی، دکتر واشقانی و خانم دکتر فرزین بودند که این افراد علاوه بر حضور در کمیته محتوایی، سابقه تدریس و همکاری با نشریات در زمینه داوری مقالات را نیز داشتند. همچنین آقایان دکتر سلامی، دکتر صدر و دکتر عرب‌مازار از اعضای محترم شورای پژوهشی بانک نیز که از اساتید دانشگاه هستند، بخشی از داوری مقالات را به عهده داشتند.

■ آیا همایش تولید ملی به اهداف از پیش تعیین شده دست یافت؟

هدف این بود که از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران در این همایش بهره بگیریم و به همین دلیل بر اساس زیر بخش‌های کشاورزی همایش را با فراهم کردن فرصت حضور حداقل یک عضو از هر زیربخش برگزار کردیم. البته ارگان‌های مختلفی هستند که دست اندرکار بخش تولید هستند و ما از اعضای داوطلب، یک نماینده از هر زیربخش را در همایش شرکت دادیم و فرصت را در اختیار آنها قرار داده تا مشکلات زیربخش مرتبط را مطرح کنند.

■ تا چه حد به برنامه‌های از پیش تعیین شده دست یافته‌اید؟

توانستیم تا حدی به برنامه‌های مدنظر خود دست یابیم و در جریان مشکلات و راهکارهای پیشنهادی برای هر زیربخش قرار بگیریم و تمایل داریم این تعامل و نشست‌های تخصصی با حضور صاحب‌نظران در موضوعات مرتبط به هر زیربخش تداوم یابد.



حمایت از «تولید ملی» و نقش آن در اجرای سیاست‌های راهبردی توسعه اقتصادی

یک موتور تقویت شده



تولید ملی (National product) یا محصول ملی به ارزش پولی همه کالاهای و خدماتی گفته می‌شود که در طول یک سال، در یک کشور تولید می‌شود. تولید ملی یک فرآیند در طول زمان مثلا یک سال است و معمولا بر حسب دلار در سال، پوند در سال و... بیان می‌شود. تولید ملی به تولید ناخالص ملی و تولید خالص ملی تقسیم می‌شود.

تولید ناخالص ملی یا Gross National product (به ارزش پولی تمام کالا و خدماتی گفته می‌شود که افراد یک ملت در طول دوره زمانی یک سال تولید می‌کنند. تولید ناخالص ملی یکی از معیارهای مهم رشد اقتصادی محسوب می‌شود و رقم بالایی آن قدرت اقتصادی و تولیدی آن سرزمین را نشان می‌دهد که این عامل می‌تواند مصرف میزان رشد و توسعه یک کشور باشد.

اگر از تولید ناخالص ملی، مقدار استهلاک و هزینه‌های جایگزینی سرمایه‌های فرسوده را کم کنیم به تولید خالص ملی خواهیم رسید. بنابراین اگر از میزان تولید کالا و خدماتی که اعضای یک جامعه در طول یک سال انجام داده‌اند، هزینه استهلاک کالاهای سرمایه‌ای دوره مربوطه کسر شود، تولید خالص ملی به دست می‌آید.

واژه «تولید ناخالص ملی» یکی از پرکاربردترین واژه‌های عرصه سیاست‌گذاری عمومی است. محاسبه کالاهای و خدمات نهایی در ارزیابی تولید ناخالص ملی به منظور پرهیز از آبار محاسبه شدن برخی کالاهای یا خدمات در کل تولید ناخالص ملی است. به عنوان مثال ارزش فولادی که به شرکت خودروسازی فروخته می‌شود به طور جداگانه در مجموع تولید ناخالص ملی محاسبه نمی‌شود، چراکه ارزش آن هنگام فروش خودرو در قیمت نهایی آن محاسبه می‌شود. واژه تولید ناخالص ملی هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عملی با واژه «تولید ناخالص داخلی» ارتباط نزدیک دارد. البته این دو واژه با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. اختلاف آنها از آنجا ناشی می‌شود که در هر زمان تعدادی از شرکت‌هایی که در مالکیت خارجی‌هاست در داخل یک کشور به تولید کالا و



خدمات مشغولند و در طرف مقابل شرکت‌هایی که در مالکیت اتباع آن کشور هستند یا شهروندان آن کشور در سایر کشورها به تولید کالا و خدمات می‌پردازند.

از سوی دیگر اگر شهروندان این کشور از سرمایه‌گذاری‌های خارجی خود درآمد کمتری از آنچه خارجی‌ها از سرمایه‌گذاری در کشور آنها به دست می‌آورند، کسب کنند، تولید ناخالص ملی آن کشور از تولید ناخالص داخلی آن کمتر خواهد بود. همچنین از تقسیم رقم تولید ناخالص ملی بر تعداد جمعیت کشور تولید ملی سرانه به دست می‌آید.

محاسبه تولید ناخالص ملی کشورها که یک کار پر زحمت است از جهات مختلف همچون تسهیل سیاست‌گذاری اقتصادی توسط دولت، کمک به برنامه‌ریزی تصمیم‌گیران بخش خصوصی، آزمون نظریه‌های اقتصادی و نیز مقایسه بین‌المللی کشورها از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌عنوان مثال اگر سیاست‌گذاران دولتی افزایش رشد اقتصادی و رفاه مادی را از طریق اعمال سیاست‌های پولی و مالی جزو اهداف سیاست‌های اقتصاد ملی قرار دهند، آنها به شیوه منطقی برای قیمت‌گذاری به‌منظور ارزیابی عملکرد اقتصاد برای تسریع یا کاهش سرعت آن نیازمند هستند که این همان شاخص تولید ناخالص ملی است، همچنین سیاست‌گذاران بخش خصوصی نیز برای انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید در کارخانجات و تجهیزات یا تولید محصولات جدید از اطلاعات کلان ناشی از محاسبه تولید ناخالص داخلی به‌منظور پیش‌بینی سطوح تقاضای احتمالی برای محصولاتشان و نیز روندهای آتی در هزینه‌های مختلف تولید سود می‌جویند.

اگرچه شاخص‌های تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی از جامع‌ترین شیوه‌ها برای ارزیابی کل تولید در اقتصاد ملی است اما این شاخص‌ها (به‌ویژه موقعی که تبدیل به سرانه می‌شوند) حتی از لحاظ نظری شیوه خوبی برای نشان دادن رفاه کلی اقتصادی نیست. این شاخص‌ها در بهترین وضعیت تنها ابزاری برای نشان دادن سطوح کنونی

نرخ فعالیت‌های تولیدی است، در حالی که رفاه کلی اجتماعی یک مفهوم گسترده‌تر از رفاه اقتصادی است که به‌طور دقیق نمی‌توان آن را با تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی ارزیابی کرد.

برای محاسبه تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی یک کشور ۳ شیوه مختلف وجود دارد. اول محاسبه به روش هزینه است که در آن تولید ناخالص ملی عبارت است از مجموع ارزش پولی هزینه‌هایی که برای خرید کالاها و خدمات نهایی توسط خانوارها (مصرف)، شرکت‌ها (سرمایه‌گذاری)، دولت (خریدهای دولتی) و سایر کشورها (خالص صادرات) می‌پردازند. دوم محاسبه به روش درآمد است که تولید ناخالص ملی از مجموع ارزش پولی درآمدهای مختلفی - شامل حقوق و دستمزد، سود، اجاره - که مردم از تولید همان کالاها و خدمات نهایی به دست می‌آورند.

سوم محاسبه به شیوه بازده است که در آن تولید ناخالص ملی ارزش پولی مجموع کالاها و خدمات نهایی است که توسط تولیدکنندگان مختلف تولید می‌شود؛ منهای هزینه پرداختی آنها برای مواد اولیه و نیز کسر کردن استهلاک و انجام تعدیل‌های لازم. اگرچه در هر ۳ شیوه رقم تولید ناخالص داخلی باید یکسان باشد اما در عمل ممکن است تفاوت‌هایی وجود داشته باشد.

مفهوم حمایت واقعی از تولید ملی

اقتصاد همه چیز یک کشور است و همه جوانب دیگر آن چه سیاسی و چه اجتماعی و حتی دینی و مذهبی تحت تاثیر همین اقتصاد قرار می‌گیرد. اهمیت این موضوع آن قدر بالاست که شارع دین اسلام صراحتاً اشاره کرده است که «دور نیست که با فقر، کفر هم ورود کند...» امسال به‌عنوان سال حمایت از تولید ملی نامگذاری شده است. اما اصلاً حمایت از تولید ملی به چه مفهومی است؟ در کشور ما جز جنبه شعاری و پلاکاردی چه معنایی دارد؟

در اقتصاد حمایت از تولید ملی دو مفهوم کاملاً جداگانه دارد که یکی مربوط به اقتصاد در شرایط نرمال و

دیگر در شرایط بحران است. در یک اقتصاد معمولی و سالم حمایت از تولید ملی معنایش تاکید است بر آنچه مزیت اقتصادی دارد. در این نگاه حمایت از تولید ملی با هدف استقلال از سایر کشورها نیست که اصلاً در خلاف جهت چنین تفکری حرکت می‌کند. در واقع در این نگاه هدف آن است که اگر سرمایه‌گذاری انجام شود حداکثر سود را محقق کند. برای مثال خیلی کشورهای در خیلی از موارد تولید کالا و خدمات وارد نمی‌شوند و توان خود را روی چیزهایی می‌گذارند که با توجه به منابع طبیعی و شرایط کشورشان موجب بیشترین سود شود. واضح است که در چنین نگاهی با اینکه کشورها استقلال واقعی ندارند در عمل چنان به هم وابسته هستند که هرگز سرنوشت گره خورده به یکدیگر را دچار بحران نمی‌کنند.

در یک اقتصاد در شرایط بحران داستان تعریف دیگری پیدا می‌کند. مثلاً وقتی کالایی را نمی‌توانید از طریق واردات تامین کنید، مجبور خواهید بود آن را در داخل تولید کنید حتی اگر اصلاً صرفه اقتصادی نداشته باشد. مثال دیگر زمانی است که بیکاری به‌نحو فزاینده بالا برود و در چنین شرایطی حمایت از صنایعی که شاید توجیه اقتصادی قوی هم ندارند، منطقی می‌شود.

در اقتصاد فعلی جهان، جز در موارد خاص اصولاً استقلال اقتصادی مفهومی ندارد و اینکه هر کشوری هر چیزی را تولید کند، ائتلاف منابع بوده و فاقد صرفه اقتصادی است. امروزه در رقابت بازار جهانی باید با حداقل ضایعات، کمترین مصرف انرژی و در دسترس‌ترین منابع، مواد و نیروی کار کالاهایی تولید کرد که توان رقابت داشته باشند. خب حالا با این تعریف حمایت از تولید ملی در کشور ما که بدون شک در یک بحران چند سوبه داخلی و خارجی گرفتار است باید به‌طور دقیق موشکافی شود. هدف حمایت از تولید ملی چیست؟ جلوگیری از خروج ارز حاصل از فروش نفت؟ کاهش نرخ سرسام‌آور بیکاری؟ تامین کالاهایی که به‌دلیل تحریم قابل واردات نیستند؟ و از همه مهم‌تر با چه سیاستی این هدف تامین شود؟



مروری بر روند اجرای طرح توسعه کشاورزی در سال تولید ملی

یک طرح به وسعت ایران

بخش کشاورزی بسیار حائز اهمیت است تا جایی که حضرت امام خمینی(ره) از ابتدا، توجه جدی به بخش کشاورزی داشته و فرمودند: کشاورزی باید محور توسعه باشد، یعنی صنعت در خدمت کشاورزی باشد. در واقع تاکید امام خمینی (ره) این است که کشوری که از نظر غذایی و نیازهای غذایی وابسته به خارج باشد نمی‌تواند ادعای استقلال بکند. بنابراین منطق سیاست حکم می‌کند ما در اقلام اساسی کشاورزی خودکفا باشیم. یعنی وابستگی در نان برای ما تهدید است؛ چند سال گذشته به خودکفایی نصف و نیمه در گندم رسیدیم اما ریشه منطقی در این خودکفایی وجود نداشت و به بهای کاهش تولید جو افزایش تولید گندم داشتیم و به خودکفایی نسبی رسیدیم از این رو بحث قابلیت در کشاورزی این است که منطق

سیاسی و مدیریت استراتژیک - کاهش وابستگی را نشان می‌دهد - وجود داشته باشد، مثلاً نان غذای اصلی مردم ایران است، در جنوب شرق آسیا قوت غالب برنج است، در آمریکای لاتین ذرت قوت غالب است و در اروپا نیز سیب‌زمینی غذای اصلی است و بنابراین ما نباید در گندم، گوشت، لبنیات و غذاهای اساسی وابستگی شدید به خارج داشته باشیم و باید توجه به کشاورزی یک منطق و مدیریت استراتژیک به دنبال خود داشته باشد. اگرچه این بخش در طول سال‌های متمادی به دلیل فقر سرمایه‌گذاری همواره دچار مشکلات ساختاری و زیربنایی بوده است، اما به واسطه شرایط خاص آب و هوایی و مزیت‌های نسبی که در کشور وجود دارد، کشاورزی نقش به‌سزایی در تولید ملی، اشتغال‌زایی و ارزآوری

ایفا کرده است و شاید یکی از مصادیق بارز حمایت از تولید ملی توجه ویژه به این بخش باشد. قرار گرفتن کشاورزی در این جایگاه رفیع سبب شد در اواخر سال گذشته طرح توسعه کشاورزی از سه‌ماهه چهارم سال و به دستور رئیس‌جمهور در کشور آغاز شود و برنامه‌ریزی‌های لازم برای اجرایی کردن آن انجام شود تا شاید بتوان از مزیت‌های خدادادی این بخش استفاده شایسته‌تری به‌عمل آورد. به‌واسطه همین اهمیت بود که در ابتدای سال و در نشست مدیران گروه‌های اعتباری مدیریت‌های شعب بانک کشاورزی در استان‌ها مهم‌ترین موضوع مورد بحث همین مقوله بود.

طرح توسعه کشاورزی در اولویت برنامه‌های بانک کشاورزی
در همین راستا دکتر محمد طالبی



به واسطه شرایط خاص آب و هوایی و مزیت‌های نسبی که در کشور وجود دارد، کشاورزی نقش به‌سزایی در تولید ملی، اشتغال‌زایی و ارزآوری ایفا کرده است و شاید یکی از مصادیق بارز حمایت از تولید ملی توجه ویژه به این بخش باشد

در ابتدای سال با بیان اینکه اجرای این طرح در اولویت برنامه‌های بانک کشاورزی در سال جاری قرار دارد، تصریح کرد: مدیران این بانک به‌عنوان متولیان تامین مالی بخش کشاورزی به‌منظور استفاده از فرصت به‌وجود آمده برای بخش، تمام تلاش خود را به کار خواهند بست.

او با اشاره به اینکه منابع مورد نیاز اجرای این طرح از محل صندوق توسعه ملی در اختیار بانک کشاورزی قرار گرفته است خاطر نشان کرد: صندوق توسعه ملی ابزاری برای حفظ دارایی همه نسل‌هاست و حساسیت برای اختصاص منابع این صندوق به طرح‌های مطمئن و موثر برای اقتصاد کشور ضرورت دارد.

مدیرعامل بانک کشاورزی در بخش دیگری از سخنان خود، طرح توسعه کشاورزی را یکی از طرح‌های مهم دولت در سال جاری معرفی و خاطر نشان کرد: در این مسیر وظیفه و مأموریت مهمی به عهده بانک کشاورزی است و اجرای طرح‌های شاخص، سرعت در تصمیم‌گیری و همچنین تسهیل در اجرایی شدن طرح‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

طالبی با اشاره به نکات مهم دستورالعمل اجرایی طرح توسعه کشاورزی و همچنین تاکید رئیس‌جمهور متذکر شد، بر اساس مفاد این دستورالعمل ارائه ۱۰ درصد سهم آورده و ۱۰ درصد وثیقه خارج از طرح از الزامات متقاضیان دریافت تسهیلات در قالب این طرح است.

همچنین حشمت‌الله نظری عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی نیز با اشاره به نامگذاری سال جاری از سوی مقام معظم رهبری به‌عنوان سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی گفت: طرح توسعه کشاورزی یکی از مصادیق این شعار است.

او با بیان اینکه بیش از ۵۰ درصد عملیات اجرایی این طرح به عهده بانک کشاورزی است افزود: در ابتدای سال حدود ۲۰ هزار میلیارد از منابع صندوق توسعه ملی برای اجرای سرفصل‌های دستورالعمل اجرایی آن در اختیار بانک قرار گرفته است.

عضو هیئت مدیره بانک کشاورزی تشکیل ستاد استانی، تعیین وظایف و ایجاد هماهنگی را از عوامل ضروری

در اجرای طرح توسعه بخش کشاورزی دانست و بر نقش مدیران گروه‌های اعتباری مدیریت‌های شعب این بانک در استان‌ها تاکید کرد.

مصوبه کار گروه توسعه برای اجرای طرح‌های توسعه کشاورزی

همچنین در ادامه با تصویب کارگروه توسعه بخش کشاورزی، مشکل اخذ وثایق برای اعطای وام به طرح‌های توسعه کشاورزی نیز حل شد.

به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت؛ با تصمیم نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور در کارگروه توسعه بخش کشاورزی و به استناد اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی، بانک عامل به‌منظور تضمین بازپرداخت تسهیلات اعطایی به طرح‌های توسعه بخش کشاورزی، متناسب با میزان تسهیلات و نرخ سود برای اخذ وثایق؛ محل اجرای طرح (در صورت داشتن اسناد رسمی)، ارزش روز مستحقات اعم از احدثی یا در حال احدث، حداکثر ۵۰ درصد یارانه تعلق گرفته به سرپرست خانوار و ذی‌نفعان طرح، اعطای سقف مجاز تسهیلات به‌صورت ضمانتی (اشخاص حقیقی و حقوقی) و هر نوع تعهدنامه و قرارداد دیگری که می‌تواند موجب تضمین برگشت منابع بانک باشد، اقدام کند. بر این اساس، تسهیلات قابل پرداخت به‌ازای هر فرد متناسب با نوع طرح مصوبه، حداکثر ۳۰۰ میلیون ریال تعیین می‌شود و در موارد استثناء با تصمیم ستاد اجرایی استان مبلغ یادشده افزایش می‌یابد.

همچنین در واگذاری حق بهره‌برداری، حق انتفاع و اجاره اراضی ملی و دولتی، قراردادهای بین وزارت جهاد کشاورزی و دریافت‌کنندگان اراضی برای پرداخت تسهیلات بانکی به‌عنوان اسناد قابل قبول تلقی و بانک‌های عامل موظفند تمام حقوق و منافع ناشی از قراردادهای یادشده را به‌عنوان وثیقه و تضمین برای اعطای تسهیلات موردپذیرش قرار دهند و موجر (مدیریت کشاورزی) به موجب قرارداد منضم به آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور موظف است در اجرای قرارداد تسهیلات اعطایی بنا به درخواست بانک، بانک یا اشخاص معرفی شده از طرف آنها را به‌عنوان جانشین مجری طرح موضوع قرارداد

واگذاری زمین شناخته و بپذیرد و تمام حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد را به بانک یا ذی‌نفع یا اشخاص معرفی شده منتقل کند. بر اساس این مصوبه، اشخاص فاقد بدهی معوقه به سیستم بانکی می‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند. رعایت تناسب میزان سرمایه با میزان تسهیلات اعطایی درمورد اشخاص حقوقی استفاده‌کننده از تسهیلات موضوع این تصمیم‌نامه الزامی است.

همچنین ستاد اجرایی شهرستان موظف است، پس از تکمیل پرونده و استعلام‌های مورد نیاز برای معرفی طرح‌های مشمول به بانک عامل اقدام کند. بر این اساس، ستاد اجرایی شهرستان موظف است، فهرست اسامی اشخاص حقوقی استفاده‌کننده از تسهیلات را به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام کند و این اداره موظف است از نقل و انتقال سهام شرکت‌های مورد نظر قبل از استعلام از بانک عامل و موجر (مدیریت جهاد کشاورزی) خودداری کند.

بر اساس این مصوبه، سند اعیانی بنا به درخواست مستاجر (مجری طرح) یا بانک و اشخاص معرفی شده از طرف بانک‌ها پس از اجرای کامل طرح و تایید هیئت نظارت موضوع قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور صادر می‌شود و در صورت عدم انجام تعهدات از سوی مستاجر (مجری طرح) سند اعیانی صادر نخواهد شد. دولت، همچنین اداره‌های ثبت اسناد و املاک و دفاتر ترتیبی اتخاذ کنند که ترهین نسق زراعی موصوف در سوابق پلاک درج و هرگونه اقدام بعدی منوط به اخذ موافقت بانک مرتهن است. بر همین اساس تسهیل قوانین و شرایط برای اجرای طرح توسعه کشاورزی در سال تولید ملی در بسیاری از موارد ادامه یافت، چرا که رابطه میان تولید ملی و اجرای طرح توسعه کشاورزی رابطه‌ای مستقیم و وابسته به هم است.

بپذیریم حمایت از تولید ملی بدون توجه ویژه به بخش کشاورزی مفهوم واقعی خود را نخواهد یافت و در تمام ادوار حمایت از توسعه کشاورزی می‌تواند پیش‌نیاز هر حرکت ملی در راستای ارتقای تولید تلقی شود.



راهکارهای جهش تولید و اقتصاد ملی؛

یک نسخه کار آمد

■ بهروز علیشیری
رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران

وحدت در رویه، تفاهم بر اصول و تعیین شتاب حرکت گامی مهم در رشد توسعه اقتصاد کشور برداشت. برنامه و اولویت‌های تعیین‌کننده‌ای که به آن می‌پردازم و به عبارت صحیح‌تر پیشنهاد می‌کنم، کاملاً دست‌یافتنی و شدنی است.

پیام دیگر این نوشتار این است که برای شتاب بخشیدن به رشد تولید و اقتصاد ملی، ناگزیر از انجام اصلاحات و اقدام در قالب‌های تعیین شده آن خواهیم بود و این اقدام‌ها، محصول یک کار جمعی و هم‌دلانه خواهد بود.

بخش غیردولتی و الزامات آن

با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ و اصلاح و ابلاغ رویکردهای قانونی آن دگردیسی وسیعی در عرصه بازیگران صحنه اقتصادی کشور رخ داده و در شرف تکمیل است. آنچه باید در این فرآیند گذار ساختاری مورد توجه قرار بگیرد، فقط محدود به جابه‌جایی عناصر این عرصه نیست، بلکه هم‌زمان و ملازم با آن باید حجم زیادی

رهنمود و تاکید مجدد مقام معظم رهبری بر موضوع و مسئله اقتصادی در سال ۱۳۹۱ را شاید بتوان به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه و دل‌مشغولی ایشان در دهه سوم انقلاب اسلامی دانست. تمرکز بر موضوع و بخش اقتصادی «تولید، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» ملازم با جهت‌گیری در روند و میزان شتاب حرکت «در سال‌های پیشین» مبین ضرورت بازخوانی پرونده مهم‌ترین مؤلفه رشد و توسعه اقتصاد کشور یعنی تولید و ثروت ملی در سال جاری است. تفاوت عمده در نام‌گذاری سال ۱۳۹۱ با سال‌های پیش از این را می‌توان علاوه بر تمرکز موضوع و توجه به بخش واقعی اقتصاد، به میزان و قابلیت‌سنجش آن هم ربط داد. آنچه بنا دارم در این نوشتار کوتاه به آن بپردازم ارائه رؤس مهم‌ترین نکات و راهکارهایی است که می‌تواند به فوریت و شاید سهولت در دستور کار ارکان حاکمیت نظام قرار گرفته و بر این اساس امیدوار بود با حفظ یکپارچگی در نگرش،

از اقدام‌های پایه‌ای برای ظهور، بروز و بلوغ بنگاه‌های بخش غیردولتی در یک محیط اقتصادی کارآمد و رقابتی فراهم شود. به عبارت دیگر لازم است که در یک فرآیند زمانی مشخص و در این گذار ساختاری چترهای ترویجی، تشویقی و حمایتی متناسب با هر بخش، شناسایی و به‌کار گرفته شود. اگرچه این نقش به یک ابزار روانی تعیین‌کننده برای تغییر قالب‌های رفتاری و نگرش‌ها وابسته است، اما در سطح عینی باید با بازنگری همه جانبه در قوانین و مقررات محیطی ناظر بر تمام فعالیت‌های اقتصادی همراه باشد.

سرعت گردش کار و کاهش هزینه‌ها

این دو مولفه کلیدی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده محیط کسب‌وکار در کشور است. این مولفه‌ها زمانی ملموس‌تر و عینی‌تر جلوه خواهد کرد که آن را با سایر کشورهای مشابه مقایسه و تحلیل کنیم. مولفه‌های محیط کسب‌وکار به همه رخدادهایی مرتبط است که طیف وسیعی از فرآیندهای تصمیم‌گیری را از زمان ظهور یک بنگاه تا مرحله اتمام فعالیت‌های اقتصادی آن شامل می‌شود. ثبت یک شخصیت حقوقی، اخذ مجوزهای مورد نظر برای شروع مرحله ساخت واحد، کیفیت دسترسی به خدمات عمومی و زیربنایی برای بهره‌برداری از یک بنگاه، نحوه دسترسی

به منابع اعتباری در دوره ساخت و بهره‌برداری، نحوه اتصال به بازارهای ملی و بین‌المللی در عرصه تجاری‌سازی، رفتارهای تعرفه‌ای و مالیاتی، نحوه رسیدگی به اختلافات حقوقی احتمالی حادث از جمله شاخص‌های قابل‌سنجش این مولفه‌ها را شامل می‌شوند.

تدوین راهبردهای توسعه‌ای کشور

معلوم است که منابع مالی و فنی کشور محدود است و متناسب با مزیت‌های ذاتی و نسبی اقتصاد کشور باید این منابع تخصیص یافته و جهت یابند. منظور از تدوین راهبرد، تولید مجدد ادبیات نظری نیست، بلکه تعیین و انتخاب اولویت‌های توسعه بخشی در عرصه صنعت و کشاورزی، تمرکز بر اولویت‌ها، هدایت صحیح منابع به سمت و سوی این اولویت‌ها بر پایه یک برنامه زمانی میان‌مدت است.

تدوین راهبرد و اولویت‌های توسعه‌ای کشور، همان ترسیم نقشه عملیاتی توسعه و فعالیت‌های اقتصادی کشور در یک ظرف زمانی مشخص است. در این برنامه سه ویژگی تعیین‌کننده است. نخست معرفی اولویت‌های توسعه بخش‌های اقتصادی است، دوم معرفی و ارائه مشوق‌های هدایت‌کننده برای آن بخش‌هاست و سوم تجمیع و جهت‌دهی عمده منابع به سوی این هدف‌گذاری‌ها و اولویت‌هاست.

تامین منابع مالی و شیوه‌های تجهیز آن

هم‌زمان با تدوین راهبردهای توسعه ملی و شناسایی اولویت‌های توسعه بخشی، بهبود محیط کسب‌وکار و شفاف‌سازی و سرعت بخشیدن به گردش کار شکل‌گیری و بلوغ بنگاه‌های اقتصادی، باید به دنبال تجهیز و تدارک منابع مالی لازم برای انجام طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای و همچنین طرح‌های اقتصادی و تولیدی فعالان و بنگاه‌های اقتصادی غیر دولتی در کشور بود. قاعدتا باید از شیوه‌های رایج و سنتی تامین مالی فاصله گرفت. تجربیات خوبی در سال‌های گذشته به دست آورده‌ایم، اما هنوز گام‌های بیشتر و همه‌جانبه‌تری باید برداشته شود. کلیدی‌ترین موضوع در این میان مدلی از تامین مالی است که بتواند موجب هم‌افزایی، ترکیب و تشدید منابع موجود مالی شود. بهترین‌ترین مدل تامین مالی، حرکت به سوی مشارکت منابع مالی بخش خصوصی و دولتی هم برای طرح‌های زیربنایی (با توجیه اقتصادی) و هم برای طرح‌های تولیدی (با توجیه مالی) است.

الف - طرح‌های زیر بنایی و توسعه‌ای:

طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای کشور تاکنون توسط منابع عمومی یا تامین مالی قرضی داخلی و خارجی و به‌وسیله دستگاه‌های اجرایی کشور تصدی شده است. محدودیت منابع این حوزه و کاستی‌های تصدی‌گری موجب کاهش اجرا در تعداد طرح‌ها و بهره‌وری پایین آنها بوده است. در مدل مشارکتی برای طرح‌های زیربنایی و توسعه‌ای، منابع عمومی کشور باید به‌عنوان وام‌های ترجیحی (با کارمزد پایین) و حتی به‌صورت بلاعوض و تا سقف ۳۰ تا ۴۰ درصد از کل منابع مورد نیاز یک پروژه وارد مدل مشارکتی شود تا بتواند حضور بخش غیردولتی را در این دسته از طرح‌ها توجیه‌پذیر مالی کند. مابقی منابع مورد نیاز طرح‌ها می‌تواند تا سقف ۱۵ تا ۲۰ درصد توسط منابع بخش غیردولتی داخلی و خارجی و همچنین ۴۰ تا ۵۰ درصد از بازارهای پولی و مالی داخلی تجهیز و وارد این مدل مشارکت مالی شود. در این صورت فرآیند ساخت و بهره‌برداری این دسته از طرح‌ها، هدایت و مدیریت آنها توسط بخش غیر دولتی انجام خواهد شد و پس از دوره بهره‌برداری با ترتیب‌های تعریف شده رایج، قابل واگذاری به

دولت خواهد بود. در این سازه، نقش دولت فقط طراحی و آماده‌سازی فنی طرح‌ها و مدل‌های مالی متناسب با آن و عرضه آن به‌صورت رقابتی به بازار خواهد بود. بدیهی است بسترهای مالی و حقوقی اطمینان‌بخش در صورت کاستی قوانین و مقررات جاری نیز باید آماده شود. از این‌رو تمام طرح‌های توسعه‌ای و زیربنایی کشور در حوزه‌های آب و نیرو، انرژی، شبکه‌های آبیاری، راه و شهرسازی، اتوبان‌ها و فرودگاه‌ها، طرح‌های بزرگ کشت و صنعت، مخابراتی و ارتباطی و ... می‌تواند در قالب این مدل تدارک و راه‌اندازی شود.

بر پایه معادله مالی فوق، دست‌کم طرح‌های این حوزه تا سه برابر به لحاظ تعداد افزایش خواهد یافت و انجام و تکمیل طرح‌ها مطابق جدول زمانی پیش‌بینی شده از سرعت لازم برخوردار خواهد شد. البته توجه داریم که گسترش فعالیت این دسته از طرح‌ها که عمدتاً به طرح‌های عمرانی مشهور هستند، پیش نیاز فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشور خواهند بود که در عین حال می‌توانند هزینه فعالیت‌های بنگاه‌های تولیدی کشور را هم کاهش دهند.

ب - طرح‌های تولیدی و اقتصادی کشور: در حوزه طرح‌های اقتصادی و تولیدی کشور که عمدتاً در اختیار بخش غیردولتی قرار دارد، هم مشکل مشابهی وجود دارد. این دسته از طرح‌ها نیز از فقدان الگویی روشن و اثربخش، هم‌افزا و مشارکتی در تامین مالی رنج می‌برد. در این الگوی سنتی، ۲۰ تا ۳۰ درصد از منابع احتمالی توسط سهامداران و صاحبان طرح تجهیز می‌شود و مابقی منابع مورد نیاز در صف استقراض از سایر منابع و عمدتاً منابع بانک‌های تجاری قرار می‌گیرند. از این‌رو اگرچه در نگاه نخست این طرح‌ها توجیه مالی مناسبی دارند، اما متناسب با هر طرح، ریسک‌های تجاری طرح‌ها هم‌شأن با نحوه تامین اعتبار آنها بالا می‌رود و تامین مالی آنها و نهایتاً بازپرداخت اقساط وام‌گیری مخاطره‌آمیز خواهد بود. برای خروج از این چرخه بسته تامین مالی، ابتدا باید الگوهای مشارکتی بخش خصوصی - خصوصی (داخلی - خارجی) ترویج شود. سپس منابع صندوق‌های توسعه‌ای مانند، صندوق توسعه ملی، نهادهای مالی بازار سرمایه و منابع بانک‌های تجاری باید در کنار مدل مشارکتی خصوصی - خصوصی در یک بسته هماهنگ و متعادل وارد شده



مشارکت داخلی - داخلی به مدل مشارکت داخلی - خارجی برای حمایت از رشد و توسعه تولید ملی تغییر جهت یابد. در عین حال پیاده‌سازی و اجرای چنین الگوهایی به خودی خود موجب بروز ثبات رفتاری و مقررات حقوقی حاکم بر فضای سیاست‌گذاری توسعه‌ای کشور و قوانین و مقررات جاری خواهد بود، به‌گونه‌ای که در چشم اندازهای مبتنی بر طول عمر یک پروژه، مناسبات قراردادی حاکم به ناگزیر ثابت خواهد ماند تا تصویری درازمدت و با ثبات به شرکت مدیریت پروژه به‌دست بدهد.

ج - بهره‌گیری از الگوی قرضی - مشارکتی

اگرچه الگوی پیشنهادی رایج تامین مالی غالب، مدل مشارکتی دولتی - خصوصی است، اما هنوز استفاده از الگوهای جدیدتر تامین مالی قرضی - اسلامی مورد نیاز است. یکی از این الگوهای رایج، صدور اوراق مشارکت ارزی یا ریالی (صکوک) است. این الگو هم برای طرح‌های توسعه‌ای - زیربنایی و هم برای طرح‌های اقتصادی - تولیدی قابل تسری است. هدف غایی، تجهیز منابع مالی برای این دسته از بنگاه‌ها یا طرح‌ها نیست، بلکه خروج تقاضای بنگاه‌ها و طرح‌های بزرگ و متوسط از گردونه تجهیز منابع سنتی - قرضی است.

امروز بخش عمده و قابل توجه شرکت‌های بزرگ و متوسط کشور می‌توانند به اتکالی ظرفیت‌های اقتصادی و گردش مالی خود به‌طور مستقیم و

تا ضمن تامین مالی مشارکتی و بخشی هر طرح، مخاطرات تجاری را برای تامین‌کنندگان منابع مالی آن کاهش دهند. در این میان یک خلای نهادی برای مدیریت کل گردش کار این دسته از طرح‌ها وجود دارد. خلای نخست لزوم ترویج و اشاعه این مدل مشارکتی است که این وظیفه مهم بر عهده اتاق‌ها، تشکلات و انجمن‌های حرفه‌ای بخشی است. خلای دوم به نهاد متولی ارزیابی طرح‌ها و پذیرش نقش توسعه‌گری، پرورش‌گری و منابع‌یابی مربوط است.

اگرچه در دنیای امروز، شرکت‌های مشاوره‌ای مالی این خلاء را پر می‌کنند، اما به دلیل کاستی‌های موجود این دسته از شرکت‌ها، این کارکرد می‌تواند به عهده صندوق توسعه ملی قرار گیرد. چنانچه این نقش و کارکرد جدید را برای صندوق توسعه ملی بپذیریم، آنگاه ضرورت بازنگری در اساسنامه این صندوق اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این حالت صندوق باید ضمن شناسایی و ارزیابی دقیق طرح‌های مورد نظر و با اعلام مشارکت سهمی خود از کل منابع طرح، آن را برای تامین مالی به بازارهای مالی و پولی ملی و سرمایه‌گذاران خارجی عرضه کند. چنانچه این الگوهای مشابه تامین مالی برای هر دو حوزه زیربنایی توسعه‌ای و تولیدی - اقتصادی اجرایی شود، آنگاه می‌توان از جلب و جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی با هدف تجهیز منابع جدید، ورود فناوری و دسترسی به بازارهای بین‌المللی و ... سود برد و مدل



از طریق این ابزار به بازارهای جدید تامین مالی از طریق صکوک دسترسی پیدا کنند. این مدل تامین مالی ساختاریافته (بدون تضمین دولت) که به اتکای توجیه پذیری طرح‌های اقتصادی و تراز مثبت مالی آنها وارد بازار مالی و پولی می‌شوند، در عین حال می‌تواند شفافیت عملکرد اقتصادی بنگاه و طرح را نزد موسسات رتبه‌سنجی و خریداران اوراق ارتقا دهد. برای نیل به حداکثر مطلوبیت و بهینه‌سازی این رفتار، داشتن یک رتبه اعتباری مطلوب برای اقتصاد کشور ضروری و به‌عنوان پیش نیاز تلقی می‌شود. به عبارت دیگر رتبه اعتباری (Benchmark) صدور اوراق از سوی دولت محسوب می‌شود و رتبه ریسک اعتباری کشور بر آن اساس سنجیده خواهد شد و به‌طور طبیعی نرخ صدور اوراق مشارکت ارزی را رقم می‌زد، مقدمه‌ای برای اخذ رتبه اعتباری برای بنگاه‌های بزرگ و متوسط کشور خواهد بود. بنابراین نقطه عزم حرکت بنگاه‌ها برای اخذ رتبه اعتبار اختصاصی خود، نقطه معیار اعتبار کشوری است، که این خلاء باید برای اقتصاد کشور برطرف شود.

بازنگری در نقش و کارکردهای استان‌ها و اتاق‌ها

چنانچه هدف گذاری کمی برنامه پنج‌م توسعه برای نیل به نرخ رشد ۸ درصدی را مبنا قرار دهیم، بنابراین متناسب با برنامه‌های بر شمرده شده در بالا، باید متناسب با هر بخش در سطوح ملی،

اصلی را به عهده بگیرند. نخست کمک به شناسایی، طراحی و تبیین طرح‌های جدید اقتصادی - تولیدی و تعریف چارچوب‌های فنی، مالی، حقوقی و ارائه این دسته از خدمات به مثابه یک الگوی واحد و مشابه برای تمام فعالان این حوزه است. دوم ترویج و پیاده‌سازی مبادلات ساده کالایی - تجاری توسط بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه آن دسته از بنگاه‌هایی است که به تجارت خارجی و واردات کالاهای واسطه‌ای، مصرفی و سرمایه‌ای اشتغال دارند و یک فرآیند طولانی مدت تبدیل به تولید داخلی است و سوم بر عهده گرفتن نقش و بازوی مشورتی فعال و سازنده با ارکان حاکمیت به‌ویژه دولت برای انجام وظایف دوگانه فوق و اجرایی آنهاست.

الگوی تبدیل تجارت به سرمایه گذاری

همانگونه که اشاره شد الگوی تبدیل تجارت سنتی و ساده مبتنی بر مرادوات کالایی صرف به روابط بلندمدت سرمایه‌گذاری امروز مدلی رایج در جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. اگرچه تجربیات پراکنده‌ای از این رفتار در سنوات اخیر در اقتصاد کشور رخ داده است، اما هنوز به یک الگوی دائمی یا رفتار فراگیر تبدیل نشده است. در حال حاضر حجم عظیمی از کالاهای صنعتی، واسطه‌ای، قطعات، تجهیزات، مواد مصرفی و خدماتی از طریق نمایندگی‌های ایرانی شرکت‌های خارجی یا به‌طور مستقیم به بازار عرضه می‌شود. برخی از این کالاها در دهه‌های متمادی حجم متناهی از تقاضا و بازار داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. بدیهی است یکی از فرآیندهای پایدار و اثرگذار، تبدیل این وضعیت به فرصت‌های تولیدی در اقتصاد کشور است. فرض این است که مزیت‌های ذاتی اقتصاد ملی به همراه سابقه حضور در بازار داخلی به اندازه کافی علامت‌های مثبت برای تبدیل این چرخه به‌دست می‌دهد، اما کافی نیست. روشن است که هم‌زمان با مراقبت‌های کافی از حقوق مصرف‌کننده، باید شرایط ورود این دسته از کالاها به اقتصاد کشور از شرایط سهل کنونی خارج شود و در عین حال مزیت‌ها و مشوق‌های ویژه‌ای را برای تبدیل این چرخه ارائه دهیم. اگرچه اعلام علائم مثبت و چگونگی این تغییرات را باید در الگوی توسعه صنعتی و کشاورزی کشور پیش‌بینی کنیم، اما نقش و کارکرد موثر و مثبت کارگزاران داخلی این دسته از شرکت‌ها و کالاهای

خارجی و بالا بردن ظرفیت‌های مذاکره و چانه‌زنی برای تبیین این چرخه، نقش اساسی ایفا خواهد کرد. اگرچه بنا داریم در الگوهای جدید جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مدل کارکردی مناسبی را برای این موضوع ارائه دهیم، اما در کوتاه‌مدت، نقش اتاق‌ها و انجمن‌های صنفی و تخصصی برای سازماندهی مجدد این رفتارها و تبدیل آن به یک هنجار اقتصادی به‌ویژه در نزد شرکای داخلی کالاهای خارجی کارگشا خواهد بود.

طراحی برخی نهادهای مالی تکمیلی

یکی از خلاءهای نهادی کشور وجود شرکت‌های قوی، حرفه‌ای و مستقل رتبه‌سنجی مشتریان - بنگاه‌های اقتصادی است. این شرکت‌ها باید وظیفه مهم ارزیابی دقیق نرخ ریسک (مخاطرات) اقتصادی و مالی هر بنگاه را بر پایه پیشینه عملکردی آن به بازار عرضه کنند و همراه با آن و متناسب با نرخ ریسک بنگاه‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای داخلی، پوشش بیمه‌ای خویش را برای بنگاه‌های اقتصادی به تامین‌کنندگان منابع مالی ارائه دهند. در حال حاضر هر دو این وظایف بر عهده بانک‌های تجاری است که موجب شده است فرآیند تامین مالی را سخت، پیچیده و پرهزینه کند.

کلام پایانی

اگر چه می‌توان فهرست اقدام‌های مبتنی بر این برنامه عمل را طولانی‌تر کرد، اما به نظر می‌رسد، بازنگری و حدوث پیشنهادی یادشده، مهم‌ترین متغیرهایی هستند که بیشترین تراکنش را به لحاظ تاثیرگذاری و حرکت شتابان و رو به جلو برای رشد تولید ملی فراهم کنند. مجموعه و طیفی از متغیرهای یادشده، که با تغییر رویکردهای برنامه‌ای، بهبود فضای کارآفرینی، تجهیز منابع مالی و بازبینی در نقش و ساختارهای نهادهای ذی‌دخل اقتصادی همراه بود، به خودی خود علائم تعیین‌کننده‌ای را برای همه بازگران عرصه سیاسی و اقتصادی کشور به‌دست می‌دهند که ضربان مبانی بینشی و رفتارهای سیاسی خویش را برای حرکتی شتابان در عرصه اقتصادی همساز و ارتقا دهند. از این‌رو با ورود این دسته از متغیرها به عرصه اقتصاد کشور، ظرفیت تعاملات در حوزه سیاسی منظم‌تر و از عمق بیشتری برخوردار خواهد شد و در عین دیپلماسی اقتصادی کشور در قالب برنامه عمل اقتصادی به‌سوی ثبات در مشی بین‌المللی و یافتن حوزه‌های نفوذ جدید و همکاری متقابل میل پیدا خواهد کرد.



بررسی توانمندی‌های بخش کشاورزی کشور برای تحقق تولید ملی

ظرفیت نامحدود

مزیت نسبی و وجود شرایط خاص آب و هوایی چهار فصل، ایران را همواره در زمره کشورهای صاحب مزیت کشاورزی جهان قرار داده است، به طوری که بر پایه آخرین داده‌های فائو، ارزش تولیدات کشاورزی ایران در ۲۴ محصول در میان ۲۰ کشور برتر دنیا قرار دارد. رتبه ایران در ۱۰ محصول زیر پنج و در ۹ محصول میان ۶ تا ۱۰ بوده که این واقعیت به خوبی جایگاه منحصر به فرد کشاورزی ایران را نشان می‌دهد. شاید به واسطه این جایگاه ارزشمند باشد که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که یکی از اصلی‌ترین لوازم تحقق تولید ملی، ایجاد تحول اساسی و عملی در بخش کشاورزی است. البته تحول در کشاورزی باید بهبود همه جانبه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را مدنظر خود قرار دهد، زیرا به دلیل نگرش‌های تک بعدی، با وجود رشد به نسبت مطلوب سطح تولیدات کشاورزی منابع پایه به شدت رو به تخریب و افول است. از آنجا که امروزه دانش به عنوان عامل اصلی تولید محصول مطرح است،

بنابراین ایجاد تحول اساسی در بخش کشاورزی، جز از طریق حرکت به سمت کشاورزی دانش بنیان امکان پذیر نخواهد بود، از این رو راهکار کلیدی افزایش پایدار بهره‌وری عوامل تولید به ویژه نیروی کار، تحقق کشاورزی دانش بنیان (کشاورزی که فرآیندهای آن بر مبنای به کارگیری یافته‌های پژوهش‌های مربوط مدیریت می‌شود) و اطلاعات محور است. همچنین نکته‌ای که نمی‌توان از کنار آن به راحتی عبور کرد اینکه کشاورزی از ظرفیت قابل توجهی برای غلبه بر بحران بیکاری، به ویژه در کوتاه مدت برخوردار است و باید از این ظرفیت‌های ارزشمند در سال تولید ملی نهایت بهره را ببریم. به طور کلی از دیدگاه توسعه اقتصادی، نقش کشاورزی به دلیل کمک آن به پیشبرد جریان رشد و توسعه نمایان تر است. بخش کشاورزی در جریان رشد و توسعه اقتصادی چند وظیفه مهم و اساسی بر عهده دارد که از آن جمله می‌توان به تامین غذا و امنیت غذایی برای جمعیت رو به رشد، تامین ارز خارجی برای وارد کردن کالاهای

سرمایه‌ای از راه افزایش صادرات، عرضه مواد خام مورد نیاز صنعت و کمک به توسعه فعالیت‌های تولیدی وابسته اشاره کرد. توسعه کشاورزی، افزایش تولیدات کشاورزی و دامی و شیلات و جنگل‌داری را به همراه خواهد داشت و افزایش تولید اقلام یاد شده ضمن ایجاد اشتغال و کمک به رشد اقتصادی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه کمک می‌کند.

صدور محصولات کشاورزی برای ارزیابی گرچه در مقایسه با صدور مواد خام معدنی و زیرزمینی کمی سخت تر است، اما با صرفه تر است، زیرا اولاً، محصولات کشاورزی جزو منابع تجدید شونده است، بنابراین یک منبع دائمی و تمام ناشدنی برای تامین ارز به شمار می‌رود. ثانیاً، تولید و صدور محصولات کشاورزی جنبه اشتغال زایی بیشتری دارد و توسعه فعالیت‌های مربوط به تولید و صدور این محصولات سبب رشد و شکوفایی بیشتر در اقتصاد ملی می‌شود. از سوی دیگر توسعه بخش کشاورزی به دلیل ماهیت فعالیت‌ها در این بخش اساساً نیاز کمتری به ارز خارجی دارد. همچنین بخش کشاورزی از راه تولید مواد غذایی مورد نیاز برای مصرف داخلی در حقیقت از دامنه نیاز به ارز خارجی برای واردات مواد غذایی می‌کاهد. بخش کشاورزی از یک سو برخی از نهادهای مورد استفاده خود مانند ماشین‌های کشاورزی، کودهای

شیمیایی و سموم دفع آفات را از بخش صنعت تامین می‌کند و به این ترتیب برای برخی از تولیدات صنعتی تقاضا ایجاد می‌کند و از سوی دیگر بسیاری از مواد خام و مواد واسطه‌ای مورد نیاز رشته‌های مختلف صنایع را تامین می‌کند. بر این اساس، توسعه اصولی بخش کشاورزی از طریق ارتباط‌های یاد شده به تکمیل زنجیره‌های تولید و رونق فعالیت‌های تولیدی مرتبط با کشاورزی در اقتصاد ملی کمک شایانی خواهد کرد.

قانون بهره‌وری کشاورزی و منابع طبیعی

پس از وقوع واردات بی‌رویه سال‌های اخیر، در بودجه سال ۱۳۸۹ مقررات جدیدی برای واردات محصولات کشاورزی وضع شد و علاوه بر این در ۲۴ مرداد ماه ۱۳۸۹ برای ارتقای سهم بخش کشاورزی، قانون بهره‌وری کشاورزی و منابع طبیعی توسط ریاست جمهوری ابلاغ شد که ماده ۱۶ این قانون به کنترل واردات از سوی وزارت جهاد کشاورزی تاکید دارد. هم‌زمان با اجرا نشدن قانون بودجه سال ۱۳۸۹ و قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، واردات در سال ۱۳۸۹ از شدت بیشتری برخوردار شده است، برای مثال در طول سال ۱۳۸۸ در مجموع ۸۷۷ هزار تن واردات شکر انجام شده بود، ولی در هشت ماهه اول سال



محصولات کشاورزی داخلی و رقابتی کردن قیمت آن‌ها، از جمله اقدام‌هایی است که وزارت صنعت، معدن و تجارت باید در راستای مدیریت واردات این محصولات به اجرا در آورد. زمانی که در سال ۱۳۸۷ واردات محصولات کشاورزی به صورت لجام‌گسیخته انجام شد، برخی مطبوعات و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با موضع‌گیری‌های قاطع، مانع گسترش این تفکر شدند. این اقدام‌ها موجب شد به فاصله اندکی از اجرا، واردات اقلام کشاورزی در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ در مقایسه با نیمه دوم سال ۱۳۸۷ به استناد آمار رسمی گمرک، حدود ۴۰ درصد کاهش یابد به طوری که میزان واردات محصولات کشاورزی در این مدت از نظر وزنی ۳۸ درصد و از نظر ارزشی ۳۷ درصد کاهش یافت. جریان کاهش واردات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ ادامه پیدا کرد به گونه‌ای که بر اساس آمار رسمی گمرک، میزان واردات محصولات کشاورزی از ۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ به ۵ میلیارد دلار در

اگرچه در این بخش تولید در سال ۱۳۸۲ فقط ۳/۱ درصد از شاغلان بخش کشاورزی تحصیلات عالی، اعم از تخصص کشاورزی و غیر کشاورزی داشته‌اند. ایران جزو کشورهای است که بیشترین میزان ضایعات مواد غذایی را در جهان دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای را در این رشد منفی برعهده دارند. بررسی روی کارنامه سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشور نشان می‌دهد که طرح‌های پژوهشی کاربردی در مقایسه با طرح‌های پژوهشی بنیادی از درصد کمتری برخوردار است، زیرا تاکنون اغلب طرح‌های تحقیقاتی براساس سفارش بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی انجام نشده‌اند. همچنین در ایران سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است، به طوری که هزینه تحقیق و توسعه در کشور چین در سال ۲۰۰۲، معادل ۱/۲۳، آلمان ۲/۵، مالزی ۰/۶۹، انگلستان ۱/۸ و در ایران ۰/۳۸ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. سال ۱۳۸۲ این رقم در ایران ۰/۵۰ و در سال ۱۳۸۳ به ۰/۴۷ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. علاوه بر موارد یادشده، کمبود منابع مالی، از جمله دیگر چالش‌هاست اگرچه در این ارتباط، اقدام‌های تکاملی موثری انجام شده است، اما همچنان نارسایی‌های زیادی در عرصه تحقیقات کشور وجود دارد.

می‌شود که ۹۲ درصد آن در زمینه کشاورزی مصرف می‌شود و این امر در حالی است که بازدهی مفید استحصال آب در این بخش فقط ۳۲ درصد است. همچنین با توجه به برآوردهای انجام شده در سال ۱۳۸۲ فقط ۳/۱ درصد از شاغلان بخش کشاورزی تحصیلات عالی، اعم از تخصص کشاورزی و غیر کشاورزی داشته‌اند. ایران جزو کشورهای است که بیشترین میزان ضایعات مواد غذایی را در جهان دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای را در این رشد منفی برعهده دارند. بررسی روی کارنامه سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشور نشان می‌دهد که طرح‌های پژوهشی کاربردی در مقایسه با طرح‌های پژوهشی بنیادی از درصد کمتری برخوردار است، زیرا تاکنون اغلب طرح‌های تحقیقاتی براساس سفارش بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی انجام نشده‌اند. همچنین در ایران سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین است، به طوری که هزینه تحقیق و توسعه در کشور چین در سال ۲۰۰۲، معادل ۱/۲۳، آلمان ۲/۵، مالزی ۰/۶۹، انگلستان ۱/۸ و در ایران ۰/۳۸ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. سال ۱۳۸۲ این رقم در ایران ۰/۵۰ و در سال ۱۳۸۳ به ۰/۴۷ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. علاوه بر موارد یادشده، کمبود منابع مالی، از جمله دیگر چالش‌هاست اگرچه در این ارتباط، اقدام‌های تکاملی موثری انجام شده است، اما همچنان نارسایی‌های زیادی در عرصه تحقیقات کشور وجود دارد.

۱۳۸۹ بالغ بر یک میلیون و ۴۵۷ هزار تن یعنی حدود ۶۰ درصد بیشتر از کل سال ۱۳۸۸ و حدود ۲/۷ برابر کل شکر تولید داخلی واردات انجام شده است. همین وضع در مورد اغلب فرآورده‌های دامی و میوه هم مشاهده می‌شود. در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ شاهد نوسان در سطح بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش کشاورزی بوده‌ایم؛ به طوری که نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵ منفی بوده است. مهم‌ترین دلیل این امر، منفی بودن رشد بهره‌وری سرمایه در این بخش است. بنابراین کشور با وجود برخورداری از منابع قابل توجه کشاورزی، به دلیل وجود کاستی‌های متعدد از جمله ضعف در مدیریت، نبود کارایی واحدها و اعمال شیوه‌های سنتی تولید و... سالانه مزیت‌های نسبی بسیار زیادی را در تولید محصولات اساسی کشاورزی از دست می‌دهد.

مکانیزاسیون

در حالی هم‌اکنون ضریب نفوذ مکانیزاسیون کشاورزی در کشور بین یک تا ۱/۱۸ درصد است که براساس هدف‌گذاری برنامه پنجم توسعه ضریب مکانیزاسیون کشاورزی باید به یک تا ۱/۵ درصد (اسب بخار) برسد. در این رابطه برنامه‌های حمایتی گسترده‌ای برای تحقق اهداف برنامه پنجم در توسعه مکانیزاسیون کشاورزی در دست انجام است که حمایت از توسعه بانک‌های نشا و کشاورزی حفاظتی (خاک‌ورزی) از جمله آنهاست. اما نکته حائز اهمیت این است که به واسطه پایین بودن ضریب نفوذ مکانیزاسیون در مزارع کشور، مزیت‌های بسیاری را با پایین بودن بهره‌وری از دست می‌دهیم. استفاده نکردن بهینه، موثر و کارآ از منابع محدود و مورد نیاز بخش،

مدیریت بر واردات

نظارت بر واردات محصولات کشاورزی از طریق تشدید ضوابط و استانداردهای لازم یکی از کارهایی است که تا حدی شروع شده و دستاوردهای موثری هم به دنبال داشته است؛ اما این روند باید دقیق‌تر دنبال شود. افزایش تعرفه محصولات کشاورزی هنگام برداشت محصول داخلی، ایجاد الزام برای دریافت مجوز از وزارت‌خانه‌های جهاد کشاورزی و بهداشت برای واردات انواع محصولات کشاورزی و دامی، تشکیل ستادهای استانی و منطقه‌ای برای تنظیم بازار، تامین اعتبار برای به‌بازرسی برخی محصولات به‌ویژه صیفی‌ها و پرداخت یارانه به حلقه‌های مختلف تولید و توزیع



سال ۱۳۸۹ کاهش یافت که از تنزلی ۱۵ درصدی حکایت دارد. در کنار اعمال سیاست مدیریت بر واردات، با اعمال سیاست‌های تشویقی و بهبود زمینه صادرات محصولات کشاورزی هم در این سال‌ها با رشد قابل توجهی همراه شد. آمارها بیانگر آن است که در برخی میوه‌ها به‌طور میانگین حدود ۳۰ درصد افزایش صادرات، در برنج ۱۵ درصد و گندم سخت ۵ درصد کاهش واردات داشته‌ایم. بپذیریم در شرایط فعلی کشاورزی کلید توسعه اقتصادی در کشور است و باید به دور از شعارهای مرسوم با حمایت‌های عملی میوه این مزیت‌های بی‌شمار را در اقتصاد کشورمان بارور کرده و شعار تولید ملی را عملی کنیم.

راه‌های ارتقای تولید کشاورزی در ایران

به سوی بهره‌وری

رشد بخش کشاورزی به‌عنوان بستری برای کسب اهداف توسعه در کشورهای در حال توسعه امری ضروری قلمداد می‌شود. در میان اهداف مورد نظر، بهبود و تقویت رشد اقتصادی و کاهش فقر، بهبود امنیت غذایی و حفظ منابع طبیعی بسیار مهم هستند.

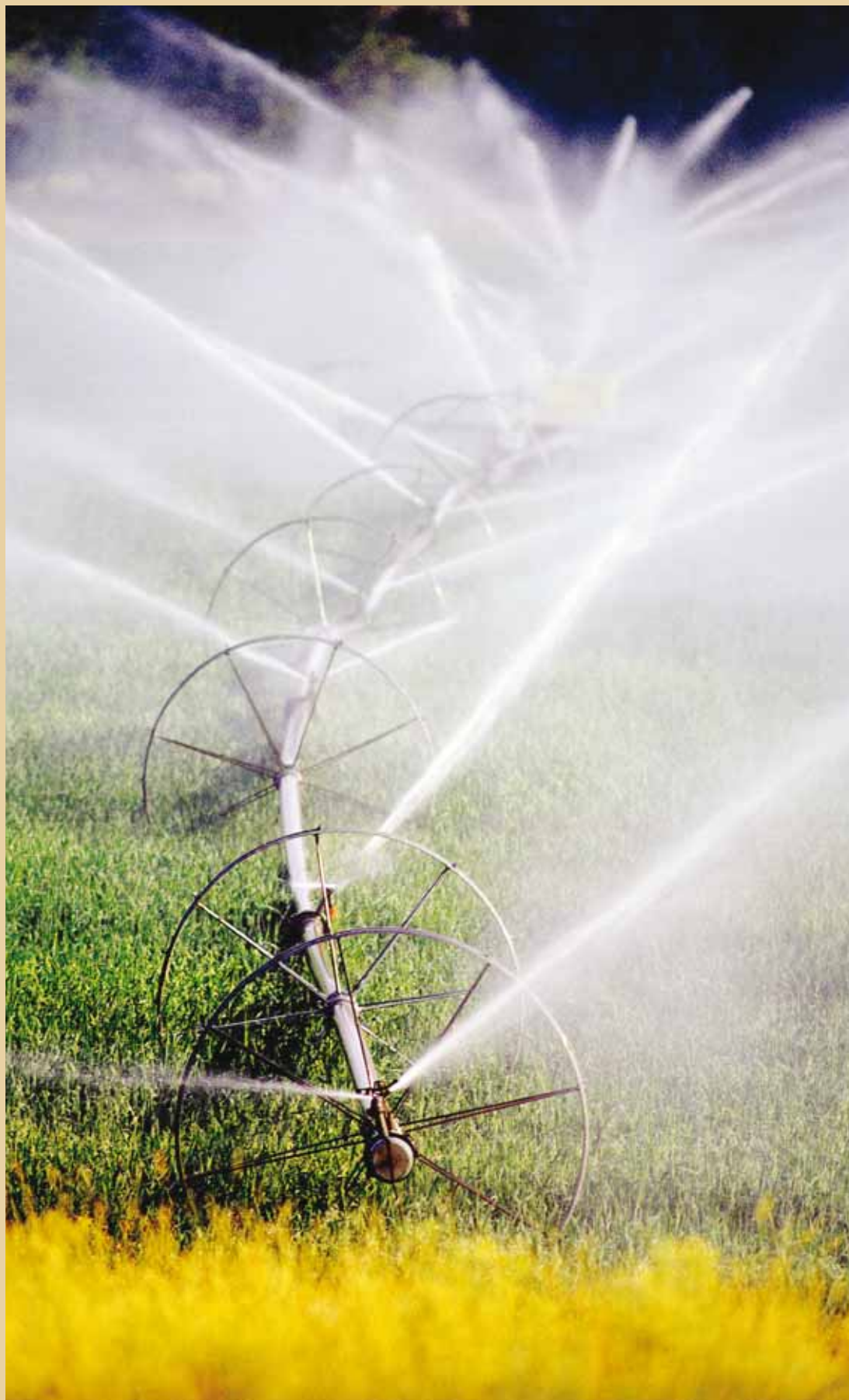
در کشورهای کم درآمد، بخش کشاورزی به دلیل گستردگی و پیوندهای قوی با سایر بخش‌های اقتصادی، به‌عنوان موتور و محرک اولیه رشد اقتصادی عمل می‌کند. کشاورزی در این کشورها بیشترین سهم نیروی کار را به‌خود اختصاص داده و با ۶۸ درصد اشتغال و ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی جایگاه ویژه‌ای دارد.

اغلب جمعیت فقیر به‌طور مستقیم به این بخش وابسته بوده و از طریق کشاورزی گذران زندگی می‌کنند. افزایش میزان بهره‌وری در بخش کشاورزی موجب ارزان‌تر شدن مواد غذایی شده و کمک قابل توجهی به اقتصاد خانوارهای فقیر می‌کند. همچنین کشاورزی نوین با اشتغال بیشتر در واحدهای فرآوری همراه شده و عرضه خدمات و نهاده‌های بیشتری را در بازار به‌دنبال دارد. این روند به شکل غیرمستقیم به ایجاد اشتغال در مزارع منجر خواهد شد. به این ترتیب بخش کشاورزی به‌طور مستقیم از طریق تولید بیشتر و صادرات و به‌صورت غیرمستقیم از طریق افزایش تقاضا برای خدمات و کالاهای صنعتی در جوامع روستایی، به رشد اقتصادی کمک کرده و در نتیجه موجب خلق فرصت‌های شغلی جدید می‌شود، اما در کل شرایط باید به‌صورتی مهیا باشد که کشاورز انگیزه‌ای برای ادامه کار خود داشته باشد.

کشاورز به حمایت نیاز دارد

دکتر سید راضی نوری، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار ما در رابطه با راه‌های ارتقای کشاورزی در کشور و حمایت از کشاورزان گفت: کشاورز نیازمند حمایت است و باید بداند که خانواده و محصولاتش نیز از سوی مسئولان حمایت خواهند شد. او ادامه داد: همچنین زمان برداشت محصولات لازم است تا از واردات آن محصول جلوگیری شود تا از این طریق کشاورز تشویق شده و با عزم جدی‌تری به کار زراعت مشغول باشد.

نوری راه‌حل دیگر ارتقای کشاورزی را امنیت شغلی برای کشاورز دانست و افزود: اگر کشاورز حس کند که مانند یک کارمند بیمه است و می‌تواند





یا کشاورزی را مکانیزه کرد که در این صورت قیمت محصولاتی مانند برنج به شدت کاهش خواهد یافت. او ادامه داد: می توان با ۱۰۰ میلیون دلار بسیاری از مزارع کشور را مکانیزه کرد و از این طریق علاوه بر افزایش تولید، هزینه تمام شده محصول را کاهش داد که در صورت عملی شدن چنین اقدامی مصرف کننده و کشاورز در کنار یکدیگر خواهند بود.

ارتقای جایگاه کشاورزی، یک راه رسیدن به توسعه متوازن

حمیدرضا پشنگ نماینده مردم خاش در مجلس شورای اسلامی نیز در ارتباط با راه های ارتقای کشاورزی در کشور گفت: یکی از راه های رسیدن به توسعه متوازن کشور اشتغال زایی و ارتقای جایگاه کشاورزی است. او افزود: اجرای طرح توسعه کشاورزی، جهشی بزرگ برای اقتصاد کشور و برون رفت از وضعیت فعلی محسوب می شود. او ادامه داد: برای تحقق بخشیدن به اقتصاد مقاومتی استفاده صحیح از منابع در اختیار باید مورد توجه قرار بگیرد زیرا در شرایط کنونی که فشارها و تحریم های اقتصادی شدت گرفته، برنامه ریزی کردن و پرداختن به این موضوعات از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

دولت های عضو این اتحادیه شکر را با قیمت ۳۳۰ دلار به بازارهای جهانی عرضه می کردند و با پرداخت یارانه به این محصول از تولید آن حمایت می کردند. آرمان ادامه داد: همچنین در مناطق بزرگ اقتصادی جهان از جمله اروپا و آمریکای شمالی سالانه بالغ بر یک تریلیون دلار یارانه به بخش کشاورزی پرداخت می شود و تنها دلیلش این است که این کشورها بتوانند به مرز خودکفایی رسیده و دیگر ناچار نباشند در مواقع بحرانی دست خود را پیش قدرتهای بزرگ دراز کنند و مجبور به دادن امتیازهای سیاسی شوند.

این کارشناس اقتصادی افزود: ما اگر جدول ۱۰ کالای عمده وارداتی را در نظر بگیریم متوجه می شویم اقلام بسیار کلیدی شامل: گندم، جو، ذرت، کنجاله، دانه های روغنی، روغن خام نباتی و... در این مجموعه هستند، در حالی که ما در ایران با توجه به شرایط آب و هوایی می توانیم در بسیاری از مناطق با کاشت این محصولات به مرز خودکفایی برسیم. او گفت: می توانیم با شیوه های نوین آبیاری، تولید محصول را در هر هکتار به شدت افزایش دهیم و با این کار مصرف آب را نیز در واحد هکتار کاهش دهیم. آرمان افزود: همچنین می توان از بذره های اصلاح شده استفاده

وقت می تواند با دید علمی و تجربه از پس تمام مشکلات برآید و از راه های ارتقا در بحث کشاورزی مطلع باشد و با علم به این موضوع در راه توسعه بخش کشاورزی قدم بردارد.

او ادامه داد: اما متأسفانه در کشور ما مهندسان کشاورزی تنها به صورت تئوری کشاورزی را آموخته اند و به دلیل نبود امنیت شغلی در این رشته، ترجیح می دهند به جای مزرعه در یکی از ادارات که تناسب چندانی هم با تحصیلاتشان ندارد مشغول کار شوند. نوری در پایان گفت: اگر ما بین تئوری آموزش دانشگاه و عملی مزرعه یک پیوند ایجاد کنیم و دانشجویان در کنار تحصیل سر مزرعه حاضر شوند وضعیت کشاورزی در کشور مطلوب تر خواهد شد.

کشورهای بزرگ از تولیدات کشاورزی به عنوان یک کالای سیاسی استفاده می کنند

دکتر بهمن آرمان کارشناس مسائل اقتصادی نیز معتقد است تولید کالاهای کشاورزی برای همه کشورها اهمیت استراتژیک دارد و اصولاً کشورهای بزرگ همواره از تولیدات کشاورزی و صادرات آن به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده کرده اند. او افزود: هزینه تولید هر تن شکر در کشورهای اروپایی یا عضو اتحادیه اروپا حدود ۸۵۰ دلار بود ولی

صبح به محل کار رفته و بعد از ظهر به منزل بازگردد و در کنار آن به خانواده و شغلش اهمیت داده می شود، بدون شک با انگیزه بیش از پیش به کارش ادامه خواهد داد و این ایجاد انگیزه موجب رشد و ارتقای کشاورزی نیز خواهد شد. او ادامه داد: بدون شک انگیزه موجب می شود تا تولید و کیفیت محصولات ارتقا یابد و در کل این کیفیت باعث می شود تقاضای خرید محصولات ایرانی در جهان افزایش یافته و کشاورز با افزایش تولیدات نیاز کشور به علاوه جهان را تامین کرده و صادرات نیز خواهد داشت.

نوری ادامه داد: همچنین کشاورز نیاز دارد محصولاتش به صورت تضمینی خریداری شود. این عضو کمیسیون کشاورزی مجلس افزود: کشاورز نیاز دارد تا تسهیلات دریافت کند، احترام ببیند و بداند صندوقی وجود دارد که از او و محصولاتش حمایت می کند و این تامین نیاز موجب افزایش انگیزه در شخص شده و کشاورزی شکوفا خواهد شد. نوری همچنین با اشاره به دانش آموختگان کشاورزی گفت: متأسفانه مهندسان ما تنها به خواندن و نوشتن و آموزه های تئوریک افاقه کرده اند، در صورتی که مهندس کشاورزی باید چکمه بپوشد و سر مزرعه حاضر شود تا بداند در کشاورزی چه می گذرد. آن



تاریخچه یارانه‌های کشاورزی در ایران و جهان

یک روغن رقیق برای یک موتور سنگین

در راستای توسعه زراعت اتخاذ شد که در آن دادن بذر و مساعده به مستاجر پیش‌بینی شده بود. اما دخالت مستقیم دولت در عرضه و تقاضا (تولید) در ایران از سال ۱۳۱۱ و با تصویب قانونی برای تاسیس سیلو در تهران، به منظور خرید و ذخیره گندم توسط سازمان غله، برای مقابله با کمبودهای احتمالی آغاز شد. در سال ۱۳۱۵ به سبب بارندگی به موقع، افزایش قابل ملاحظه‌ای در عرضه گندم به بازار پدید آمد. افزایش عرضه بر میزان تقاضا سبب کاهش شدید قیمت شد. در همان سال دولت به منظور حمایت از کشاورزان از طریق سازمان غله گندم را با قیمت بالاتر از قیمت‌های بازار خریداری کرد. تا سال ۱۳۲۱ هدف از دخالت دولت در بازار غلات، حمایت از کشاورزان و همچنین تهیه و ذخیره گندم و به‌ویژه تهیه نان ارزان برای مصرف‌کنندگان کم‌درآمد شهری بود.

ایران اولین نظام سهمیه‌بندی همراه با یارانه را در زمان جنگ جهانی تجربه کرده است و این در حالی است که سابقه پرداخت یارانه به مفهوم

خود بودند و این مسئله تا به امروز گسترش چشمگیری داشته است. در حال حاضر یارانه پرداختی به بخش کشاورزی در قالب یارانه‌های تولیدی و تجاری، یکی از اقلام مهم هزینه‌های دولت در تمام کشورها از جمله کشورهای صنعتی، در حال توسعه و سوسیالیستی است، به‌طوری که در سال‌های اخیر با افزایش چشمگیر و قابل توجه این یارانه‌ها در کشورهای صنعتی تلاش‌های بین‌المللی برای کاهش آن آغاز شده است. همان‌گونه که در حال حاضر جغرافیای اقتصادی کشورهای جهان گویای دسته‌بندی کشورها به پیشرفته صنعتی و در حال توسعه است و ماهیت این یارانه‌ها و انگیزه پرداخت آن در هر یک از این گروه کشورها تا حدود زیادی با یکدیگر متفاوت است.

تاریخچه یارانه‌های تولیدی در ایران

نخستین جهت‌گیری‌های حمایتی دولت در بخش کشاورزی در ایران به دوره صفویه مربوط می‌شود. در دوران صفویه نوعی تخفیف‌های مالیاتی و بعدها در دوران قاجار سیاست‌هایی

آدام اسمیت، بنیانگذار مکتب کلاسیک‌ها از مخالفان جدی دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بود و هم‌اکنون نئوکلاسیک‌ها با اندک تغییراتی بیانگر این اندیشه هستند. این بینش تا قبل از جنگ‌های جهانی بر اقتصاد غرب حاکم بود اما با بروز جنگ و پدیدار شدن تورم همراه با رکود شدید اقتصادی، اندیشه‌های جدید همچون اندیشه‌های اقتصادی کینز قوت گرفت که در آن دولت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تنظیم‌کننده و تعدیل‌کننده فعالیت‌های اقتصادی مطرح است. با اعمال این سیاست و بهبود اقتصاد غرب، به تدریج کنترل در بخش سیاست‌گذاری مالی و پولی و اداره بخش عمومی در اقتصاد به دولت سپرده شد و به هر حال از همین دوران - که با شروع جنگ جهانی دوم مصادف بود - پرداخت یارانه به مفهوم امروزی شکل گرفت.

در دوران پس از جنگ نیز کشورها با روی آوردن به اقتصاد و ادامه جنگ از طریق جنگ سرد، به دنبال رشد و توسعه اقتصادی، ناگزیر از حمایت گسترده از تولید و تجارت محصولات





کنونی آن به دهه ۴۰ می‌رسد که این یارانه‌ها برای گوشت و گندم پرداخت می‌شد، اما رقم آن قابل توجه نبود و تا قبل از افزایش درآمد نفت به دلیل رشد اقتصادی متعادل و نرخ تورم این یارانه‌ها اندک بود.

کل میزان پرداخت یارانه دولت بابت تفاوت خرید و فروش کالاهای اساسی تا سال ۱۳۵۱، یعنی پایان برنامه چهارم، هزار و ۶۶۸ میلیون ریال بوده است که این مقدار تنها حدود ۴/۱ درصد یارانه در سال ۱۳۵۴ است.

تا قبل از انقلاب، در مردادماه ۱۳۵۳ دولت اقدام به تاسیس و تشکیل صندوقی به نام صندوق حمایت از مصرف‌کننده کرد و سال ۱۳۵۶ سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تاسیس شد که تمامی وظایف صندوق به این سازمان محول شد. بعد از پیروزی انقلاب تغییراتی در تشکیلات اجرایی و نحوه توزیع کالاهای مشمول یارانه به وجود آمد. به علت محدودیت‌های اقتصادی ناشی از جنگ و تحریم اقتصادی که زمینه عرضه متناسب کالاهای اعم از تولیدات داخلی و وارداتی را دچار نوسان و تنگناهای مختلف کرده بود، امر قیمت‌گذاری به صورت گسترده از سال ۱۳۶۰ توسط سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به مرحله اجرا درآمد. در دوران قبل از ۱۳۶۸ سیاست تثبیت اقتصادی دنبال می‌شد که فراگیری، استمرار و فزاینده بودن از ویژگی سیاست‌های حمایت در این دوران بود و همه به نوعی یارانه دریافت می‌کردند، در هیچ مرحله‌ای پرداخت یارانه قطع نمی‌شد و در حد سقف معینی متوقف نبود، در حالی که

در سال‌های بعد از آن به تدریج سیاست تعدیل اقتصادی جایگزین آن شد که در این سیاست پرداخت یارانه هدفمندتر شد و تنها گروه‌های هدف یارانه دریافت می‌کنند و در آن یارانه‌ها کاهنده و در نهایت حذف خواهند شد. در دوره بعد از انقلاب درصد اختصاص یارانه به تولید کالاهای اساسی افزایش یافت. به طوری که متوسط یارانه‌های تولیدی نسبت به کل یارانه‌های پرداختی از ۱۳/۷ درصد در قبل از انقلاب به ۲۵/۲ درصد در سال ۱۳۶۸ افزایش داشته است. با پایان جنگ و در پی انگیزه خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی به‌ویژه گندم، میزان یارانه نهاده‌های تولید شامل کود، سم و بذر به شدت افزایش یافت که این

مسئله در بخش‌های بعدی به تفصیل بررسی می‌شود.

سهم یارانه تولیدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی

اگر چه برخی اقتصاددانان بر این باورند که سیاست‌های حمایتی موجب تحریف قیمت‌های بازار، هزینه تولید و همچنین منجر به تخصیص نامطلوب نهاده‌ها و کاهش رفاه اجتماعی در بلندمدت می‌شود، اما با این حال، تقریباً تمام کشورهای جهان (اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه) به شیوه‌های مختلف از تولیدات صنعتی و کشاورزی حمایت می‌کنند. بخش کشاورزی در مقایسه با بخش صنعت، بنا به دلایل مختلف آسیب‌پذیری‌های بیشتری دارد که موجب می‌شود کشورهای مختلف بسته‌ای از سیاست‌های حمایتی برای

حمایت‌های خود از بخش کشاورزی به کار می‌گیرند، ابزارهای حمایتی مورد استفاده در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ایران بسیار محدود و اغلب تنها شامل پرداخت یارانه غیرمستقیم به نهاده‌های مورد استفاده مانند کود، سم، بذر و ماشین‌آلات، پرداخت خسارت به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، پرداخت بخشی از حق بیمه محصولات کشاورزان و خرید تضمینی برخی محصولات اساسی است.

از سوی دیگر در سیاست‌های حمایتی کشورهای توسعه‌یافته دیده می‌شود که پرداخت یارانه به تولیدکننده به جای مصرف‌کننده مبنای قرار می‌گیرد، این سیاست به‌گونه‌ای اعمال می‌شود که در نهایت مصرف‌کننده نیز از آن بهره‌مند خواهد شد. در حالی که در کشورهای



استمرار تولید در کشورهای خود به کار گیرند.

این در شرایطی است که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران به علت برخورداری از قدرت رقابت به نسبت کمتر از عرصه تجارت بین‌الملل نیاز به حمایت بیشتری دارد. یارانه‌های پرداختی در اقتصاد ایران در سه بخش تولیدی، مصرفی و خدماتی توزیع می‌شوند که در این میان یارانه‌های مصرفی هر ساله بیشترین سهم از کل یارانه‌ها را به‌خود اختصاص می‌دهند. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته بسته بسیار متنوعی از سیاست‌های حمایتی را برای بهره‌وری هر چه بیشتر

توسعه‌نیافته به‌گونه‌ای عکس این سیاست عمل می‌شود.

البته نکته‌ای که نمی‌توان از کنار آن به راحتی عبور کرد این است که یارانه‌های کشاورزی عموماً در کشور ما غیر هدفمند و کمیت‌گرایانه اختصاص می‌یابد. یعنی به‌عبارتی تصویب یک نرخ ثابت برای یک محصول مشخص هر گونه انگیزه تولید کیفی را از زارعان زحمتکش‌مان از بین برده است. شایسته است علاوه بر ضرورت تصویب کارشناسانه‌تر قیمت‌های خرید تضمینی، با تعیین چندنرخ متغییر برای تحویل محصولات با درجه کیفی متفاوت همواره انگیزه تولید کیفی را نزد کشاورزان محفوظ نگه داریم.



بررسی الگوهای تولید ملی در برخی کشورهای توسعه یافته

نمونه‌های کار آمد

و گاه ارزان خارجی، به همان مصنوعات داخلی کم کیفیت و گران بسنده کردند. در واقع، حمایت از کار و سرمایه ملی در این دو کشور در سال‌های سازندگی، نه امری فقط دولتی که رویکردی کاملاً ملی و نهادینه شده در فرهنگ دو ملت بود. در این میان، صنعتگران نیز به‌عنوان بخشی از همان دو ملت کوشا، شرایط خاص آن سال‌ها را که در غیاب رقابت خارجی برایشان محقق شده بود، به فرصتی برای کیسه دوختن برای خود تبدیل نکردند و با این استدلال که «در این بازار انحصاری، مشتری گزینه‌ای جز ما ندارد»، به بنجل‌سازی روی نیاوردند و کوشیدند در گذر زمان، کیفیت تولیدات خود را بالا و قیمت‌ها را رقابتی کنند؛ آنها به ملت خود احترام می‌گذاشتند و قدردان واقعی مشتریان داخلی‌شان برای خرید کالای داخلی بودند. این شد که چند سالی بعد از آن جنگ خانمان‌سوز، دو کشور، یکی از خاور و دیگری از باختر سر برافراشتند و قدرتهای بزرگ اقتصادی جهان را به هم‌آوردی طلبیدند. جالب است بدانید

دو الگوی ژاپن در شرق آسیا و آلمان در اروپا را مورد بررسی قرار داد. اگر امروز می‌بینیم که کشور ژاپن در جهان اقتصاد حرفی برای گفتن دارد یا کالای ساخت آلمان، اعتبار ویژه‌ای برای خود دست و پا کرده، به این دلیل است که در آن کشورها، «تولید ملی در سایه حمایت از کار و سرمایه ملی» شکل گرفته است. ژاپن در جریان جنگ جهانی دوم، به کشوری ورشکسته و آلمان به مملکتی کمرشکسته تبدیل شد و مردم در حالی نظاره گر پایان خفت‌بار جنگ جهانی بودند که از شهرها و اقتصادشان چیزی جز تل خاکستر باقی نمانده بود. با این حال، اراده شرقی در ژاپن و عزم غربی در آلمان، به این امر تعلق گرفت که «باید از نو ساخت و بر پای خود ایستاد». ژاپنی‌ها و آلمانی‌ها دریافته بودند که خودشان هستند و خودشان. از این‌رو، کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و راه‌ها را «خودشان» ساختند و قوت غالب‌شان را برنج و سیب‌زمینی داخلی قرار دادند و به‌جای وارد کردن کالاهای با کیفیت

در دنیای امروز کانون‌های قدرت و ثروت متعددی وجود دارند که در تعامل و رقابت با یکدیگر هستند. حضور در رخدادهای جهانی و گریز از حاشیه‌نشینی ایجاب می‌کند همه کشورها با عبور از تنگناها و با تکیه بر دیپلماسی اقتصادی کارآمد، تلاش‌های سیاسی و اقتصادی موثری برای پیشبرد اهداف خود داشته باشند.

بدیهی است که در هر کشوری «راه توسعه» و رسیدن به «آرزوهای ملی» با عبور از تنگناهای فراوان و توجه به بسترها، ارزش‌ها و داشته‌های بومی و ملی ممکن و مقدور است. بر این اساس شاید نتوان گفت الگوی سایر کشورها در کشوری دیگر قابل اجرا یا کپی‌برداری باشد، اما بهره‌گیری از تجربه‌های آن کشورها، مرور اشتباه‌ها و انحرافات آنها و نگرش جامع برداشته‌ها و مقدمات و شیوه‌های موفقیت سایر ملت‌ها می‌تواند درس‌های آموزنده‌ای برای مسیر توسعه پرفراز و نشیب یک کشور باشد. در تبیین بیشتر این موضوع می‌توان

آلمان ورشکسته دیروز، امروز تنها کشور مهم اروپایی است که از تبعات بحران اقتصادی اروپا جان سالم به در برده است و به نسبت دیگر اروپاییان، آسیب کمتری را متحمل شده است.

نگاهی بر الگوی رشد و تولید ملی در چین

چین یکی دیگر از کشورهایی است که با اتکا بر تولید ملی توانست تمام نیازهای خود را تامین و علاوه بر آن به یکی از قول‌های اقتصادی جهان تبدیل شود. پس از انقلاب ۱۹۴۹ در چین و حاکمیت کمونیست‌ها بر این کشور و با عبور از سال‌های نخستین انقلاب، همواره دو جناح قدرت در حزب کمونیست چین ظرفیت‌های ملی را به‌صورت مشارکتی اداره کرده و در کادر رهبری این کشور به بحث‌های جدی پرداخته‌اند. در یکی دو دهه نخست انقلاب، این مباحث تحت تاثیر مائو و یاران او از رنگ و بوی چندانی برخوردار نبود، اما همواره سوالاتی مانند پرسش‌های زیر در میان نخبگان و کادرهای حزبی جریان داشت:

- آیا اقتصاد دولتی و گسترش بدنه دولت به نفع مردم چین است؟

- عنصر ناکار آمدی در بدنه دولت را چه باید کرد؟

- تورم نیروی انسانی در اقتصاد دولتی به کجا خواهد انجامید؟

- چرا بهره‌وری در اقتصاد چین پایین است؟

- چگونه باید فناوری سنتی و فرسوده چین را با تکنولوژی و مدیریت روزآمد اصلاح کرد؟

- مدیریت، سرمایه، اطلاعات و توانایی‌های چینی‌های ماورای بحار و سایر ملت‌ها را چگونه می‌توان به کشور چین متصل کرد؟

ماجرای دهه ۸۰ و با قدرت‌گیری بیشتر جناح عمل‌گرا و اصلاح‌گر وارد مدار جدیدی شد و تفکر عمل‌گرایانه شعار و گفتمان غالب جامعه شد. این شعارها عبارت بودند از:

- ساختن چین بزرگ، مرفه و پیشرو و وظیفه‌ای همگانی است.

- رفاه عمومی و توسعه وظیفه حزب و دولتمردان است.

- همه قشرهای اجتماعی با رهبری حزب باید در سیاست درهای باز و تولید ملی مشارکت کنند.

- دوستی با سایر کشورها و حل‌وفصل مسائل با همسایگان سرلوحه حرکت ملی خواهد بود.



در هر کشوری «راه توسعه» و رسیدن به «آرزوهای ملی» با عبور از تنگناهای فراوان و توجه به بسترها، ارزشها و داشته‌های بومی و ملی ممکن و مقدور است

ویژگی‌های بومی و چینی منظور شد و در این مسیر، اصلاحات نهادی و قانونی در بخش‌های مختلف دولتی به شکلی وسیع و همه‌جانبه انجام شد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت آنچه امروز چین را به «کارخانه دنیا» تبدیل کرده و به توسعه سریع علوم و فناوری و جهانی‌شدن این اقتصاد انجامیده است، شناخت همه‌جانبه و دقیق تحولات اقتصادی دنیا و بهره‌گیری مناسب و به‌هنگام از امکانات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این تعامل با همکاری مدیریت هوشمند و ساختاریافته حزبی و توانایی‌های مدیریتی، ارتباطاتی، سرمایه‌ای و اطلاعاتی چینی‌های ماورای بحار حاصل شده است. پس باید گفت، توان رقابتی چین امروز متکی بر توانایی‌های بسیاری است که از جمله می‌توان بر توسعه هدفمند ملی و توسعه مراکز تحقیق و توسعه، همسان‌سازی قوانین و مقررات با تحولات عرصه تولید و تجارت، دیپلماسی اقتصادی فعال و استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و چینی‌های مقیم خارج و تولید متناسب با نیازهای مشتری اشاره کرد. این الگو توانسته است رشد اقتصادی چین را تضمین کند و اژدهای بیدار را در آستانه «توسعه اقتصادی» و پذیرش نقش‌های جدید بین‌المللی قرار دهد. این الگو و راه چین، ارزش دیده شدن را دارد.

با توجه به مباحث مطرح شده به نظر می‌رسد کشور ما نیز در این میان باید تلاش کند با تکیه بر مزیت‌های اقتصادی خود، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و فرصت‌های تجاری، تقویت اقتصاد ملی را هم‌پا با جذب فناوری و سرمایه‌های خارجی، در کانون توجه قرار دهد. از آنجا که اقتصاد ملی از دو مسیر تجارت و تولید با اقتصاد جهانی مرتبط می‌شود، بر دولت و بنگاه‌های جویای کسب‌وکار واجب است که قوانین و مقررات ضروری برای ایجاد تسهیلات بیشتر را در این مسیر، سرلوحه کار خود قرار دهند تا با هدف تقویت تولید ملی، با اقتصاد جهانی تعامل سازنده‌ای داشته باشند. با توجه به اهمیت بخش انرژی و مزیت رقابتی بالای گذرگاهی در ایران و نیز محوریت این بخش در ارتباط با جهان خارج و جذابیت بازار ایران برای بسیاری از کشورها، ایجاد یک ساختار اعتمادآفرین در بنیان‌های سیاست خارجی که در برگزیده منافع پایه‌ای کشور باشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

تسهیلاتی برای شرکت‌های بزرگ و بنگاه‌های متوسط منظور شد.

برنامه ۸۶۳

این برنامه شامل اولویت‌های استراتژیک در عرصه اقتصاد بود، هدایت فناوری اطلاعات، لیزر، فناوری علوم دریایی و فضایی و بیوتکنولوژی و مواد عالی و فناوری خودرو را شامل شد و تسهیلات دولتی و دستاوردهای کشورهای صنعتی برای استفاده شرکت‌های بخش خصوصی چین در این مسیر تسهیل شد.

برنامه ساعتی

این حرکت، «توسعه روستایی» چین از طریق پیشرفت علوم و فناوری تولید کشاورزی را از ۱۹۸۵ به بعد همراه با آموزش عمومی روستاییان و همگانی کردن علوم کشاورزی مکانیزه مورد هدف قرار داد و زمین‌های کشاورزی در قطعات کوچکتر به بخش خصوصی واگذار شد.

برنامه ملی اشاعه علوم و تکنولوژی

این برنامه مبتنی بر حمایت از مراکز و شرکت‌های دولتی بود و توسعه علمی و فنی در عرصه‌های تجاری و اقتصادی را دنبال می‌کرد و دستاوردها و تجربیات مدیران آموزش دیده و چینی‌های ماورای بحار را در اختیار مدیران سنتی شرکت‌های دولتی قرار می‌داد، تا شرکت‌های دولتی کوچکتر شده و به بخش خصوصی سپرده شوند. این برنامه از سال ۱۹۸۰ به بعد دنبال شد و تاثیر بسزایی در رشد اقتصادی داشت.

برنامه ملی توسعه اولویت‌های تحقیقات بنیادین

این برنامه از سال ۱۹۹۷ به بعد استراتژی‌های چند وجهی برای توسعه پژوهش و تحقیقات در علوم پایه را هدف قرار داد و به تشویق مادی و معنوی در حوزه‌های اقتصاد، انرژی و بهداشت و عرصه فناوری‌های نو توجه کرد.

برنامه تولیدات جدید ملی

این برنامه هم‌پای با گسترش همکاری‌های چین با جهان خارج، استانداردهای جهانی و مالکیت فکری و ثبت اختراعات و فناوری‌های بالا را در رأس برنامه‌ها قرار داد. با اجرای این برنامه‌ها، در اصل مدل توسعه چین، ترکیبی از عقلانیت و نظم عقلایی و سود محور آن سوی آب‌ها، همراه با

عقلانیت جمعی و استفاده از همه توان‌ها در تصمیم‌سازی برای همگانی کردن فرهنگ توسعه ضروری است. تولید انبوه با حداقل هزینه و قیمت ارزان و تصرف بازارهای گوناگون منطقه‌ای هدف بخش‌های تولیدی و تجاری خواهد بود.

چین در سه دهه گذشته، با بهره‌گیری مناسب از فضای بین‌المللی و رقابت ابرقدرت‌های آن دوران، امکانات منطقه‌ای را در اختیار اقتصاد فرسوده خود قرار داد و با استفاده از کاتالیزوری مناسب به نام «چینی‌های ماورای بحار»، استراتژی توسعه اقتصادی و ارتقای موقعیت بین‌المللی خود را پی گرفت.

بنابراین، روشن است که برگزیدن سیاست‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده در حوزه‌های علوم، فناوری، تحقیقات و تجارت، شرایط رو به رشد و پیشرفت چین را فراهم کرد و نقطه عطفی در گذار چین از «دوران فشار و تحریم» به دوران «انفتاح تجاری و تولیدی» بود.

واقع‌گرایی، خطرپذیری و بی‌باکی و اراده عبور از فشارهای اقتصادی، سه عامل اصلی برای گذار چین از قطعه (۷۹-۴۹) بود که به «دوره اول چین» مشهور است و ژانویه ۱۹۷۹ در تاریخ چین نقطه عطفی تاریخ‌ساز محسوب می‌شود و قراردادهای همکاری علمی و فنی با تکیه بر توسعه تعاملی، پیوندهای نوینی برای انتقال تجارب علمی جهان به چین فراهم کرد. در این مرحله صدها هزار چینی در قالب تیم‌های آموزشی و کاری و تحصیلی به خارج رفتند و سلسله‌ای از دانشمندان و مدیران و مهندسان نواندیش چینی پدیدار شد.

از نظر اجرایی، در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۹۵ میلادی مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های فناوری دنبال و طرح‌های ویژه‌ای به اجرا گذارده شد. مهم‌ترین برنامه‌هایی که فرهنگ رشد و توسعه و تکیه بر تولید ملی و کار با چینی‌های مقیم خارج بود را می‌توان در برنامه‌های زیر مشاهده کرد.

برنامه مشعل

یکی از طرح‌های مهم دولت چین برنامه مشعل بود (۱۹۹۸) که در قالب آن چین حدود ۵۰ منطقه توسعه فناوری (High Tech) در مناطق و نواحی ایجاد کرد و با کمک بنگاه‌های تجاری بخش خصوصی دانشگاه‌ها به صنعت متصل شد و معافیت‌های مالیاتی و وام‌های



بیمه‌های کشاورزی افزایش یافته موقعیت اعتباری کشاورزان

توسعه کشاورزی می‌انجامد و این بخش نمی‌تواند نقش اساسی خود را در توسعه کشور ایفا کند از این رو بیمه موجب می‌شود موقعیت اعتباری کشاورزان بهبود یابد و زمینه دسترسی آنها به اعتبارات بانکی فراهم آید. آثار اجتماعی بیمه محصولات کشاورزی علاوه بر پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی خاص نیز دارد. نبود امنیت در بخش کشاورزی موجب می‌شود این فعالیت جذابیت چندانی برای روستاییان نداشته باشد و این امر نه تنها به‌عنوان دافعه منجر به خروج کشاورز از این بخش می‌شود بلکه جاذبه‌های لازم را برای جذب سرمایه از دست خواهد داد. خروج کشاورزان از این بخش ممکن است از نظر اجتماعی پیامدهایی منفی به دنبال داشته باشد.

بیمه و افزایش امنیت روانی در جوامع روستایی

وجود بیمه در بخش کشاورزی موجب افزایش امنیت روانی در جوامع روستایی می‌شود و بهداشت روانی را در جوامع روستایی بهبود می‌بخشد وجود امنیت روانی و آرامش خاطر در تصمیم‌گیری‌های صحیح از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است. آثار اجتماعی و اقتصادی بیمه محصولات کشاورزی را می‌توان به شرح زیر برشمرد ایجاد امنیت تولید و سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی، بالا بردن توان برنامه‌ریزی کشاورزان و اعمال مدیریت ریسک، ایجاد ثبات در درآمدهای بخش کشاورزی و در نتیجه ثبات عمومی در کل اقتصاد کشاورزی کشور، بهبود موقعیت اعتباری کشاورزان، افزایش اتکا به نفس کشاورزان، حذف محصولات غیر اقتصادی از چرخه تولید و جایگزینی آنها با محصولات اقتصادی‌تر، بهبود وضعیت مدیریت از طریق اعلام حق بیمه و غرامات تفکیک شده، کمک به حفظ شأن و منزلت کشاورز برای آنکه به‌عنوان امانه‌بگیر از دولت در زمان وقوع حوادث تلقی نشود و آنچه دریافت می‌کند حق او خواهد بود. نتیجه‌گیری گسترش بیمه محصولات کشاورزی بی‌شک می‌تواند موجب تحول بنیادین در توسعه بخش کشاورزی شود صندوق بیمه با هدف حمایت از تولیدکننده و جلوگیری از سقوط توانایی مالی او پایه‌ریزی شده است. برای توسعه بخش کشاورزی، هر بخش به مثابه جزیی از یک سیستم در نظر گرفته می‌شود که با دیگر بخش‌ها و با اجزا، ارتباطات چند سویه و متقابل دارد و بدون توجه به این ریزبخش‌ها نمی‌توان در برنامه‌های توسعه کشاورزی به موفقیت نائل شد. به همین لحاظ به فرض کامل بودن طرح بیمه نمی‌توان انتظار داشت که برقراری بیمه و اجرای آن قادر خواهد بود متناسب با دیگر سیاست‌ها نقش کلیدی خود را در دستیابی به هدف‌های توسعه بخش کشاورزی و در نهایت اقتصادی ملی ایفا کند.

نقش بیمه محصولات کشاورزی در توسعه کشاورزی

بیمه محصولات کشاورزی برای از بین بردن خطرات نقشی ندارد، بلکه به‌منظور سر شکن کردن خطر در طول زمان‌های مختلف به‌کار گرفته می‌شود. سر شکن کردن خطر در طول زمان به این شکل انجام می‌شود که کشاورز با پرداخت حق بیمه، زیان ناشی از وقوع خطر را

و تامین غذایی جامعه بیش از پیش مورد توجه اهل نظر، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار دارد. در روزگار ما و برخلاف دهه‌های نخستین، جایگاه کشاورزی در برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است قطعاً ایفای هر چه بهتر نقش این بخش در برنامه‌های رشد و توسعه در گرو تحقق مفروضاتی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و افزایش سود آن در محصولات کشاورزی به‌عنوان راهکاری اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به هدف‌های توسعه یاد کرد. مفهوم واقعی ریسک و منابع آن از آغاز فعالیت‌های تولید در کشاورزی تا برداشت محصولات چند ماه و در بعضی موارد چند سال به طول انجامد و در ادبیات بیمه ریسک عبارت است از نامعلوم بودن وقوع حادثی که منجر به ایجاد خسارت می‌شود. این دو نکته اساسی در این تعریف مورد توجه است. اول نامعلوم بودن وقوع حادث و دوم ایجاد خسارت. کشاورزان هنگام تصمیم‌گیری با دامنه وسیعی مواجه‌اند، منسای ریسک موجود در فعالیت‌های کشاورزی به‌طور عمده ممکن است از ناحیه تولید، قیمت (عرضه) و اعتبارات باشد. در کشاورزی عدم حتمیت حالتی است که نه تنها مقدار دقیق یک متغیر تصادفی مشخص نیست بلکه توزیع احتمال آن متغیر هم مشخص نیست. به‌عبارت دیگر در وضعیت عدم حتمیت اطلاعات موجود نسبت به موضوع بسیار کمتر از موقعیتی است که در ریسک وجود دارد. تبیین جایگاه در توسعه اقتصادی بخش کشاورزی اگر نظام بیمه‌ای در جهان را بررسی کنیم بی‌می‌بریم که بیمه دقیقاً با هدفی اقتصادی به وجود آمده و در زمینه‌های مختلف اقتصادی از جمله ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، هدایت سرمایه‌ها، توزیع درآمد و... نقش مهمی را برعهده دارد. نبود بیمه محصولات کشاورزی و پایین بودن میزان امنیت مالی در فرآیند تصمیم‌گیری کشاورزان تأثیر گذاشته و موجب می‌شود تصمیم‌های آنها از لحاظ اقتصادی بر اساس تابع‌های تولید نباشد و در نتیجه چنین واقعیتی، همیشه منابع برای تولید بهینه تخصیص نمی‌یابد.

کاهش درآمد کشاورزان با انتقال ریسک به دلان

در سطح کلان سبب به هدر رفتن آنها می‌شود. چنین شرایطی بر روابط تجاری که در حقیقت به ضرر تولیدکنندگان است تأثیر می‌گذارد و کشاورز سعی خواهد کرد ریسک موجود را به دیگری منتقل کند و به درآمد کم ولی مطمئن‌تر بسنده کند و مازاد درآمد حاصل از کشاورزی به دست دلان و واسطه‌های این بخش برسد. کاهش درآمد کشاورزان در میزان سرمایه‌گذاری آینده آنها تأثیر می‌گذارد این امر در نتیجه سبب کاهش تولید می‌شود و این چرخه به‌صورت یک دور باطل به عدم

تاریخچه بیمه کشاورزی در ایران

با تشکیل صندوق امداد روستاییان، مصوب ۱۳۵۳ و طرح ایجاد صندوق بیمه محصولات کشاورزی مصوب ۱۳۵۵، بیمه کشاورزی ایران پایه‌ریزی شد ولی فعالیت رسمی آن از سال ۱۳۶۳ آغاز شد. به این ترتیب که پس از انقلاب اسلامی آغاز فعالیت‌های بیمه‌ای مجدداً به‌عنوان نیازی اجتناب‌ناپذیر مورد تأیید قرار گرفت و مقرر شد اقدام‌های لازم در راستای تحقق بخشیدن به این تفکر از نو آغاز شود. بنابراین از شهریور ۱۳۶۰، اولین کارگروه شکل‌گیری بیمه کشاورزی در ایران در وزارت کشاورزی تشکیل شد تا اقدام‌های لازم در مورد اجرای مقررات مربوط به بیمه محصولات کشاورزی و ارائه الگوی اجرایی سازگار با بخش کشاورزی انجام شود. از این رو با توجه به ارائه راهکار عملیاتی از سوی کارشناسان و نیز پیشنهاد واگذاری اجرای عملیات به یک سازمان ملی قدرتمند در بخش، یعنی بانک کشاورزی که بزرگترین امتیاز آن از نظر ضمانت اجرایی و تداوم و استمرار آن بود، مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً قانون اساسی صندوق بیمه محصولات کشاورزی سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و بلافاصله از همین سال عملیات اجرایی بیمه کشاورزی آغاز شد.

تا جایی که این اقدام در طول زمان توسعه یافت و در نهایت منجر به اختصاص یک هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال به صندوق بیمه محصولات کشاورزی در بودجه سال جاری شد.

بنابراین بدیهی است که توجه هر چه بیشتر مجلس و دولت به این بخش عظیم اقتصادی که طبق آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۸۴، ۲۶ درصد ناخالص ملی (GNP) ۲۵ درصد اشتغال، بیش از ۸۰ درصد نیازهای غذایی، ۲۶ درصد صادرات غیرنفتی و حدود ۹۰ درصد نیاز صنایع به محصولات کشاورزی به‌عنوان مهم‌ترین بخش اقتصادی و محور برنامه‌های توسعه‌ای کشورها در این بخش است می‌تواند بستر توسعه را بیش از پیش فراهم کند. به‌ویژه این که طبق آمار خردادماه سال جاری خبرگزاری ایسنا این بخش ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را به‌خود اختصاص داده اما در سرمایه‌گذاری کمتر از ۵ درصد موثر عمل کرده است. آنچه مسلم است باید علاوه بر تجهیزاتی مالی و افزایش سرمایه‌گذاری با اقدام‌های زیر بنایی مانند بیمه جبران خسارت و حمایت همه‌جانبه از تولیدکنندگان کشاورزی این ظرفیت‌های خالی را در رسیدن به اهداف توسعه‌ای پر کرد.

نقش بیمه محصولات کشاورزی برای دستیابی به اهداف توسعه

نقش کشاورزی در برنامه‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه‌های گوناگون، به‌ویژه از نظر اقتصادی تولید



افزایش خرید بیمه‌نامه‌های کشاورزی در سال ۲۰۱۳

به دلیل تغییرات شدید آب و هوایی در سال ۲۰۱۲ میلادی، اکنون بسیاری از کشاورزان به دنبال خرید بیمه‌نامه‌های کشاورزی هستند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، بسیاری از کشاورزان برای مدیریت بحران‌ها در سال آینده میلادی، در اندیشه اجرای برنامه‌های بلندمدت هستند. این در حالی است که پیش‌بینی‌ها برای تغییرات آب و هوایی در سال آینده میلادی و شرایط نامناسب تولیدات کشاورزی آنان را برای خرید بیمه‌نامه‌ها مصمم‌تر کرده است.

آژانس مدیریت ریسک ایالات متحده آمریکا اخیراً با انتشار گزارشی درباره تغییرات نرخ بیمه محصولات کشاورزی و غلات در سال ۲۰۱۳ میلادی و مقایسه آن با نرخ‌های سال ۲۰۱۲، اعلام کرد که نرخ حق بیمه در بسیاری از مناطق نسبت به سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. این آژانس در گزارش خود آورده است، در نظر دارد برنامه‌هایی را برای تغییرات در حق بیمه محصولات کشاورزی اجرا کند. بنابراین گزارش، تغییرات آب و هوایی در سال جاری میلادی خسارت‌های زیادی را به کشاورزان تحمیل کرده است و افزایش این خسارت‌ها در تمام نقاط جهان، اکنون منجر به گسترش خرید این نوع از بیمه‌نامه‌ها شده است.

بر اساس گزارش یکی از موسسه‌های تحقیقاتی آمریکا، هر سال حدود ۸۰ میلیون نفر به جمعیت کره زمین اضافه می‌شود و این به معنای آن است که جهان بلایای بیشتری را تجربه خواهد کرد. از سال ۱۸۰۰، جمعیت کره زمین هفت برابر و انتشار گاز کربن دی اکسید ۱۵۰ برابر شده است که هر دوی این عوامل بر تغییرات آب و هوایی اثر می‌گذارند. بر اساس گزارش بانک جهانی در حال حاضر بیمه کشاورزی در اکثر کشورهای جهان ارائه می‌شود که در اکثر این کشورها پرداخت یارانه از سوی دولت‌ها سبب شده خرید بیمه‌نامه‌های کشاورزی برای کشاورزان خرد و فاقد توان مالی نیز قابل تحمل و پذیرش باشد. در حقیقت گسترش سیاست‌های حمایتی از طریق فراگیر کردن نظام‌های بیمه‌ای از مهم‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌های بخش کشاورزی در اکثر کشورها است. بر اساس گزارش جدید سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، به‌منظور تولید غذای کافی برای جمعیت ۹/۱ میلیاردی جهان در سال ۲۰۵۰، باید ۸۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خالص در کشاورزی کشورهای در حال توسعه انجام شود. از این سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده، حدود ۲۰ میلیارد دلار برای تولید محصولات کشاورزی و ۱۳ میلیارد دلار برای تولید محصولات دامی اختصاص خواهد یافت.

بنابراین ایجاد امنیت‌خاطر و آرامش برای سرمایه‌گذاران تولیدات کشاورزی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و بیمه کشاورزی و توسعه آن نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند.

خود استفاده کنند و از این رو امکان سرمایه‌گذاری بیشتری وجود داشته باشد.

سر انجام اینکه وجود سایر اشکال بیمه در سطح روستاها کمک موثری در ترویج بیمه محصولات به حساب می‌آید. هر چه پوشش بیمه‌ای برای کشاورز جامع‌تر باشد و بخش بیشتری از دارایی‌های او را پوشش دهد امکان فعالیت بیمه محصول بیشتر شده و پذیرش زارع آسان‌تر خواهد بود.

متعاقب این پذیرش با نفوذ بیمه محصولات کشاورزی در سطح کشاورزان استان‌ها، تمایل به تولی افزایش یافته و راهکارهای توسعه‌ای نیز به خودی خود پدید خواهد آمد.

اصول بنیادی و بعضی از سازوکارهای لازم پیشنهادی برای اعمال نظارت کار بر بیمه محصولات کشاورزی

بهره‌گیری از مجموعه‌ای از اصول بنیادی نظارت، برگرفته از اصول اساسی نظارت مورد تاکید سازمان بین‌المللی ناظران بیمه، همراه با سایر اصول و سازوکارهای مورد نیاز برای نظارت مطلوب بر بیمه محصولات کشاورزی مطرح شده در بخش‌های قبلی، ضمن آنکه قادر است در کوتاه‌مدت موجب افزایش توانایی صندوق بیمه محصولات کشاورزی در سلامت بازار بیمه کشاورزی کشور شود، می‌تواند به‌عنوان چارچوب اصلی در ارائه سازوکارهای مورد نیاز، برای اعمال نظارت مطلوب و کارا به‌ویژه در فرآیند تفکیک بیمه‌گری از فعالیت نظارتی این نهاد و در بستر زمانی مناسب در نظر گرفته شود.

نهاد نظارتی در بازار بیمه محصولات کشاورزی باید به‌گونه‌ای سازماندهی و تجدید ساختار شود که بتواند در چارچوب وظایف محوله، سبب ایجاد و گسترش بازار بیمه‌ای کارا، منصفانه و پایدار برای حفظ منافع و حمایت از بیمه‌گذاران شود. این نهاد نظارتی در حوزه فعالیت و ایفای نقش خود، ضمن برخورداری از توان پاسخگویی در تمام سطوح عملیاتی، باید از استقلال نسبی، قدرت لازم و حمایت قانونی و در نهایت از منابع مالی کافی نیز برخوردار باشد.

نهاد نظارت بر بیمه محصولات کشاورزی، همچنین لازم است در فرآیند فعالیت نظارتی خود از قواعد صریح، شفاف و سازگار استفاده کرده و مسئولیت تصمیم‌گیری را به روشنی تعریف کند. بدیهی است که بهره‌گیری از نیروی انسانی کافی و با استانداردهای حرفه‌ای بالا، برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر و رعایت استانداردهای مناسب رازداری برای کارکنان و استفاده از ابزارهای لازم برای جذب، نگهداری و ارتقای کیفی نیروی انسانی نهاد نظارتی نیز از الزامات اساسی ایجاد یک نهاد نظارتی کاراست.

یک نهاد نظارتی مطلوب باید سیستم‌های متنوع کنترل‌های داخلی مصوب و اجرا شده را به‌طور مستمر مورد بازبینی قرار داده و در صورت نیاز تقویت و تشدید کنترل‌ها را برقرار کند. با توجه به ویژگی‌های بیمه محصولات کشاورزی به نظر می‌رسد که وضع قواعد و استانداردهای احتیاطی به‌منظور محدود کردن حجم مخاطرات نگهداری شده و همچنین مدیریت بر آنها از ضرورت بالایی برخوردار است.

در طول زمان تقسیم می‌کند. به این دلیل حق بیمه را قیمت تامین و ایجاد امنیت برای کشاورزی نیز نامیده‌اند. اولین اثر مثبتی که در توسعه کشاورزی، نقش آن بر کشاورزان ریسک‌گریز است. یک کشاورز ریسک‌گریز در صورتی که توسط پوشش‌های بیمه‌ای مورد حفاظت قرار بگیرد، مانند آن است که در فعالیتی بدون ریسک به فعالیت می‌پردازد. شرکت در فعالیت‌های همراه با ریسک تنها همراه با افزایش ریسک‌پذیری کشاورزان و تشویق آنان به پوشش‌های بیمه‌ای امکان‌پذیر است.

افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با بیمه محصولات

نقش دیگر بیمه محصولات کشاورزی در افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است، باید توجه داشت که هزینه‌های اقتصادی ریسک محدود به خسارت غیرمنتظره ناشی از آن نیست. وجود ریسک سبب به‌وجود آمدن فضای عدم اطمینان می‌شود و با تاثیرگذاری بر قیمت‌های سایه‌ای، هزینه‌های نامرئی اضافی را بر کل اقتصاد، به‌طور اعم و بر بخش کشاورزی به‌طور اخص تحمیل می‌کند. ریسک و به‌تبع آن عدم اطمینان با بالا بردن نا اطمینانی و در نتیجه کاهش نرخ بهره‌وری انتظاری، موجب پایین آمدن بهره‌وری نهایی سرمایه شده و بر تخصیص سرمایه‌ها بین فعالیت‌های مختلف اثر می‌گذارد. به‌عبارت دیگر عامل ریسک موجب ناکارایی در تخصیص بهینه سرمایه‌های موجود به سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی و کند شدن روند توسعه سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌شود.

بیمه محصولات کشاورزی علاوه بر آنچه در بالا عنوان شد در موارد زیر نیز تاثیر داشته است:

- ۱- تامین نیروی انسانی برای بخش کشاورزی
- ۲- ثبت درآمد کشاورزان که به نوبه خود به تثبیت اقتصادی کمک می‌کند.
- ۳- گسترش تکنولوژی جدید در بخش کشاورزی

بیمه محصولات کشاورزی و ترویج کشاورزی

از فعالیت‌های آینده ترویج کشاورزی را می‌توان تدوین اقدام‌های حمایتی دانست که باز پرداخت وام بانکی کشاورزان بیمه شده را بهبود دهد. به این معنی که اگر کشاورزان متحمل زیان شوند، در صورت برخورداری از بیمه کشاورزی قادرند به تعهدات خود عمل کنند. به‌علاوه این برنامه نشان می‌دهد، بیمه محصولات زراعی از نظر جمع‌آوری اطلاعات مربوط به میزان در خطر افتادن کشاورزان، که از طرف موسسات وام‌دهنده در تصمیم‌گیری برای افزایش یا عدم افزایش وام مورد استفاده قرار می‌گیرد آثار مثبتی به بار می‌آورد. ارتباط تنگاتنگ بین برنامه‌های ترویج کشاورزی و بیمه محصولات زراعی تنها در صورتی می‌تواند انگیزه‌ای برای پذیرش تکنولوژی از سوی روستاییان قرار گیرد که مولفه‌های زیر را به همراه داشته باشد.

- ۱- با فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، روستاییان از خطر گریزان باشند و درک درستی از فواید بیمه محصولات کشاورزان و مفاهیم منبعت از آن داشته باشند.
- ۲- تکنولوژی به تازگی در منطقه شناسانده شده باشند.
- ۳- کشاورزان نتوانسته باشند از تمام ظرفیت تولیدی

فرازهایی از بیانات دکتر محمد طالبی، مدیرعامل بانک کشاورزی در سال تولیدملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- مدیران بانک کشاورزی نسبت به فراز و نشیب‌های پیش روی تولیدکنندگان بی تفاوت نیستند و به مسائل آنها آگاهی کامل دارند.
- بانک کشاورزی به‌عنوان بانک تخصصی بخش کشاورزی در تلاش است مشکلات تولیدکنندگان و فعالان بخش کشاورزی را برطرف کند.
- امسال دغدغه جدی بانک کشاورزی یافتن راه‌هایی برای تقویت تولید در بخش کشاورزی است و بهترین راه جست‌وجو را گفت‌وگو با تشکل‌های بخش و ارائه طریق از سوی آنها می‌داند.
- علاوه بر راهکارهای بیمه‌ای، بانک کشاورزی در تلاش است، از طریق شعب خود نقدینگی را به‌سوی تشکل‌ها هدایت کند.
- باید با همفکری و تعامل برای اداره و تامین منابع مورد نیاز بخش کشاورزی تلاش کنیم و برای تحقق آن ساده‌ترین و موثرترین روش، متمرکز کردن منابع و حساب‌های فعالان در بانک تخصصی بخش است.
- پرهیز از حرکت‌های فردی و انجام اقدام‌ها به‌صورت هماهنگ با دیگر تشکل‌ها و رویکرد برای تشکیل و تکمیل زنجیره تولید موجب می‌شود، به اهداف تعیین شده دست یابیم.

